

فهرست

سخن نخست

محمد جواد مغنیه که بود؟ نگاهی اجمالی به آثار فاخر علامه

روش تفسیری علامه مغنیه در «الکاشف»

مغنیه؛ پیشگام عرصه تغییر، اصلاح و وحدت در جهان اسلام

اهتمام علامه مغنیه به ارائه تفسیری متناسب با نیاز جامعه و نسل جوان

السلامة

مدیر مسئول:

سید مهدی تقوی

سر دبیر:

حبیب الله ترکشوند

دبیر تحریریه بین الملل:

جواد عرب شیرازی

مدیر اجرایی:

مریم رجبی

مدیر هنری:

امیر شهبازی

عکاسان:

محمد نمازی، محمد نجفی، حسن

آقا محمدی، سجاد خطابی،

همکاران این شماره:

اشرف بصیری، جواد پارسا مهر، سید یاسر

موسوی، زهرانوکانی، جواد بوعدار



نشانی نشریه:

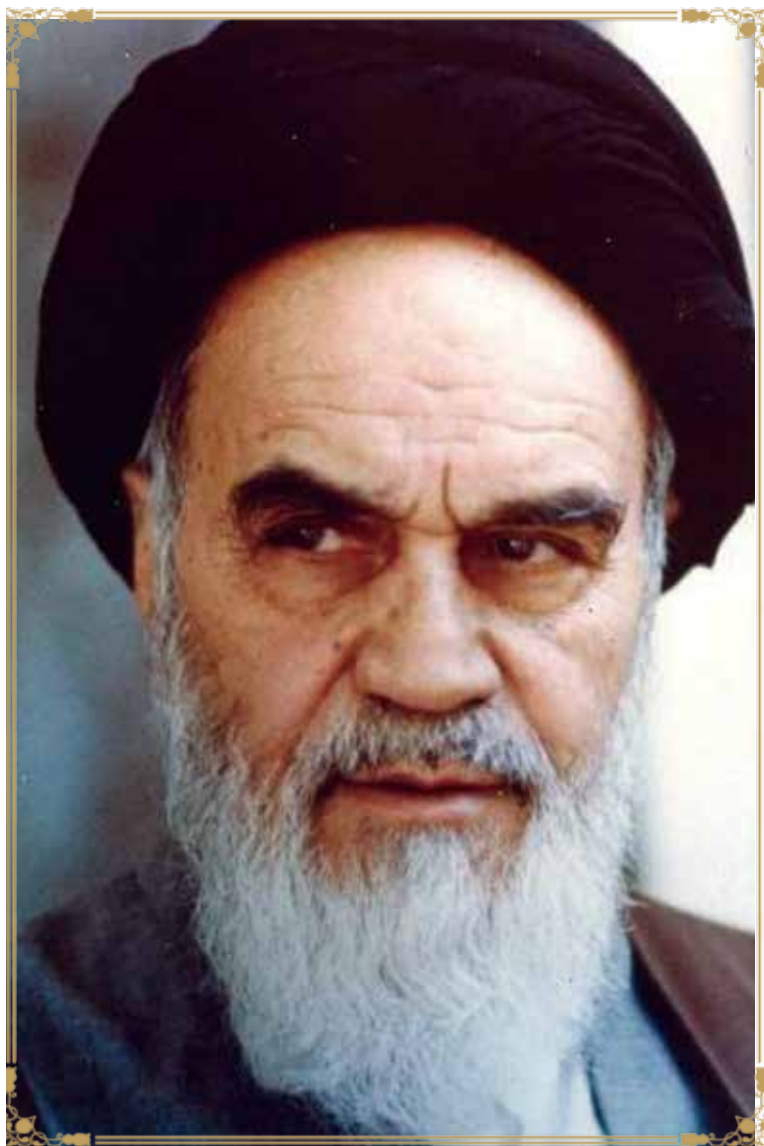
تهران، خیابان قدس، خیابان

بزرگمهر، پلاک ۸۵

خبرگزاری بین قرآنی ایران (ایکنا)

تلفن: ۰۲۱-۶۶۴۷۰۲۱۲ - ۹۸+





حضرت امام خمینی (قدس سره):

«...بطور کلی معنی تفسیر کتاب خدا آن است که شرح و مقاصد آن کتاب را بنمایاند و نظر مهم به آن، بیان منظور صاحب کتاب باشد. مفسر وقتی "مقصد" از نزول را به ما فهماند، مفسر است، نه "سبب" نزول آن طور که در تفاسیر وارد است. کتاب خدا، کتاب معرفت، اخلاق و دعوت به سعادت و کمال است. کتاب تفسیر نیز باید کتاب عرفانی - اخلاقی و مبین جهات عرفانی و اخلاقی و دیگر جهات دعوت به سعادت آن باشد. مفسری که از این جهت غفلت کرده یا صرف نظر نموده یا اهمیت به آن نداده، از مقصود قرآن و منظور اصلی انزال کتب و ارسال رسل غفلت ورزیده است...»

برگرفته از کتاب «آداب الصلاة» اثر بنیانگذار کبیر انقلاب اسلامی



حضرت امام خامنه‌ای (مدظله‌العالی):

«... جهت‌گیری پژوهش‌های قرآنی باید به سمت عینیت‌بخشی دستورات قرآن در جامعه و زندگی مردم باشد. پژوهنده قرآن باید از نظر روحی و درونی زمینه پذیرش حقیقت ناب قرآن را داشته باشد؛ زیرا در غیر این صورت ممکن است پژوهش در قرآن، در جهت مخالف آن استفاده شود؛ اگر دل، پاکیزه نباشد، نتیجه آن می‌شود که از قرآن برای کوبیدن اسلام و جمهوری اسلامی و فضائلی که نظام اسلامی در اختیار ما قرار داده است، استفاده می‌شود. یکی دیگر از مقدمات پژوهش در قرآن، انس با قرآن و همچنین آشنایی با زبان عربی و مبانی اصول فقه است، شیوه و متد علمی استفاده از قرآن در قرآن‌پژوهی بسیار مهم است و در این زمینه، شیوه علمای دین و فقها در استفاده از آیات و روایات، شیوه‌ای کاملاً علمی و آزموده شده است.»

از بیانات مقام معظم رهبری در دیدار هزاران نفر از بانوان قرآن پژوه و فعال قرآنی ۱۳۸۸/۰۷/۲۸

سخن نخست

علامه محمدجواد مغنیه، مفسر و اندیشمند برجسته لبنانی است که اندیشه‌ها و تفکرات وی مبتنی بر نوگرایی در اجتهاد، اصلاح حوزه‌های علمیه و به‌کارگیری شیوه‌های نوین در تبلیغ دین و دموکراسی اسلامی و تقویت وحدت ملی و اسلامی بود و در هر فرصتی با عالمان دینی اهل سنت مذاکره می‌کرد؛ به‌طوری که ایشان در سال ۱۳۸۲ هجری قمری با شیخ محمود شلتوت، شیخ وقت الازهر دیداری داشت و گفت‌وگو‌هایی میان آنان در مورد وحدت اسلامی و راه‌های تحقق آن صورت گرفت.

بدون شک، علامه شیخ محمدجواد مغنیه نقش سازنده و روشنگرانه‌ای در جامعه داشت و از پیشگامان جنبش اصلاح دینی در جهان اسلام بود، هرچند در آثار و تألیفاتی که در سال‌های گذشته درباره این مفسر جلیل‌القدر نوشته شده، جانب انصاف رعایت نشده است.

مرحوم مغنیه معتقد بود، امت اسلامی و مسلمانان از هر رنگ و نژادی را سه اصل مشترک ایمان به خدا، قرآن کریم و کعبه به هم پیوند می‌دهد و برای تحقق وحدت تمامی ادیان، باید حقوق متقابل را رعایت کرد، مسئله‌ای که علمای دین مروج آن بوده و تأکید داشتند تفرقه، هیبت و شوکت جامعه اسلامی را از بین خواهد برد.

علامه مغنیه بر این باور بود که محدود بودن حوزه علمیه در نجف، تفکر شیعی را تهدید می‌کرد؛ از آن جهت که اگر حوزه نجف با هر خطری روبه‌رو شود، در نتیجه پیشرفت علمی و فرهنگی شیعی را کند و فرصت آن را در پیشبرد علمی کمتر خواهد کرد و در همین راستا با گسترش دادن حوزه‌ها، گامی نوین در جهت پیشبرد علوم دینی و حوزوی برداشت که هم اکنون در لبنان، بحرین، سوریه، پاکستان، ایران، ترکیه و حتی در کشورهای اروپایی و آمریکایی، نمونه‌هایی از آن را شاهد هستیم.

شیخ محمدجواد بیشتر از راه قلم و هجوم به مبانی اعتقادی قوم یهود مبارزه می‌کرد. وی با مطالعه کتاب و سنت پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله وسلم) از همان ابتدا به ماهیت پلید رژیم صهیونیستی پی برد. در اکثر نوشته‌های او که به موضوع استکبار ارتباط دارد، از اسرائیل نیز نام می‌برد و آمریکا را حامی آنان معرفی می‌کند.

مغنیه در سال‌های پایانی زندگی خود اهتمام ویژه‌ای به علوم قرآنی و تفسیری داشت که حاصل این اهتمام، نگارش دو تفسیر ارزشمند «الکاشف» و «المبین» بوده که شیوه وی در این دو تفسیر گران‌سنگ، مبتنی بر واقع‌نگری و گفت‌مان شفاف و واضح است.

علامه مغنیه درباره انگیزه خود از تألیف تفسیر الکاشف می‌گوید: «تفسیرنویسی، هنری است که در شرایط زمانی و مکانی خاص شکل می‌گیرد. بدین روی تفسیر قرآن، با اختلاف زمان و دگرگونی شرایط دگرگون خواهد شد».

علامه شیخ محمدجواد مغنیه در تفسیر «الکاشف»، بسیار تحت تأثیر مسائل سیاسی و اجتماعی قرار می‌گیرد و به موضوعات یا بحث‌های اصولی، کلامی، منطقی، فلسفی، حدیثی، فقهی کمتر پرداخته است؛ به‌طوری که در شرح آیات، بر طرح مسائلی چون دسیسه‌های اسرائیل در تحریف اسلام و قرآن می‌پردازد، و ضمن پرداختن به موضوع جهاد در راه خدا و حرکت جهادی در کشورهای اسلامی، مقاومت در برابر رژیم صهیونیستی را جهاد در راه خدا تلقی می‌کند. وی در این تفسیر، با رویکردی نوگرایانه به بررسی مسائل و موضوعات روز جامعه به‌ویژه برای نسل جوان و استخراج نظریه اجتماعی قرآن پرداخت و تلاش کرد تا نظریه اجتماعی قرآن کریم را که در آیات متعدد به آن اشاره شده است، استخراج و این نظریه را به‌عنوان راه حلی برای مشکلات و مسائل روز جامعه مسلمانان معرفی کند.

بنابراین، الکاشف در زمره بهترین تفاسیر برای آشنایی با قرآن کریم است و تأثیر بسزایی در جذب مخاطب به‌ویژه جوانان دارد؛ نکته‌ای که مسئولان را بر آن خواهد داشت تا تلاشی مضاعف برای شناساندن الکاشف به جویندگان کلام وحی آغاز کنند و شاید ترجمه این تفسیر به زبان‌های زنده دنیا مهم‌ترین اقدام در این زمینه باشد.

تفسیر المبین، دیگر اثر گران‌سنگ علامه مغنیه است که هم از نظر محتوا و هم از نظر سبک نگارش، یکی از تفاسیر بدیع امامیه در قرن اخیر به شمار می‌رود و آیت‌الله العظمی جعفر سبحانی پس از آن که مرحوم مغنیه را از جمله مفسران بزرگ معاصر شیعی به شمار می‌آورد و از تفاسیر او یاد می‌کند، در معرفی تفسیر المبین به موجز بودن و موردپسند واقع شدن آن از طرف جوانان اشاره می‌کند.

از ویژگی‌های این تفسیر، اختصار و حذف زواید تفسیری و مطالب غیرضرور است که مفسر در این باب کوشیده است غالباً مطالب را در قالب عبارات موجز و کوتاه و با نثر عربی روان و رسا، به‌دور از غموض ادبی و فنی به‌خوبی بیان کند؛ بدین جهت نثر این تفسیر برای هر محقق‌ی که تا اندازه‌ای با ادبیات عرب آشنا باشد، قابل فهم و استفاده است.

آنچه می‌آید، کوششی برای فهم و درک شخصیت تقریبی و مفسر برجسته قرآن کریم علامه شیخ محمدجواد مغنیه است که در این ویژه‌نامه تلاش شده است آثار، زندگی‌نامه و تألیفات علامه مغنیه، روش تفسیری وی در تفسیر الکاشف، اندیشه‌های تقریب‌گرایانه علامه مغنیه و تلاش‌های ایشان برای ارائه تفسیری مطابق با مقتضیات روز و نیاز نسل جوان در قالب چهار فصل بررسی شود.

جواد پارسامهر
دبیر سرویس عربی خبرگزاری ایکنا

فصل اول :
محمد جواد مغنیه که بود؟
نگاهی اجمالی به آثار فاخر علامه



کتاب‌هایی نظیر «فقه‌الامام‌الصادق علیه‌السلام» و «تفسیر الکاشف» زد. همچنین با توجه به این‌که از افکار و آرای امام خمینی (قدس سره) تأثیرات زیادی گرفته بود کتاب «الخمینی و الدولة الإسلامية» را نیز تألیف کرد.

استاد مغنیه در جای دیگر ضمن این‌که حکومت اسلامی را برترین نوع حکومت می‌داند از دموکراسی غربی انتقاد می‌کند و معتقد است شیوه دموکراسی غربی به نحوی است که حیات و سرنوشت یک کشور به دست عده‌ای از سرمایه‌داران می‌افتد و عده‌ای دیگر در فقر و بی‌خبری به سر می‌برند.

■ زندگینامه علامه محمدجواد مغنیه

«محمدجواد بن محمود بن محمد بن مهدی بن محمد بن علی بن حسن بن حسین بن محمود بن محمد بن علی آل مَغْنِيَّة الْعَامِلِيَّة» در سال ۱۳۲۴ ق / ۱۹۰۴ م در قریه «طیردبا» از توابع فرمانداری «صور» لبنان متولد شد. پدر وی «شیخ محمود» از بزرگان لبنان بود. وی در سال ۱۲۸۹ ق. در نجف اشرف چشم به دنیا گشود و با والد خود به «جبل عامل» لبنان آمد و در همان جا پرورش یافت. پس از خواندن مقدمات علوم و فقه و اصول به نجف اشرف بازگشت و از محضر علمای نجف مانند آیت‌الله نائینی، آیت‌الله اصفهانی و آقا ضیاء‌الدین عراقی بهره برد. آن‌گاه بار دیگر به لبنان مراجعت نمود و در روستایی به نام «معره» اقامت گزید و مشغول تألیف و ارشاد مردم و ادای وظیفه دینی و وجدانی خویش گردید.

شیخ محمود در نجف اشرف به تنظیم اشعار دینی و اسلامی می‌پرداخت. در کتاب «تکملة أمل الأمل» آمده است: شیخ محمود مغنیه از اهل تحقیق در مطالب علمی و حقایق واقعی بود و کمتر کسی از معاصران

علامه محمدجواد مغنیه؛ مصلح اجتماعی و مرزبان اسلام و تشیع نوگرایی در اجتهاد، ضرورت اصلاح حوزه‌های علمیه و به‌کارگیری شیوه‌های نوین در تبلیغ دین و دموکراسی اسلامی جزء اندیشه‌های علامه شیخ محمدجواد مغنیه، از مفسران بنام شیعه در دوره معاصر و مرزبان اسلام و تشیع بود.

مهم‌ترین نگرانی و دغدغه علامه شیخ محمدجواد مغنیه وحدت ملی و اسلامی بود. وی تلاش گسترده‌ای برای وحدت اسلامی انجام داد و در هر فرصتی با عالمان دینی اهل سنت مذاکره و راه‌های وحدت را بررسی می‌کرد.

وی عقیده داشت که حوزه‌ها باید تلاش فرهنگی گسترده‌ای داشته باشند. باید از حوزه‌ها، مجلات و نشریات گوناگون و متنوع به کشورهای اسلامی صادر شود و از امکانات جدید مثل تلویزیون و غیره بهره گرفت و حوزه‌ها خود را بیشتر به جوامع اسلامی معرفی کنند.

وی معتقد بود که شیعه صاحب گنج‌های پرارزشی است و با هر عصر و زمانی طبق مقتضیات زمان پیش می‌رود و این، فقه پویای شیعه است که در تمام مسائل روز صاحب‌نظر است و مجتهد امروز از قواعد عامه و مبادی شرعی، حکمی جدید و متناسب با اوضاع روز صادر می‌کند که مجتهدان سابق آن را بیان نکرده‌اند و آن مسئله را نمی‌دانستند؛ نه به خاطر این‌که مجتهد امروز فقیه‌تر از گذشتگان است، بلکه به این خاطر است که در عصر دیگر زندگی می‌کند.

فقیهان معاصر باید مشکلات جدیدی را که همگان گرفتار آن شده‌اند، در قالب قوانین جدید درآوردند تا پشتوانه اجرایی هم داشته باشد. باید این فتواها بر اساس دید سالم از شریعت و نصوص اسلام باشد. اینان باید هر قضیه‌ای را که پیشینیان درباره آن بحث کرده‌اند، اما ربطی به زندگی امروز ندارد کنار بگذارند. وی خود برای تحقق این هدف، دست به تألیف



عرب توانستند به مقام او در درک مطالب برسند، سرانجام شیخ محمود پس از عمری نه چندان طولانی در سن ۴۴ سالگی دار فانی را وداع گفت و از خود فرزندی بر جای گذاشت که از آن‌ها می‌توان به شیخ احمد مغنیه، شیخ عبدالکریم مغنیه و شیخ محمدجواد مغنیه اشاره کرد. خاندان این مفسر جلیل‌القدر همگی از وجاهت علمی و اجتماعی عمیقی برخوردار بوده‌اند.

■ دوران تحصیل

محمدجواد مغنیه در سن چهار سالگی مادر مهربانش را که از سلاله فاطمه زهرا(س) بود، از دست داد و پس از مرگ مادر همراه پدر به نجف رفت و در آنجا خط و حساب و زبان فارسی را آموخت. اما بعدها به خاطر استفاده نکردن از زبان فارسی آن را به فراموشی سپرد. پدر محمدجواد پس از چهار سال اقامت در نجف به دعوت مردم منطقه عباسیه به لبنان بازگشت. شیخ محمود با آنکه از عالمان آن دیار بود از لحاظ مالی وضعیت خوبی نداشت. وی در سال ۱۳۴۴ دعوت حق را لبیک گفت. محمدجواد تحت تکفل برادر بزرگ‌تر خود درآمد و با برادر کوچکتر خود به نام احمد به منزل برادر به طبردا رفتند. تغییر مکان و از دست دادن والدین و شرایط پس از مرگ پدر، محمدجواد را سخت آزار می‌داد.

محمدجواد با آن همه مشکلات، اراده آهنین خود را از دست نداد و مراحل ابتدایی تحصیل خود را در همان لبنان آغاز کرد و کتاب «جرومیه» و مقداری از کتاب «قطر الندی» را خواند و تصمیم گرفت برای ادامه تحصیل به نجف اشرف رهسپار شود و از معدن علم علوی بهره گیرد. وی پس از ورود به عراق، راهی نجف اشرف شد و در آنجا استقرار یافت. در حوزه علمیه نجف، علوم مقدماتی را فراگرفت و پس از تکمیل دروس مقدماتی از دروس آیات عظام محمدحسین کربلایی،

سیدحسین حمای و آیت‌الله‌العظمی خوئی استفاده‌های فراوان برد. محمدجواد با همه سختی‌ها توانست یازده سال در نجف اشرف به تحصیل خود ادامه دهد. وی پس از فوت برادرش به لبنان بازگشت که به اصرار ساکنان منطقه در آنجا مقیم شد. محیط زندگی آن‌جا به دلیل پایین بودن فرهنگ مردم، برای محمدجواد دردآور بود و از این موضوع نیز که هزینه‌اش توسط مردم تأمین می‌شود، رنج می‌کشید. از این رو پس از دو سال و نیم اقامت در آن‌جا، در سال ۱۳۵۸ هـ ق به روستای «طبرحرفا» رفت و در منطقه «وادی السروه» در جنوب روستا اسکان گرفت. وی در آن‌جا توانست کتاب‌های دانشمندان و فیلسوفانی چون نیچه، شوپنهاور، ولز، تولستوی، محمود عقاد، طه حسین و توفیق حکیم را مطالعه کند و کم‌کم به نوشتن روی آورد. برخی از آثاری که در این مکان نوشت، عبارت‌اند از: «کمیت و دعیل»، «الوضع الحاضر فی جیل عامل» و «تضحیه».

شیخ محمدجواد حدود ده سال از عمر خود را در این منطقه به سر برد و در سال ۱۳۶۷ ق به بیروت عزیمت کرد. در مدت حیات علمی خود در بیروت و نجف اشرف، درس استادان متعددی را درک کرد که از جمله می‌توان به شیخ عبدالکریم مغنیه (متوفای ۱۳۵۴ ق، برادر بزرگش)، آیت‌الله‌العظمی سیدابوالقاسم خوئی (۱۳۷۱ - ۱۳۳۴ ق)، شیخ محمدحسین کربلایی و سیدحسین حمای اشاره کرد.

■ مسئولیت دولتی

مهم‌ترین مسئولیت و فعالیت اجتماعی محمدجواد مغنیه هنگامی بود که در سن ۴۳ سالگی در سال ۱۳۶۷ ق به بیروت عزیمت کرد و به عنوان قاضی دادگستری شیعیان بیروت منصوب شد. در سال ۱۳۶۸ ق مشاور عالی دادگاه‌های لبنان گردید و در سال ۱۳۷۰ ق ریاست کل

دادگستری شیعیان لبنان را پذیرفت. مغنیه تا سال ۱۳۷۵ ق در این مقام باقی ماند و طی این مدت، خدمات زیادی انجام داد. اما بعد از این مدت تا سال ۱۳۷۸ ق به عنوان مشاور عالی دادگستری، اشتغال به خدمت داشت و از آن تاریخ به بعد به طور کلی از این گونه مسئولیت‌ها کناره گرفت و به تألیف و تحقیق روی آورد. وی در مدت اشتغال در دادگستری خدمات شایسته‌ای انجام داد که از جمله آن‌ها می‌توان به تعیین شرایط برای جذب قضات شیعه و تغییر ماده ۲۴۰ قانون دادگستری‌های لبنان اشاره کرد.

■ مسافرت‌ها

در این زمان محمدجواد به عنوان دانشمندی برجسته در بین عالمان شیعه و اهل سنت شناخته شده بود، استاد محمدجواد صرف نظر از مسافرت‌های تحصیلی، به کشورهای مختلفی مانند سوریه، مصر، بحرین و در سال ۱۳۸۳ ق به قصد زیارت خانه خدا و اعمال مناسک حج، راهی عربستان شد. وی همچنین در سال ۱۳۹۰ ق به ایران سفر کرد و پس از زیارت مرقد مطهر امام هشتم (ع) وارد قم شد و دو سال در این شهر اقامت داشت. تا این که از طرف آیت‌الله شریعتمداری برای تدریس در دارالتبلیغ (دفتر تبلیغات اسلامی) دعوت شد. مغنیه در مؤسسه دارالتبلیغ الاسلامی به تدریس تفسیر و کلام مشغول شد و پس از دو سال حضور در ایران، در سال ۱۳۹۲ ق به بیروت بازگشت.

■ نقش محمدجواد مغنیه در تقریب مذاهب اسلامی

مهم‌ترین نگرانی شیخ محمدجواد، وحدت ملی و وحدت اسلامی بود. وی تلاش گسترده‌ای برای وحدت اسلامی انجام داد و در هر فرصتی با عالمان دینی اهل سنت مذاکره می‌کرد و راه‌های وحدت را بررسی می‌نمود. شیخ محمدجواد در سال ۲۸۳۱ ق با شیخ محمود شلتوت، شیخ وقت الأزهر (متوفای ۱۳۸۴ ق)، نیز دیداری داشت و گفت‌وگوهایی میان آنان در مورد وحدت اسلامی و راه‌های آن انجام گرفت. شیخ محمود شلتوت از بنیان دارالتقریب بین‌المذاهب و از منادیان وحدت اسلامی به شمار می‌رود.

شیخ محمدجواد در راه استحکام تقریب مذاهب، نقش آگاهی عالمان دینی از مذاهب یکدیگر را نیز نادیده نمی‌گرفت و در این راه گام مؤثری برداشت. وی معتقد بود بسیاری از عالمان اهل سنت از حقیقت تشیع خبری ندارند و فقط از روی تعصبات و شایعاتی که می‌شنوند، با شیعه دشمنی می‌ورزند. یکی از عادات شیخ محمدجواد این بود که از حریم شیعه در برابر این گونه اتهامات دفاع می‌کرد و با این کار پایه‌های تقریب مذاهب را مستحکم می‌نمود. وقتی وی ردی بر کتابی می‌نگاشت، معلوم می‌شد که حقیقت چیز دیگری است و شیعه به آن شبهات و خرافات اعتقادی ندارد. وی نخستین کسی بود که در رد کتاب «الخطوط العریضة» (تألیف محب‌الدین الخطیب) مطالبی نوشت. الخطوط العریضة نخستین کتابی بود که بر ضد شیعه در کشور مصر به چاپ رسید و شیخ محمدجواد به سبب نوشتن این ردیه، نامه‌های تهدیدآمیز فراوانی دریافت کرد.

■ مبارزه علامه مغنیه

شیخ محمدجواد بیشتر از راه قلم و هجوم به مبانی اعتقادی قوم یهود

مبارزه می‌کرد. وی با مطالعه کتاب و سنت پیامبر اسلام (ص) از همان ابتدا به ماهیت پلید رژیم صهیونیستی پی برد. در اکثر نوشته‌های او که به موضوع استکبار ارتباط دارد، از اسرائیل نیز نام می‌برد و آمریکا را حامی آن معرفی می‌کند. وی در معرفی خدای یهود با اشاره به آیاتی از تورات و ماجرای کشتی گرفتن خدا با یعقوب می‌گوید: این خرافه به این مسئله اشاره دارد که حتی خدا در برابر شخص یهودی ناتوان است و یعقوب که مظهر یهود بود بر خدا چیره گشت. اما در قرآن ما آمده است: «وَقَالَتِ الْيَهُودُ يَدُ اللَّهِ مَغْلُولَةٌ غُلَّتْ أَيْدِيهِمْ وَ لُعِنُوا بِمَا قَالُوا (مائده: ۶۴)» «یهود گفتند دست خدا به زنجیر بسته است، دست‌هایشان بسته باد و به خاطر این سخن از رحمت الهی دور شوند».

شیخ محمدجواد در مقاله دیگری با اشاره به جمعیت زیاد مسلمانان و در اختیار داشتن منبع مهم دنیا یعنی نفت، به تسلیم شدن مسلمانان در برابر خواسته‌های اسرائیل اشاره می‌کند و آنان را سخت نكوهش می‌کند. وی در این مقاله به انتقاد از رهبران کشورهای عربی، سازش آنان با اسرائیل را مایه ننگ امت اسلام معرفی می‌کند. نوشته‌ها و مقالات شیخ محمدجواد، آن چنان وحشت در دل آمریکا به وجود آورد که سفارت آمریکا را وادار کرد تا به هر شکل ممکن او را از مبارزه بر حذر دارند. در همین راستا وقتی آمریکایی‌ها از او خواستند تا با رئیس جمهور وقت - روزولت - دیدار و مذاکره نماید، در جواب گفت: «آمریکا سخت‌ترین دشمن اسلام است. آمریکا اسرائیل را به وجود آورد و دستش به خون فلسطینیان آلوده است. برادران ما با اسلحه‌هایی که آمریکا به اسرائیل داده، کشته می‌شوند. پس با همه این‌ها، مرا به دیدار ناوگان ششم دعوت می‌کنید». این حرکت شجاعانه و غیرتمندانه او بازتاب وسیعی در میان مردم داشت، به طوری که روزنامه «محرر» از حرکت او به «هذا عربی عزیز» یاد کرده است.

■ اندیشه‌های شیخ محمدجواد مغنیه

نوگرایی در اجتهاد، ضرورت اصلاح حوزه‌های علمیه، به‌کارگیری شیوه‌های نوین در تبلیغ دین و دموکراسی اسلامی جزء اندیشه‌های شیخ محمدجواد بود. وی به این واقعیت رسیده بود که زندگی در حال دگرگونی و تغییر است و اسلام، برخی از مسائل عصر جدید را می‌پذیرد و برخی را رد می‌کند. وی در باره ضرورت اصلاح حوزه‌های علمیه، مقاله‌ای با عنوان «معرکه فی الأزهر بین المجددین و المحافظین» نوشت که در مجله «عرفان» در سال ۱۹۵۴م به چاپ رسید. در این مقاله وی ضمن خشنودی از روح تجدید و اصلاح در دانشگاه الأزهر، خواستار حرکت اصلاحی مشابه در حوزه‌های علمیه شیعی شد. خطاب او در این مقاله به همه حوزه‌ها و مؤسسات دینی اعم از شیعه و سنی بود. وی بدون تعصب نسبت به شیعه یا سنی، دشمنان حوزه‌ها و مؤسسات دینی را دو نوع داخلی و خارجی دانست. دشمنان داخلی همان عده‌ای هستند که به نام دین، یأس و ناامیدی را در میان جوانان تقویت می‌کنند و دشمن خارجی نیز با استفاده از غفلت حوزه، درس‌های غربی را به نام مباحث اجتماعی و علوم انسانی در جامعه رواج می‌دهند. به اعتقاد شیخ محمدجواد، کتاب‌های حوزوی متأسفانه یک بعدی است و به زوایای دیگر علمی که در جامعه مطرح است، توجه نمی‌شود و غالباً طلاب حوزه‌ها از علوم روز دنیا مطلع نیستند. وی درباره حوزه علمیه نجف می‌گوید: «از ویژگی‌های این حوزه آن

است که علوم جدید را نمی‌داند، بلکه نمی‌خواهد در مواد درسی و اسلوب حوزوی بگنجانند. حوزه در برابر قضایای مسلمین و مردم عالم از حرکت ایستاده و در برابر مثلاً نهضت الجزایر یا جنگ‌های استعماری و سلاح‌های مرگ‌بار آنان هیچ صدایی از آن شنیده نشد. حوزه نجف نیاز به اصلاح دارد و این مسئله را شیوخ و طلاب آن حوزه فهمیده‌اند. استاد مغنیه پس از نقل مطالب فوق درباره علل آن سخن می‌گوید و اذعان دارد که در نجف و قم علمای بزرگی هستند که تلاش و دستاوردهای آنان کم‌تر از تلاش مخترعان و دانشمندان علوم تجربی نیست، اما چرا تاکنون نسبت به مسائل جدید موفق نبوده است؟ علت این ناکامی، مطالب نظری محض حوزوی است که در تطبیق عملی و حل مشکلات آن ناموفق است. وی می‌پرسد چرا باید طلاب حوزه در نجف نام «سنه‌پوری» (حقوقدان مصری) را شنیده باشند.

علامه محمدجواد مغنیه حدود ۹ سال و اندی را در روستای «طبرحرفا» گذارند و در آنجا تألیف را آغاز کرد و «رساله‌ای در ضمان» و «رساله‌ای در ارث» که هر دو مبحث فقهی هستند، در باب اصول کتاب «فی مجهولی التاریخ» را نگاشت؛ علامه مغنیه می‌گوید: «نخستین کتابی که از من چاپ و منتشر شد؛ کتاب «الوضع الحاضر فی جبل عامل» است که در سال ۷۴۹۱ میلادی به چاپ رسید. او در مقدمه این کتاب نوشته است: «این کتاب اولین فریاد من در برابر ظلم و ظالمین است.» او شبانه روز ۴۱ تا ۸۱ ساعت به مطالعه و تألیف مشغول بود. هر نوا و صدایی که از گوشه و کنار جهان علیه اسلام و شیعه می‌شنید بلافاصله و بدون اندک درنگی علیه آن به‌پا می‌خاست و با نوشتن کتاب یا مقاله یا تلفن و حتی ارسال نامه، پاسخ مناسب را می‌داد. لذا به راستی می‌توان او را مصلحی اجتماعی و از مرزبانان اسلام و تشیع نامید.

■ آثار فاخر علامه مغنیه

از جمله آثار علامه محمدجواد مغنیه می‌توان به «تفسیر الکاشف» ۷ جلد، «فقه الامام الصادق» ۳ جلد، «فی ظلال نهج البلاغه» ۴ جلد، «الاخلاق فی الاسلام»، «علم اصول الفقه فی ثوبه الجدید»، «اصول اثبات فی الفقه الجعفری»، «الفصول الشرعیة علی مذهب الشیعه الإمامیه»، «الأحوال الشخصیة علی المذاهب الخمسة»، «الشیعة والحاکمون»، «اسرائیلیات القرآن» و «التفسیر المبین» اشاره کرد که تفسیر المبین پس از اتمام تفسیر الکاشف به صورتی مختصر و روان در یک جلد و در ۸۲۷ صفحه نگاشته شده و در بیروت چاپ شده است؛ همچنین «تفسیر الصحیفة السجادیة یا فی ظلال الصحیفة السجادیة»، «مع علما النجف»، «الوضع الحاضر فی جبل عامل»، «هذه هی الوهابیة»، «دول الشیعة»، «الوجودیة والغیاب» درباره فلسفه وجود و نقدی بر افکار ژان پل سارتر، «الفقه علی المذاهب الخمسة»، «فلسفات اسلامیة» - مجموع شش عنوان کتاب است که در یک جلد به چاپ رسیده است: ۱. فلسفه التوحید و الولاية ۲. نظرات فی التصوف ۳. الاسلام منظره عصریة ۴. فلسفه المبدأ و المعاد ۵. معالم الفلسفة الاسلامیة ۶. علی و الفلسفة - از دیگر کتاب‌های علامه مغنیه به شمار می‌آید.

همچنین، «الشیعة و المیزان» که در این مجموعه سه عنوان کتاب چاپ شده است: ۱. مع الشیعة الإمامیه ۲. الشیعة و التشیع ۳. الاثنا عشریة، و عقلیات اسلامیة که مشتمل بر ۱۱ عنوان کتاب است و هر کدام به طور مستقل نیز چاپ شده‌اند: ۱. الله و العقل ۲. شبهات الملحدین و الإجابة عنها ۳. النبوه و العقل ۴. الآخرة و العقل ۵. امامة علی (ع) و العقل

۶. علی (ع) و العقل ۷. المهدی المنتظر (عج) و العقل ۸. الحسین (ع) و القرآن ۹. الاثنا عشریة و اهل البیت (علیهم السلام) ۱۰. مفاهیم إنسانیة فی کلمات الإمام جعفر الصادق (ع) ۱۱. بین الله و الإنسان. «من هنا و هناك» درباره سفرها و برخی از مقالات علامه مغنیه «من ذا و ذاک»: مجموعه‌ای از مقالات سیاسی، دینی، اجتماعی، فقهی که در روزنامه‌ها و مجلات مختلف از سال‌های ۱۹۵۲ تا ۱۹۷۵ میلادی نگاشته است، «صفحات لوقت الفراغ»: مباحث و موضوعات متنوع و مختلف از جمله وحدت وجود، دین و عاطفه، بهای بهشت، منابع شناخت، جنگ در لبنان، زن شریک زندگی، «تجارب محمد جواد مغنیه» به قلم خود و دیگران، «نفحات محمدیة»، منتخبی از احادیث و سیره رسول خدا (ص)، همسران پیامبر (ص)، نظر اسلام درباره سرمایه‌داری، «مع بطلة کربلاء» و «المجالس الحسینیة» که این دو کتاب در یک جلد با نام «الحسین و بطلة کربلاء» چاپ شده و «الخمينی والدولة الاسلامیة»، «ایران و الجمهوریة الاسلامیة»، و «الاسلام و الدولة العصریة» از دیگر آثار علامه مغنیه است که به زبان عربی نگاشته شده است.

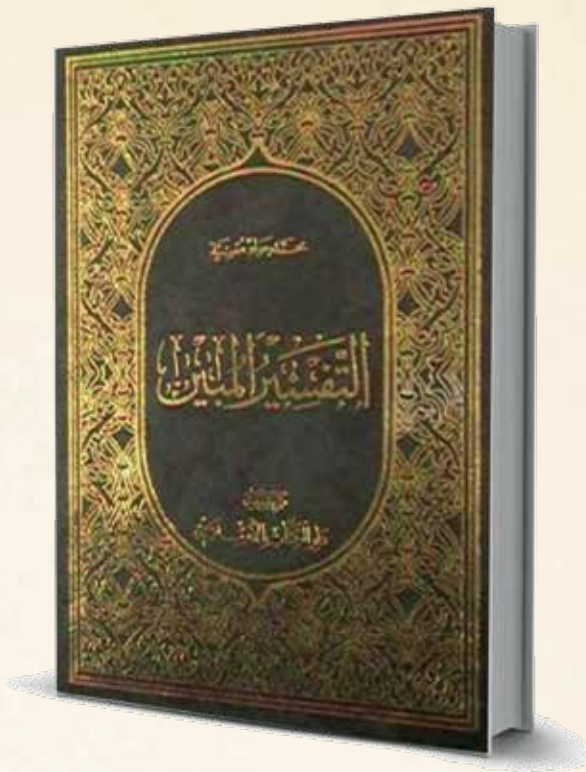
■ آثار ترجمه‌شده علامه مغنیه به زبان فارسی

از میان نوشته‌های متعدد شیخ محمدجواد مغنیه تعدادی به زبان فارسی ترجمه شده و بخشی از آن‌ها نیز جزء متون درسی دانشگاه‌های ایران است. آثار ترجمه شده ایشان به ترتیب حروف الفبا عبارت‌اند از: ۱. احوال شخصیة، ترجمه مصطفی جباری و حمید مسجدسرای ۲. پیامبران از دیدگاه عقل ۳. خورشید ایمان، ترجمه و نگارش صدیق عربانی عنوان اصلی: «کتاب علی (ع) و القرآن» ۴. رویکردی دوباره به اسلام، ترجمه علیرضا اسماعیل آبادی، عنوان اصلی: الاسلام بنظره عصریة ۵. فقه تطبیقی مذاهب پنجگانه ترجمه کاظم پورجوادی، عنوان اصلی: «الفقه علی المذاهب الخمسة» ۶. فقه دانشگاهی، ترجمه مرتضی فهیم کرمانی، عنوان اصلی: «فقه الامام الصادق علیه السلام عرض و استدلال» ۷. فقه مقارن: ترجمه هادی عظیمی گرگانی ۸. فلسفه مبدأ و معاد ترجمه لطیف راشدی ۹. قرآن و امام حسین (ع)، ترجمه محمد رسول دریایی، عنوان اصلی: الحسین و القرآن ۱۰. کلیات علوم عقلی، ترجمه محمدرضا عطایی عنوان اصلی: معالم الفلسفة الالهیة ۱۱. گزیده متون فقه (۱-۲-۳-۴): برنامه درسی دوره کارشناسی حقوق، گردآورنده ابوالحسن محمدی ۲۱. مردان پاک از نظر امام علیه السلام، ترجمه مصطفی زمانی ۳۱. یادگار خیمه‌های سوخته عنوان اصلی: مع بطلة کربلاء.

■ وفات شیخ محمدجواد مغنیه

سرانجام علامه استاد شیخ محمدجواد مغنیه پس از عمری تلاش صادقانه در راه اعتلای اسلام عزیز و تلاش بی‌وقفه برای تقریب میان مذاهب، ساعت ۱۰ شب ۱۹ محرم الحرام سال ۱۴۰۰ هجری قمری در سن ۷۶ سالگی به رحمت ایزدی پیوست. وی دو سال پیش از آن، مبتلا به بیماری قلبی شده بود. هنگامی که پیکر پاک این عالم ربانی را به نجف اشرف انتقال دادند، بسیاری از عالمان دینی و اقشار مختلف مردم، در تشییع جنازه او شرکت کردند و بازار نجف تعطیل شد. پس از تشییع، آیت‌الله‌العظمی خوئی بر او نماز گزارد و در یکی از حجره‌های حرم مطهر علوی به آغوش خاک سپرده شد.

«المبین» تفسیری بدیع و موجز



تفسیر «المبین» اثر مرحوم علامه شیخ «محمدجواد مغنیه»، در قالب عبارات موجز و کوتاه و با نثر عربی روان به دور از غموض ادبی و فنی نگاشته شده و از نظر محتوا و سبک نگارش، یکی از تفاسیر بدیع امامیه در قرن اخیر به شمار می‌رود.

تفسیر المبین، هم از نظر محتوا و هم از نظر سبک نگارش، یکی از تفاسیر بدیع امامیه در قرن اخیر به شمار می‌رود و آیت‌الله العظمی جعفر سبحانی پس از آن که مرحوم مغنیه را از جمله مفسران بزرگ معاصر شیعی به شمار می‌آورد و از تفاسیر او یاد می‌کند، در معرفی تفسیر المبین به موجز بودن و مورد پسند واقع شدن آن از طرف جوانان اشاره می‌کند.

مفسر در این تفسیر ابتدا در صدر هر سوره به بحث مکی و مدنی بودن آن پرداخته و بدین وسیله توجه محقق را در آغاز به سبک و روش و اسلوب آیاتی که در مکه یا مدینه نازل شده، معطوف می‌دارد و تعداد آیات هر سوره را بیان می‌کند.

علامه مغنیه در ادامه در استنباط، کشف و تبیین مفاهیم تفسیری آیات، گاهی با اعتماد به تدبر و عقل توأم با تقید به روایات تفسیری از معصومین (ع)، به تفسیر اجتهادی آیات می‌پردازد.

وی ابتدا با استناد به آیه «إِنَّ هُوَ إِلَّا ذِكْرٌ وَقُرْآنٌ مُّبِينٌ» (سوره مبارکه یس، آیه شریفه ۶۹) تفسیر خود را به نام تفسیر المبین نام‌گذاری کرد؛ این تفسیر در یک مجلد و ۸۲۷ صفحه در بیروت بارها به چاپ رسیده است.

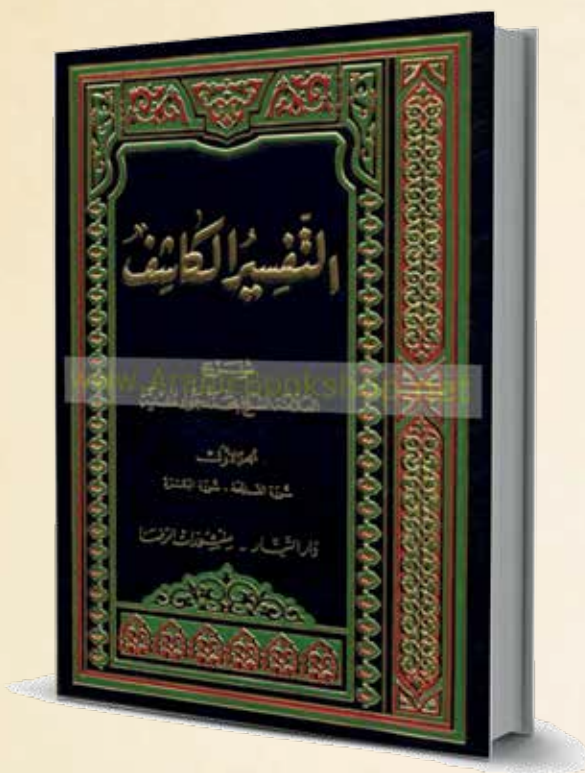
محمد جواد مغنیه از علمای امامیه، فقیه، مفسر و محقق و از کسانی بود که شیعه و سنی را به وحدت کلمه و تقریب، فرامی‌خواند و مقالات فراوانی در مجله «رساله‌الاسلام» در این زمینه نوشت. او در سال ۱۴۰۰ قمری در بیروت در گذشت و در نجف اشرف به خاک سپرده شد.

علامه شیخ محمدجواد مغنیه پس از آن که تفسیر «الکاشف» را به رشته تحریر درآورد، مصمم شد تفسیری بر قرآن با قلمی روان و مستند به صورت موجز و مختصر که مورد پسند جوانان باشد، تحت عنوان «المبین» به نگارش درآورد که هم از نظر محتوا و هم از نظر سبک نگارش، یکی از تفاسیر بدیع امامیه در قرن اخیر به شمار می‌رود.

شیخ محمد جواد در تبیین مفاهیم تفسیری آیات، از انواع روش‌های تفسیری سود برده است، گاهی از روش تفسیر قرآن به قرآن و استخراج معانی آیات به کمک آیات مشابه که سیاق آن‌ها یکسان یا نزدیک هم است، استفاده کرده است که از آن جمله می‌توان از تفسیر «المبین» یاد کرد. از آن جا که تفسیر نقلی را می‌توان به عنوان یکی از اصیل‌ترین شکل تفسیر و ریشه‌دارترین طریق درک معانی و معارف آیات قرآن در میان دانشمندان اولیه علوم اسلامی به شمار آورد، مرحوم مغنیه در بعضی مواقع برای تفسیر آیات به سلسله احادیث و روایات تفسیری که از پیامبر اسلام (ص) و ائمه اطهار (ع) درباره تفسیر قرآن وارد شده، استناد کرده است و کمتر صفحه‌ای را می‌توان یافت که به گونه‌ای استشهاد به روایت و استناد به منابع روایی در آن دیده نشود.

از ویژگی‌های تفسیر «المبین»، اختصار و حذف زواید تفسیری و مطالب غیرضروری است که مفسر در این باب کوشیده است غالباً مطالب را در قالب عبارات موجز و کوتاه و با نثر عربی روان و رسا، به دور از غموض ادبی و فنی به خوبی بیان کند؛ بدین جهت نثر این تفسیر برای هر محقق‌ئی که تا اندازه‌ای با ادبیات عرب آشنا باشد، قابل استفاده است.

تفسیر «الکاشف» علامه مغنیه متأثر از مسائل سیاسی و اجتماعی روز است



مرحوم علامه مغنیه در تفسیر «الکاشف» بسیار تحت تأثیر مسائل سیاسی و اجتماعی قرار می‌گیرد و در شرح آیات، بر طرح مسائلی چون دسیسه‌های اسرائیل در تحریف اسلام و قرآن می‌پردازد؛ به گونه‌ای که تنها افشاگری‌های وی درباره بنی اسرائیل، کتاب «اسرائیلیات القرآن» را شکل داده است.

تفسیر «الکاشف» یکی از بهترین آثار مغنیه است که در آن به شیوه تفسیر ترتیبی، آیات را از اول تا به آخر تفسیر می‌کند. نگارش این تفسیر در زمان جنگ‌های داخلی لبنان و جنگ اعراب و اسرائیل صورت پذیرفته است و چنان‌که خود مفسر می‌گوید «نگارش آخرین قسمت جلد ششم در سال ۱۳۹۰ قمری در کربلا پایان پذیرفته است». تفسیر «الکاشف» از آخرین آثار مغنیه به شمار می‌آید و مفسر معتقد است، مراحل تفکر و اسلوبش در آن بیش از هر اثر دیگرش در خور ردیابی است.

مرحوم مغنیه در مقدمه تفسیر الکاشف می‌نویسد «شیعه آیه‌ای از قرآن را تفسیر نمی‌کند، مگر پس از آنکه آن را با سایر آیات مقایسه نماید و روایات صحیح از نبی اکرم (ص) و اهل بیت (علیهم السلام) در تفسیر آن آیه را بررسی کند، زیرا در قرآن آیاتی هستند که توسط آیات دیگر نسخ یا تخصیص و یا تقیید شده‌اند، کلام خدا و رسول خدا (ص) نیز هیچ‌گاه متناقض نیستند، زیرا این دو به منزله یک کلام هستند» و در ادامه تفسیر خود می‌نویسد «قبل از هر چیز در تفسیر قرآن به سنت رسول خدا (ص) اعتماد نموده‌ام، زیرا سنت نبی اکرم (ص) ترجمان قرآن و تنها طریق شناخت معانی آن است «وَمَا آتَاكُمُ الرَّسُولُ فَخُذُوهُ وَمَا نَهَاكُمْ عَنْهُ فَانْتَهُوا: آنچه را فرستاده [او] به شما داد آن را بگیرید و از آنچه شما را بازداشت، بازایستید»

بسیاری از مفسران قرآن تحت تأثیر محیط، مسایل و پرسش‌هایی که در هر عصر مطرح است، در تفسیر آیات قرآن گرایش خاصی یافته‌اند؛ برای نمونه تفسیر «الکاشف» گرایش ادبی دارد و فخر رازی در تفسیر «الکبیر» گرایش کلامی و عقلی دارد و طنطوی در تفسیر «الجواهر فی تفسیر القرآن» با گرایش علمی، تفسیر آیات را به پایان برده و بیشترین توجه وی به انطباق آیات با دانسته‌ها و دستاوردهای علمی است.

علامه مغنیه در الکاشف، آیات را به شیوه ترتیبی تفسیر می‌کند محمدجواد مغنیه نیز از این قاعده مستثنی نیست، او در تفسیر آیات قرآن بسیار تحت تأثیر مسایل سیاسی و اجتماعی است و در جای جای آیات قرآن بر طرح مسایل سیاسی و جنایات و دسیسه‌های اسرائیل در تحریف اسلام و قرآن می‌پردازد، از کشتار کودکان و افراد ناتوان جامعه به دست یهودیان در جنگ ۷۶۹۱ میلادی سخن می‌گوید، اهداف اسرائیل و حامیان آن را افشا می‌کند و عملیات شهادت طلبانه را برای دفاع از وطن بهتر از زندگی با خواری می‌داند. توجه نویسنده «الکاشف» به مسایل سیاسی و اجتماعی و آیات مربوط به بنی اسرائیل، به گونه‌ای است که تنها افشاگری‌ها و روشنگری‌های مغنیه درباره بنی اسرائیل کتابی با عنوان «اسرائیلیات القرآن» را شکل داده است.

(حشر/ ۷) و اگر حدیثی از سنت نیافتیم به ظاهر آیه و سیاق تکیه کرده‌ام».

البته بر این روش برخی اشکال گرفته‌اند. آیت‌الله‌العظمی جوادی املی می‌نویسد «این سخن نادرست است، زیرا اعتماد بر سیاق آیه و تکیه بر شواهد درونی خود آیات قرآن بر اساس نطق، شهادت و هم‌آوایی آن‌ها نسبت به یکدیگر مقدم بر حدیث مأثور است؛ زیرا اگرچه آیه سوره حشر دستور پیروی از سنت رسول اکرم(ص) را داده است، اما خود سنت دو قسم است؛ یکی کلیدی و اصلی و دیگری فرعی... پس اول باید به خود قرآن که ترجمان و تبیان خویش و مفسر راستین حقیقت وحی خداست مراجعه کرد و آن‌گاه به حدیث رجوع کرد». مغنیه در تفسیر خود در نقل روایات به ذکر قال رسول الله(ص)، قال امام جعفر الصادق(ع) و قال علی(ع)... بسنده و از ارائه مصدر و منبع روایات خودداری کرده است و در برخی موارد حتی نام گوینده روایت ذکر نشده و به جمله «و فی الحدیث و قال المعصوم(ع)» بسنده شده است.

علامه مغنیه در مقدمه تفسیر الکاشف آورده است: «به جز در موارد اندکی به روایات سبب نزول، توجهی نکرده‌ام، زیرا سند این‌ها خالی از اشکال نیست و علما درباره سند این روایات و تشخیص صحیح و سقیم سهل‌انگاری کرده‌اند، شیخ نیز مانند بسیاری دیگر از مفسران معتقد به اعتبار عمومیت لفظ است. «إن من أهل الكتاب لمن يؤمن بالله و ما أنزل اليكم و ما أنزل اليهم خاشعین» (آل عمران/ ۱۹۹). آیه عام است و همه اهل کتاب را که به رسول خدا(ص) ایمان آورده‌اند، شامل می‌شود؛ بنابراین مخصوص نجاشی یا عبدالله بن سلام نیست چون لفظ عام است و دلیلی برای تخصیص نیست و در آیه «وَمَنْ يَشَاقِقِ الرَّسُولَ مِنْ بَعْدِ مَا تَبَيَّنَ لَهُ الْهُدَىٰ وَيَتَّبِعْ غَيْرَ سَبِيلِ الْمُؤْمِنِينَ...» (نساء/ ۱۱۵) می‌نویسد: «مفسرین گفته‌اند آیه درباره بشیر بن ابیرق است که مسلمان و سپس مرتد شد و به مشرکین پیوست، اما معروف است که مفسرین در اسباب نزول تسامح نموده‌اند و هر حادثه‌ای که نزدیک نزول آیه‌ای اتفاق افتاده و اندک تناسبی داشته باشد، به عنوان سبب نزول آورده‌اند، این آیه به ارتداد بشیر و همه کسانی که با حق عناد ورزیده‌اند، اشاره کرده است».

علامه شیخ محمدجواد مغنیه در این تفسیر به شدت به آثار و افکار اهل کتاب که به نحوی در کتب تفسیر نفوذ کرده و مخالف قرآن است، تاخته و در مقدمه می‌نویسد: «به نظر من اسرائیلیاتی که در برخی تفاسیر آمده خرافات و اسطوره‌هایی بیش نیست و بالاترین دلیل برای کذب و باطل بودن این روایات این است که به اسرائیل نسبت داده شده است و در آیه «و اذکر عندنا ایوب...» می‌نویسد: «حدود ۴۰ صفحه از کتاب مقدس درباره حضرت ایوب(ع) است و در کتب عهد قدیم، سفری جداگانه به آن حضرت اختصاص یافته است ... کسی که روایات مفسرین را با آن چه در سفر ایوب نوشته مقایسه کند، می‌فهمد همه مفسرین آیات الهی را با اسرائیلیات تفسیر کرده‌اند. آن چه در این آیات صراحت دارد این است که ایوب(ع) مبتلا به سختی‌ها و دردها و گرفتاری‌هایی شد، اما چه سختی‌ها و چه بلاهایی، قرآن درباره آن سکوت کرده است... ما نیز

درباره آن چه خدا سکوت کرده، سکوت می‌کنیم و خود را گرفتار بحث‌های طولانی و مفضل نمی‌کنیم». در آیه ۲۷ تا ۳۱ سوره مائده «و اتل علیهم نبأ ابني آدم بالحق إذ قرَّبَا قرباناً فَتَقَبَّلَ مِنْ أَحَدِهِمَا ...» می‌نویسد «قصه‌سرایان و بسیاری از مفسرین اساطیری برای دو فرزند آدم یافته‌اند که هیچ مصدری جز اسرائیلیات ندارد، اما ما خلاصه آن چه آیات بر آن دلالت دارند، آورده‌ایم».

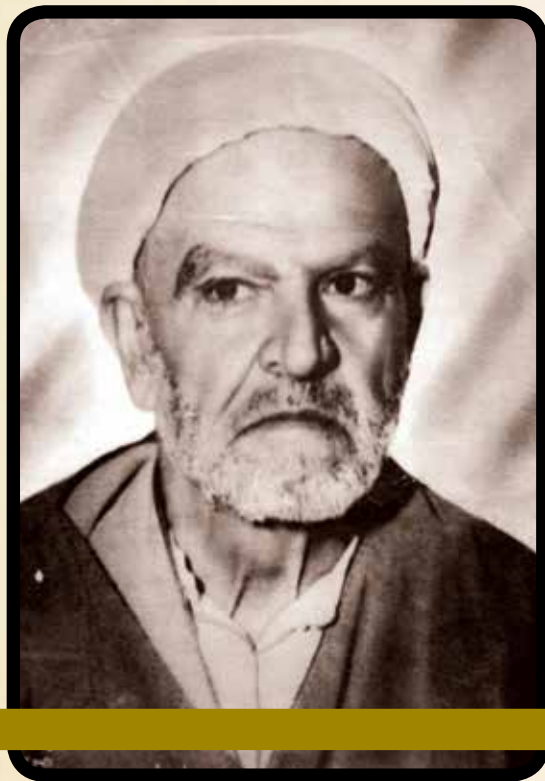
با توجه به آن چه در ابتدای سوره مائده آورده‌اند، و آیه «الیوم اکملت لکم دینکم» را به جهت آن که در حجة‌الوداع نازل شده بود، مکی دانسته‌اند، معلوم می‌شود برای تقسیم آیات و سوره‌ها به مکی و مدنی، ملاک مکانی را در نظر گرفته‌اند و مرحوم مغنیه درباره تناسب آیات و سور می‌گوید «خود را مشغول بحث در این باره نکرده‌ام، زیرا قرآن کریم به یک‌باره و دفعی بر نبی اکرم(ص) نازل نشده و سالیان طولانی و به تدریج بر آن حضرت نازل شده است، گاه آیات پشت سر هم و در مواردی هم با فاصله زمانی فرود آمده‌اند. ترتیب سور و آیات در قرآنی که در دست ماست مطابق نزول نبوده و رعایت مکی و مدنی و یا تاریخ نزول آیات نشده مثلاً بقره و آل عمران در اول مصحف آمده در حالی که مدنی‌اند و گاه در یک سوره مدنی آیاتی که در مکه نازل شده‌اند و یا برعکس را می‌بینیم».

بحث درباره قرائت‌های گوناگون در تفسیر الکاشف علامه مغنیه کم‌رنگ است، اما گاه بدان اشاره کرده است، از جمله «یا ایها الذین آمنوا أنفقوا مما رزقناکم من قبل أن یأتی یوم لا بیع فیہ و لا خلعة خوانده‌اند؛ بنابر این که «لا» نفی جنس باشد و بیشتر قراء به رفع خوانده‌اند به عنوان مبتدا و شافعی این قرائت را پسندیده است. علامه شیخ محمدجواد مغنیه ذیل آیات سوره دخان، سوره قدر و آیه ۱۸۵ سوره بقره می‌نویسد: شروع نزول قرآن در شب قدر ماه رمضان بوده است و در آیه ۱۰۶ سوره اسراء، تحت عنوان «آیا قرآن به تدریج نازل شده است؟» به تفصیل در این خصوص سخن می‌گوید.

علامه مغنیه در بحث حروف مقطعه به‌طور مثال در ابتدای سوره بقره اقوال مختلف درباره حروف مقطعه را آورده است. سپس می‌نویسد: «بهترین نظر این است که خدای متعال با این حروف در مقابل منکرین قرآن به تحدی برخاسته است و آوردن این حروف در ابتدای سور برای آن است که نشان دهد این کتابی که از آوردن مانند آن عاجز مانده‌اید از جنس همین حروفی است که در دهان اطفال و بزرگان و... جاری است». شیخ در آیات تحدی (۲۳/ بقره) با عنوان «راز اعجاز در قرآن»، بحث مفصلی درباره اعجاز قرآن مطرح کرده است. آن‌گاه وارد این بحث شده که آیا رسول خدا معجزه‌ای بجز قرآن کریم داشته است. شیخ اشاره‌ای اندک به جنبه‌های بلاغی در قرآن کرده است؛ علامه مغنیه در ابتدای تفسیر ذیل آیه دوم سوره بقره «... هدی للمتقین...» می‌نویسد: این آیه به روشنی بیان می‌کند که در قرآن کریم علم تاریخ و فلسفه و علوم طبیعی و ... جست‌وجو نمی‌شود، بلکه هدف قرآن هدایت و ارشاد مردم به صلاح و سعادت در دنیا و آخرت است و

رؤیت خدا، فطرت، عصمت انبیا، امامت و عصمت که در آن اصل عصمت را مختص شیعه نمی‌داند، پرداخته و می‌نویسد: «اعتقاد به عصمت در میان اهل سنت نیز مطرح است فقط تفاوت در تعیین معصوم است، علاوه بر این تفکر عصمت در میان مسیحیان که اعتقاد به عصمت پاپ دارند حتی کمونیست‌ها به عصمت مارکس و لنین، چینی‌ها به عصمت ماوتسی تونک، اخوان المسلمین به عصمت حسن البناء و ... و هر فرقه به عصمت رئیس و مؤسس خود معتقد است.»

علامه شیخ محمدجواد مغنیه در آثار و افکار خود نوعی از روشنفکری متعهد و البته مبارز را به نمایش می‌گذارد و در این راه با اتهام‌های گرایش به چپ و کمونیسم روبه‌رو شد و البته هیچ بیمی از آن به خود راه نمی‌دهد. وی در کنار این روشنفکری اهل مبارزه بود؛ به گونه‌ای که آرزو می‌کند: «ای کاش به جای همه چهل اثر خود، در راه خدا شهید یا مجروح یا زندانی و یا از سرزمین خود رانده می‌شدم». مغنیه با دو ابزار دفاع از عقاید درست و نیز پالایش آرایه‌ها و پیرایه‌ها از مکتب تشیع دفاع کرد.



به طور خلاصه قرآن کتاب دین، اخلاق، عقیده و شریعت است. مرحوم مغنیه درباره آیاتی که در ظاهر اشاره به علوم طبیعی می‌کند، می‌نویسد: «قصد در این آیات بیان حقایق علمی نیست. هدف اول از بیان این آیات توجه دادن مردم به این است که هستی و نظام خلقت، خداوندی دارد. بله قرآن کریم به تعلیم علوم طبیعی و هر آنچه انسان‌ها را به خیر برساند، دعوت می‌کند ولی تشویق به تعلیم چیزی است و این که کتاب خدا، کتاب علمی باشد چیز دیگری است». شیخ درباره «وما فرطنا فی الكتاب من شیء» (انعام/۳۸) می‌نویسد: وقتی گفته می‌شود در این خانه همه چیز هست، چیزی که از این جمله فهمیده می‌شود این نیست که تمام موجودات عالم در آن باشد بلکه منظور این است که اسباب و ابزار لازم در این خانه هست. لذا اگر درباره یک کتاب فقهی گفته شود در آن همه چیز هست مراد همه مسائل و احکام فقهی است. دیدگاه علامه مغنیه درباره محکمت و متشابهات

علامه مغنیه در تفسیر الکاشف منظور از آیه ۷ سوره آل عمران «منه آیات محکمت و آخر متشابهات» را این‌گونه بیان می‌کند که برخی از آیات در دلالت بر معنا واضح‌اند و نیاز به تفسیر ندارند و برخی دیگر پیچیده‌اند و برای فهم به تفسیر نیازمندند و شیخ به سؤالاتی پاسخ داده است که چرا برخی از آیات محکم و برخی متشابهند و منظور از راسخین در علم چه کسانی هستند.

علامه مغنیه در کتاب «الشیعه فی المیزان» بر عدم تحریف تأکید کرده است و می‌گوید «شیعه امامیه بر تمسک به قرآن تأکید می‌کند و از طریق قرآن شبهات را پاسخ می‌دهد. تحریف به زیاده یا نقصان بر قرآن کریم محال است». اما در تفسیر لازم ندیده در این باره چیزی بنویسد. شیخ مغنیه در آیه ۱۰۶ و ۱۰۷ سوره بقره «... ما ننسخ من آیه أو ننسها نأت بخیر منها...» می‌نویسد «نسخ در احکام شرعی به این معناست که دلیلی وارد شود که در ظاهر ثبوت و دوام حکمی شرعی را نشان می‌دهد، اما در واقع آن حکم مربوط به زمانی خاص بوده و مصلحتی ایجاب می‌کرده است که در زمانی محدود بدان عمل شود همان طور که اگر پزشکی تشخیص دهد بیمار می‌بایست یک هفته از خوردن گوشت امتناع کند و چنین تشخیص می‌دهد که بیمار نداند منع از خوردن گوشت برای مدتی معین است به او می‌گوید اصلاً نباید گوشت بخورد، اما پس از گذشت یک هفته به بیمار اجازه خوردن گوشت را می‌دهد». علامه مغنیه در تفسیر الکاشف بر این نکته تأکید دارد که معنای نسخ، محو آنچه به نظر مداوم می‌آمده، است نه محو اراده واقعی و می‌نویسد: «نسخ به این معنا در شریعت ثابت است مانند تغییر قبله از بیت‌المقدس به کعبه» و «... حکم شرعی فقط با آیه‌ای از قرآن یا سنت متواتر قابل نسخ است نه خبر متواتر».

الکاشف آکنده از آرای عقلی و کلامی است، هر آنچه با اعتقاد به توحید، نبوت، امامت و ... مرتبط است و حتی اندک شبهه‌ای در آن وارد شده، شیخ بدان پاسخ داده است، آرا و عقاید دانشمندان مذاهب فکری مختلف را به طور خلاصه عرضه کرده و در این میدان وسیع نظر خویش را به صورتی واضح بیان کرده است.

بحث عصمت در تفسیر الکاشف

علامه مغنیه در تفسیر الکاشف همچنین، به مباحثی همچون

زبان ساده و شیوه کار آمد؛ ویژگی بارز کتاب «فی ظلال نهج البلاغه»



علامه شیخ محمدجواد مغنیه کتاب «فی ظلال نهج البلاغه» را به زبانی ساده و شیوه‌ای کارآمد و به سبک اجتماعی، کلامی و ادبی در شرح و تفسیر نهج البلاغه نوشته و در این کتاب از افراط و تفریط پرهیز کرده و با جملات مختصر به شرح مراد امام علی (علیه السلام) پرداخته است.

از همین جاست که بر شرح «ابن ابی الحدید» جنبه‌های تاریخ و ادب غلبه دارد و بر شرح «ابن میثم بحرانی» علم کلام همراه با اندکی از ذوق صوفیانه چیرگی دارد و شرح آیت‌الله‌العظمی سیدابوالقاسم خوئی تکرار همان گفته‌های ابن میثم همراه با پاره‌ای اضافات برگرفته از روایات و احادیث است.

علامه مغنیه در ادامه، نوع نگرش خود را در شرح نهج البلاغه چنین بیان می‌کند: از آنجا که اعتقاد دارم و بر این باورم که دین اسلام تنها برای خیر و سعادت بشر تشریح شده و از همین روی دانش‌های سودمند را فضیلت و فریضه می‌داند و کار و تلاش برای رسیدن به زندگی بهتر را عبادت و جهاد می‌شمرد؛ این اعتقاد مرا بر آن داشته است که نهج البلاغه را شرح کنم و یک یک واژه‌ها و جمله‌های آن را از این نگرگاه تفسیر کنم، البته اگر که ظاهر عبارت چنین تفسیری را برتابد یا بدان اشاره‌ای داشته باشد، اما معنی این سخن آن نیست که هیچ از دانش کهن گذشتگان در این حوزه بهره نگیرم و همه میراث

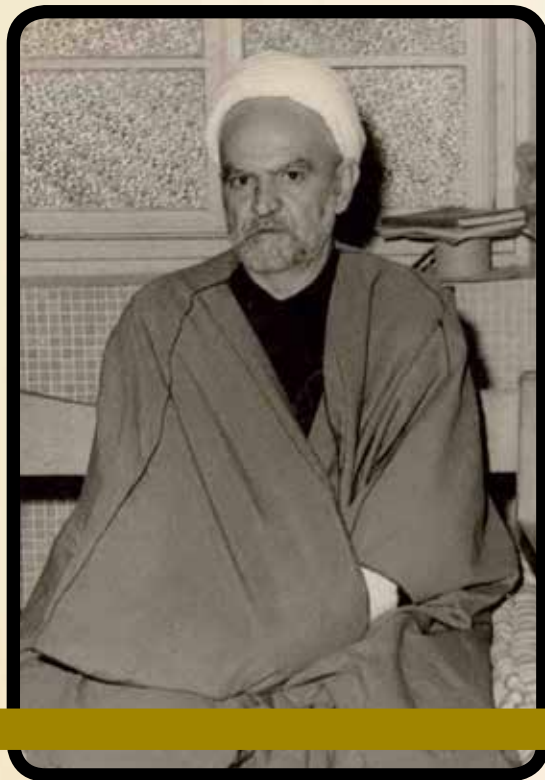
کتاب «فی ظلال نهج البلاغه»، اثر علامه مغنیه، تفسیر نهج البلاغه است که در ۴ جلد برای نخستین بار در سال ۱۹۷۲ میلادی به کوشش مؤسسه انتشاراتی «دارالعلم للملایین» بیروت چاپ شده است. علامه مغنیه این کتاب را با همان شیوه تفسیری «الکاشف» و با هدف جذب جوانان معاصر که از عقیده پدران خود رویگردان شده‌اند، نوشته و این کتاب تحت عناوین «اللغه، الاعراب، المعنی» شرح شده است و مؤلف در چهار جلد به تفسیر نهج البلاغه پرداخته است.

این کتاب به زبانی ساده و شیوه‌ای کارآمد نوشته شده و علامه مغنیه درباره چگونگی این شرح در مقدمه خود می‌نویسد: تفاوت میان هر کتابی با کتاب دیگر در هر علمی از علوم، همان تفاوت میان هر مؤلف با مؤلف دیگر است؛ زیرا شیوه هر نویسنده و مؤلفی برخاسته از شخصیت اوست، بنابراین هر گاه دو نفر در موضوعی واحد بنویسند یا متن واحدی را شرح دهند، هر کدام از آن‌ها از دیدگاه خود بدان موضوع یا کتاب خواهند پرداخت و از زاویه گرایش‌ها و تمایل خود بدان خواهند نگریست.

امام مضمونی یافتیم که به گمان خودم در شنونده تأثیری ویژه به جای می‌گذارد آن را با عنوان «للمنبر» بیان کردم تا هر کس در پی چنین مضمون‌های فشرده‌ای است با مراجعه به فهرست یا با ورق زدن کتاب به سادگی بتواند به آن‌ها دست بیابد.» اولین نمونه للمنبر در ذیل خطبه بیستم به چشم می‌خورد که عنوان آن «للمنبر-الدنيا جنازة» است.

۷. مؤلف گاه که شرح عبارتی را مفید و دارای ثمره علمی نمی‌داند از آن خودداری می‌کند، چنان‌که در ذیل بخش مربوط به فرشتگان در خطبه یکم نهج‌البلاغه تنها با گشودن عنوان «مشکل و شاک» (یک معضل و یک دشواری) در حدود یک صفحه گزارش در این باره که در مورد فرشتگان بحث‌هایی میان قدما رایج بوده است، به دست می‌دهد و با اشاره به ناکارآمدی آگاهی‌های گذشتگان و ناتوانی ما در این زمینه و با اعتراف به این که حقیقت فرشتگان به کلی بر ما پوشیده است، می‌نویسد: «بهتر است آنچه را در توانمان نیست واگذاریم و به آنچه در حدود توان ماست بپردازیم».

۸. مؤلف در تقسیم خطبه‌ها و نامه‌های بزرگ به چند قسمت، برخلاف شیوه معمول درباره قرآن کریم که - سجع و توازن آهنگ یکی از معیارهای بخش‌بندی یک سوره است - سجع و تناسب وزن را معیار تقسیم قرار نمی‌دهد و بیشتر به وحدت موضوع توجه دارد.



فرهنگی گذشته را رد کرده و پشت سر نهاده‌ام. چگونه می‌توانم چنین کنم، در حالی که اگر این می‌کردم کتابی که حاصل می‌آمد یا شرحی برای چیزی جز نهج‌البلاغه بود یا اساساً شرح نبود و کاری کرده بودم که هیچ آهنگ آن نداشته‌ام!

از این گذشته، آیا می‌توانم واژه‌ها را به چیزی جز آنچه از آن‌ها به ذهن تبادر می‌کند و جز آنچه در واژه‌نامه‌ها آمده است، تفسیر یا رخدادهای تاریخ را عوض کنم و یا سیاقی را که همه در فهم آن با همدیگر وحدت نظر دارند، نادیده انگارم؟

وی می‌افزاید: البته، من آنچه را از برداشت‌های قدیم در این عصر شایسته و انهدان است و واگذاشتن آن‌ها چیزی از دین نمی‌کاهد، رد کرده‌ام و آنچه را که با روزگار حاضر سازگار است، پذیرفته‌ام و آن را توضیح و تثبیت کرده‌ام و از همین نقطه، راهی به سوی آنچه همه انسان‌ها می‌پذیرند و همه خردها در این روزگار و در هر روزگار دیگر می‌فهمند و برمی‌تابند، گشوده‌ام. متون دینی، همه آن‌ها بجز آنچه عقیده و عبادت است، نیازمند چنین نظرگاهی معاصر است. این نظرگاه کاملاً با اصول شریعت سازگاری دارد و از رهگذر آن می‌توان جوانانی را که از عقیده پدران و نیاکان روی برتافته‌اند، جذب کرد.

علامه مغنیه کتاب «فی ظلال نهج‌البلاغه» را با شیوه‌ای همسان با آنچه در تفسیر «الکاشف» در پیش گرفته است، شرح می‌دهد؛ جزئیات این شیوه به قرار ذیل است:

۱. همانند دیگر شارحان قسمتی از متن خطبه یا نامه و در خطبه‌های کوتاه و نامه‌های کوتاه همه آن را و در کلمات قصار نیز کل عبارت را در آغاز نقل می‌کند. وی در بالای هر بخش یا هر قسمت، عنوانی قرار می‌دهد و سپس تعداد بندها یا جمله‌های آن را نیز یادآور می‌شود.

۲. در ذیل هر قسمت پس از متن نهج‌البلاغه، عنوانی به نام «اللغه» می‌گشاید و در زیر آن به شرح مفردات آن قسمت می‌پردازد. او در این توضیحات از کتب لغت، نامی به میان نمی‌آورد و تنها اگر لازم باشد شاهدهی از آیات قرآن یا شعر عربی ذکر می‌کند.

۳. در هر قسمت پس از اللغه، عنوان دیگری به نام «الاعراب» به چشم می‌خورد و مؤلف در زیر این عنوان به تجزیه و تحلیل ساختار دستوری جمله پرداخته است.

۴. در هر قسمت معمولاً پس از عنوان «الاعراب» گاه بلافاصله و گاه با فاصله عنوان دیگری به نام «المعنی» وجود دارد که در زیر آن، جمله‌های قسمت مورد بررسی از متن را یک به یک شرح و تفسیر کرده است.

۵. افزون بر این در هر قسمت یا پس از عنوان «المعنی» و یا پیش از آن و پس از عنوان «الاعراب» یک یا چند عنوان مستقل درباره محور بحث آن قسمت از متن وجود دارد و مؤلف در زیر این عنوان یا عنوان‌ها بحثی مستقل مطرح کرده است.

۶. افزون بر این، در برخی از قسمت‌ها با عنوان دیگری به نام «للمنبر» برخورد می‌کنیم. مؤلف درباره این کار انحصاری خود چنین توضیح می‌دهد: «متوجه شده‌ام کسانی که تنها کارشان منبر است به واسطه ثمرات و همچنین سحر بیان و عطری که در نهج‌البلاغه و خطبه‌های آن است به فراوانی بدین کتاب مراجعه می‌کنند، به همین دلیل کوشیدم هر چند به مقداری اندک بدین گروه کمک کنم، باشد که منبرهای آنان پربرتر و مفیدتر شود... بدین ترتیب هر گاه در سخنی از سخنان

فصل دوم:

روش تفسیری علامه مغنیه در
«الكاشف»

حیدر حب‌الله:

گفتمان شفاف و واقع‌نگری؛ دو ویژگی بارز روش تفسیری علامه

علامه شیخ محمدجواد مغنیه در سال‌های پایانی زندگی خود اهتمام ویژه‌ای به علوم قرآنی و تفسیری داشت که حاصل این اهتمام، نگارش دو تفسیر ارزشمند «الکاشف» و «المبین» بوده و شیوه ایشان در این دو تفسیر گران‌سنگ، مبتنی بر واقع‌نگری و گفتمان شفاف و واضح است.

علامه طباطبایی، آیت‌الله‌العظمی شهید سیدمحمدباقر صدر، شهید مطهری، محسن‌الأمین، علامه شیخ محمدجواد مغنیه، آیت‌الله شیخ محمدرضا مظفر و آیت‌الله شیخ محمد حسین کاشف‌الغطاء در آسمان علم و معرفت جهان اسلام درخشیده‌اند که به دلایل سیاسی در جهان عرب برخی از این شخصیت‌های دینی و مصلحان اجتماعی مانند علامه مغنیه زیاد مطرح نشده‌اند.

این قرآن‌پژوه لبنانی در ادامه این مقاله می‌نویسد: علامه شیخ مغنیه در تألیفات خود که نزدیک به ۶۰ عنوان است، به بررسی گونه‌های مختلف نهضت‌های دینی و ارزش‌ها و همچنین اصلاح باورها و اندیشه‌های مذهبی پرداخت و بسیاری از این روش‌ها را مطابق با نظریه و دیدگاه خود و در ذیل چتر عقلانیت تحلیل و بررسی کرد، به‌طوری که سال‌های پایانی زندگی ایشان، به قرآن کریم اختصاص داشت که حاصل این اهتمام تفسیر «الکاشف» با شیوه نوین و ساده بود.

حیدر حب‌الله در بخش دیگری از این مقاله به تبیین عناصر روش تفسیری شیخ محمدجواد مغنیه پرداخته و می‌نویسد: به نظر می‌رسد علامه مغنیه نیاز جدی به بررسی زمینه‌های فکری و اجتماعی عمومی، به‌عنوان یک زیرساخت و قاعده برای فهم شیوه‌های تفسیری را خیلی خوب درک کرده و پس از درک این زمینه‌ها اقدام به تألیفات تفسیر قرآن کریم کرده است.

وی می‌نویسد: این قاعده و زیرساخت از آخرین دستاوردهای فلسفه علوم که بر وجود رابطه عقلانی میان چارچوب‌های فکری و اجتماعی عمومی و دستاوردهای علمی محققان و مکتب‌های فکری تأکید دارد، نشئت گرفته است، بنابراین کشف عنصرهای عمومی در شیوه تفسیری علامه مغنیه و ابزارهایی که علامه مغنیه در تفسیر «الآلاء الرحمن» از آن بهره برده بسیار مهم است.

این متفکر لبنانی در این مقاله، «واقعیت و گفتمان استدلالی»، «بازیابی روش گفتمانی شفاف»، و «جرئت زبان و صراحت در نقد» را از جمله عناصر مهم روش تفسیری شیخ محمدجواد مغنیه دانسته و تأکید می‌کند: واقع‌نگری در اندیشه‌های عمومی علامه مغنیه بسیار برجسته است و این حقیقتی است که در متون وی یافت شده و محققان و روشنفکران اسلامی درباره آن زیاد سخن گفته‌اند.

سرمدیر مجله «نصوص معاصر» در ادامه، زمینه فقهی علامه مغنیه را نشئت گرفته از شیوه‌های واقع‌نگری ایشان می‌داند و بر این باور است که پرداختن علامه مغنیه با سبک واقع‌نگری به متون فقهی با روش تدریسی



استاد حیدر حب‌الله، زاده «صور» و از شاگردان مرحوم آیت‌الله شیخ محمدتقی فقیه، آیت‌الله شیخ مفید فقیه، آیت‌الله سید محمود هاشمی شاهرودی، آیت‌الله‌العظمی شیخ وحید خراسانی، آیت‌الله‌العظمی جوادی آملی، آیت‌الله شیخ حسین نجاتی و آیت‌الله شیخ باقر ایروانی است.

حیدر حب‌الله، اندیشمند و قرآن‌پژوه لبنانی، در مقاله‌ای با عنوان «معالم المنهج التفسیری عند الشیخ محمدجواد مغنیه» (ویژگی‌های روش تفسیری شیخ محمدجواد مغنیه) که نسخه عربی آن را در اختیار خبرگزاری بین‌المللی قرآن (ایکنا) قرار داد، به بررسی و تحلیل ویژگی‌ها و خصوصیات تفسیری علامه مغنیه در تفسیر الکاشف و تفسیر المبین پرداخته است.

حیدر حب‌الله در مقدمه این مقاله که گزیده‌ای از ترجمه فارسی آن ارائه می‌شود، می‌نویسد: هر پژوهشگر و دانش‌پژوه دینی نمی‌تواند به راحتی از نقش مهم و حیاتی علامه شیخ محمدجواد مغنیه در جنبش اصلاحات مذهبی در جهان اسلام در نیمه دوم قرن بیستم بگذرد.

وی می‌افزاید: در دوران معاصر، اندیشمندان مسلمان مطرحی همچون

عمومی که در محافل علمی و دینی آن زمان رایج بود، مغایرت داشت، زیرا سبک تدریسی رایج در آن زمان، مدرس را تنها با متن مواجه می‌کرد، اما شیخ مغنیه خود را با موضوعات استنباطی درگیر می‌کرد و این روش تحلیلی را «موضوعات مستنبطه» می‌نامید.

«بازبایی شیوه گفتمان شفاف و واضح» از دیگر عناصر شیوه تفسیری علامه مغنیه است که حیدر حبالله در این مقاله به آن پرداخته و می‌نویسد: «علامه مغنیه با روشی ساده و شفاف به دور از هر نوع ابهام و پیچیدگی توانست تألیفات خود را در میان خوانندگان عام و جوان جای دهد و از این طریق قشر عام جامعه را مورد خطاب خود قرار دهد که این عناصر علاوه بر این که در روش تفسیری علامه مغنیه در «الکاشف» و «المبین» نمایان است، در دیگر تألیفات وی مانند «الخمینی والدولة الإسلامية»، «قیم أخلاقیة من فقه الإمام الصادق (ع)»، «علم أصول الفقه فی ثوبه الجدید»، «فقه الإمام جعفر الصادق (ع)» و «معالم الفلسفة الإسلامية» نمود پیدا کرده و بازتاب وسیعی در میان خوانندگان جوان و طبقه عام جامعه داشته است.

این نویسنده و پژوهشگر لبنانی در این مقاله جرئت و صراحت در نقد را از دیگر ویژگی‌های روش تفسیری علامه مغنیه معرفی کرده و می‌نویسد: علامه مغنیه در نقد و بررسی اندیشه‌های دینی دوران خود مطابق با مقتضیات عصر و محیط خود، سهم بسزایی داشت، وی همچون سایر مصلحان دینی دو قرن اخیر به نقد موضوعات مادی مانند (مارکسیسم و غرب) بسنده نکرد، بلکه به میراث دینی سنتی و حتی برخی علمای دینی زمان خود نقد تند و شدیدی وارد کرد و کتاب «الوضع الحاضر فی جبل عامل» از تألیفات ایشان در سال ۱۹۴۷ میلادی، نقدی گسترده به وضعیت سیاسی و اجتماعی جبل عامل در آن زمان است.

وی در بخش دیگری از این مقاله به تبیین محور کاربردی نزد آیت‌الله مغنیه پرداخته و می‌نویسد: نوشته‌ها و تألیفات علامه مغنیه و حتی تفسیر الکاشف ویژگی کاربردی به خود گرفته است. علامه مغنیه در آثار خود، خواننده را به مباحث تحلیلی سوق می‌دهد، به طوری که فرآیند تفسیری ایشان تأثیر زیادی از این رویکرد و روش پذیرفته است.

این استاد سطح عالی حوزه علمیه قم بر این نکته تأکید می‌کند که آیت‌الله مغنیه در تفسیر الکاشف، بخش اندکی را به مباحث لغوی و زبان‌شناسی مانند صرف و نحو اختصاص داده، اما با وجود این، علامه مغنیه در هر مقطع تفسیری برای آیات قرآن، بخشی را به زبان و اعراب اختصاص داد؛ علامه مغنیه در تفسیر آیات، به سبک دیگر تفسیرها همچون «تفسیر المیزان» علامه طباطبائی و تفسیر «ظلال القرآن» سید قطب به بهره‌گیری از مجموعه‌ای از آیات قرآن استناد کرد.

حیدر حبالله در این مقاله آورده است: شیوه تفسیری علامه مغنیه یک شیوه عرفی ممتاز است، به طوری که تلاش می‌کند که شیوه تفسیر خود را با فهم و عرف جامعه و نیز رویکرد فقهی مطابقت دهد و به همین خاطر از تفسیرهای تحمیلی و پیچیده دوری می‌کند؛ برخلاف تفسیرهایی مانند تفسیر فخر رازی (قرن ششم هجری)، علامه مغنیه در تفسیر خود غرق در بحث‌های کلامی و فلسفی و منطقی نشد و از این مباحث تنها در حد نیاز و آنچه مطابق با مقتضیات و فرهنگ نسل جوان بود، بهره برد، زیرا وی مخاطبان خود را بیشتر جوانان تلقی می‌کرد و بر این باور بود که جوانان به این بحث‌های پیچیده و طاقت‌فرسا اهمیت کمتری می‌دهند.

این قرآن‌پژوه لبنانی در ادامه این مقاله می‌نویسد: از این رو مشاهده

می‌شود که در تفسیر الکاشف به موضوعات یا بحث‌های اصولی، کلامی، منطقی، فلسفی، حدیثی، فقهی یا رجالی به تمام معنی بر نمی‌خوریم، بلکه در این تفسیر، موضوعات عمومی و کاربردی را بیشتر می‌توان پیدا کرد.

وی می‌نویسد: در صورت بررسی عناوین فرعی ذکر شده در تفسیر الکاشف علامه مغنیه، به ابعاد فرهنگی و کاربردی وی پی می‌بریم که به‌عنوان مثال ایشان در جزء پنجم تفسیر الکاشف به عناوینی همچون درس عملی از اسراء اسلام دین فطرت، نیکی به پدر و مادر، اسلام و نظریه اخلاق، گفتار بدون علم، مهدی موعود (عج)، نیروی حق و نیروی باطل، عشق به ذات، شناخت شبهات، وفا کردن، اوصاف قرآن، محمد (ص) و اعراب، جدال جهل و گمراهی، خدا و انسان و دفاع از محسنات اشاره کرد. علامه مغنیه در جزء هفتم تفسیر الکاشف همچنین، عناوینی چون حکومت اسلامی، قرآن و سیاست جنگ، صحابه و قرآن کریم، برادری دینی و برادری انسانی، خدا و معرفت حسی، ماده و زندگی، اسلام و رهبران اندیشه اروپایی، و کشورهای دوست و دشمن را به کار برده است. این متفکر لبنانی در این مقاله بر این باور است که رویکرد و روش کاربردی با وجود این که در عالم معرفت و اندیشه دارای اهمیت زیادی است، اما افراط در این زمینه سبب سلب ویژگی نظری و بعد تحلیل علمی دقیق نظریات و فرضیه‌ها می‌شود و این مسئله منجر به سطحی‌شدن معرفت و دانش و ساده‌شدن مقوله‌های فکری می‌شود و در نهایت مشکلی جدی در سطح مقوله روش و رویکرد ایجاد می‌کند.

سردبیر مجله فکری «المنهاج» لبنان در ادامه می‌نویسد: روش ابداعی علامه مغنیه که در تفسیر الکاشف آن را مطرح کرده از طرفی به خاطر احساس نیاز جامعه آن زمان بوده است و از طرفی دیگر، به خاطر این است که چنین اندیشه‌هایی در گذشته کفایت نکرده است و این دو عامل - احساس نیاز و عدم کفایت اندیشه‌های فکری - سبب شد که علامه مغنیه در تفسیر الکاشف به شیوه ابداعی کاربردی روی بیاورد.

سردبیر مجله «نصوص معاصره» در بخش پایانی این مقاله به جایگاه متون حدیث در تفسیر الکاشف علامه مغنیه پرداخته و می‌نویسد: دیدگاه علامه شیخ مغنیه درباره احادیث و روایات نبی اکرم (صلی الله علیه وآله وسلم) و اهل البیت (علیهم السلام) به‌عنوان مرجع تفسیر، تمام آن‌ها را تأیید کرده و از آن‌ها در الکاشف بهره برده است.

علامه مغنیه همچنین ناقد برجسته‌های بود که نقد خود را بر پایه‌های جرئت معرفتی ممتاز بنا کرد و مواضع تاریخی وی در زندگی سیاسی و اجتماعی بسیار مستحکم بوده و جریان اصلاح دینی وی مبتنی بر یک عقلانیت بود.

استاد حیدر حبالله هم‌اکنون استاد سطح عالی حوزه علمیه قم و سردبیر مجله «نصوص معاصره» و سردبیر مجله فکری «المنهاج» لبنان است؛ حبالله در سال ۱۳۷۷ هجری شمسی، به عضویت دایره‌المعارف فقه اسلامی درآمد و تقریباً به مدت چهار سال در تدوین دایره‌المعارف مشارکت کرد.

در سال ۱۳۸۳، سردبیری مجله «نصوص معاصره» را که ویژه ترجمه پژوهش‌های ایرانی است و تحت نظارت آیت‌الله عبدالهادی فضلی قرار دارد، بر عهده گرفت، وی همچنین در سال ۱۳۸۵، مجله «الاجتهاد والتجدید» را منتشر کرد که به مسائل فقه و اجتهاد در عصر حاضر می‌پردازد و در بیروت منتشر می‌شود، وی همچنین کتبی در زمینه روشنفکری دینی از فارسی به عربی برگردانده است.

تاریخ‌نگار و پژوهشگر علوم اسلامی:

علامه مغنیه تفسیر تطبیقی قرآن را به اوج عظمت و زیبایی رساند

از نظر علامه محمدجواد مغنیه، تطبیق مفاهیم قرآن با واقعیت‌های روز به معنای یافتن مصادیق آیات در جامعه و جریان یافتن فیض قرآنی است و این همان تفسیر «جزئی و تطبیقی» قرآن است که مرحوم مغنیه در «الکاشف» آن را به اوج عظمت و زیبایی خود رساند.



است همان‌گونه که شب و روز دائماً در جریان هستند) است و این حدیث گویای آن است که مفاهیم قرآنی ثابت نبوده و همچون گذر شب‌ها و روزها در زندگی بشر جریان دارد. ائمه اطهار(ع) براساس شیوه تطبیقی متون مقدس قرآن را تفسیر کردند این نویسنده و محقق لبنانی تأکید کرد: ائمه اطهار(ع) نیز براساس شیوه تطبیقی، متون مقدس قرآن کریم را تفسیر کردند و علمای پس از آن‌ها نیز این شیوه را در تفاسیر خود به کار بردند. نویسنده دائرةالمعارف «اعلام‌الشیعه» در ادامه اظهار کرد: در شیوه تفسیر تطبیقی، تفسیری نهایی که مبین تمام اسرار قرآن کریم باشد، ارائه نمی‌شود؛ بلکه متن مقدس قرآن به‌گونه‌ای در ارتباط با جامعه و احوالات معاصر آن تفسیر می‌شود که آیندگان نیز بتوانند آن متن مقدس را در جامعه خود تطبیق دهند و این یکی از معجزات و کرامات قرآنی به شمار می‌آید.

شیخ جعفر المهاجر العاملی، تاریخ‌نگار و پژوهشگر علوم اسلامی لبنان، با بیان این مطلب گفت: علامه مغنیه معتقد بود که مفاهیم و آموزه‌های قرآنی را نمی‌توان در ارتباط با پدیده واحدی دانست و آن‌ها را محدود کرد، زیرا قرآن کریم در تمام جوامع و همه شرایطی که مسلمانان در گذشته، حال و آینده با آن‌ها مواجه هستند، قابل تطبیق است و نیز مسلمانان می‌توانند در مواجهه با تمام مشکلاتی که در جوامع اسلامی به وجود می‌آید، از آموزه‌های ارزشمند این کتاب الهی جهت حل و فصل آن‌ها بهره ببرند.

جعفر العاملی با اشاره به این که بسیاری از علما و مفسران بزرگ تاریخ اسلام، آیات قرآن را بر اساس شیوه سنتی که همان تفسیر تطبیقی است؛ تفسیر کرده‌اند، گفت: علما این شیوه تفسیری را گاهی «جزئی» نام‌گذاری می‌کردند و این اقدام مفسران برگرفته از حدیثی از امام صادق(ع) «إن القرآن یجری کما یجری اللیل والنهار» (قرآن در جریان

شیخ جعفر المهاجر در ادامه تصریح کرد: علامه شیخ محمدجواد مغنیه این شیوه را به بهترین شکل ممکن به کار برد و آن را در دوران معاصر و در رابطه با مشکلات روز جامعه احیا کرد؛ همان طور که ایشان از ابداعات و نوآوری‌های خودشان نیز به آن افزودند.

وی با ذکر مثالی به تفسیر تطبیقی علامه مغنیه درباره آیه ۱۹۵ سوره بقره «وَأَنْفِقُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَلَا تُلْقُوا بِأَيْدِيكُمْ إِلَى التَّهْلُكَةِ» (و در راه خدا انفاق کنید و خود را با دست خود به هلاکت میفکنید) اشاره کرد و گفت: این آیه در مورد هزینه کردن درست معاش و درآمد است که علامه در تفسیر آن می‌نویسد «این آیه کریمه در مورد هزینه کردن پول نفت کشورهای اسلامی توسط حاکمان مسرف مصداق پیدا می‌کند».

این اندیشمند و تاریخ‌نگار لبنانی در ادامه گفت: علامه مغنیه همچنین، در تفسیر بیشتر این آیه به وضعیت کشورهای اسلامی اشاره کرده و می‌گوید: ثروت ملی کشورهای اسلامی در حالی هدر داده می‌شود و در مصرف آن‌ها اسراف صورت می‌گیرد که کشورها و ملت‌های اسلامی شدیداً به آن نیازمند هستند و از همین دیدگاه این موضوع را به آیه‌ای که بر هزینه‌کردن معاش و رزق در محل اصلی خود است، ربط داده و این آیه قرآنی را با واقعیت‌های روز جامعه تطبیق می‌دهد؛ که البته این امر نیازمند شناخت جامعه و داشتن دیدی دقیق و ظریف در استنباط مفاهیم قرآنی است که در واقع ابداع و ابتکار علامه مغنیه در تطبیق‌های زیبا، دقیق، ظریف و به‌جای ایشان نهفته است.

وی گفت: مرحوم مغنیه در تفسیر «الکاشف» تلاش کرد تا قرآن را در رابطه با اوضاع و احوال جامعه معاصر تفسیر کند یا بهتر است بگوییم که ایشان بیش از آن که قرآن را تفسیر کند، سعی کرد دستورات آن را تطبیق دهد؛ زیرا ایشان همواره مفاهیم غنی قرآنی را تنها مربوط به یک دوره و پدیده تاریخی خاصی نمی‌دانست؛ در حقیقت، تطبیق و کاربردی کردن مفاهیم قرآن بر احوال روز جامعه از ابتکارات مرحوم مغنیه در الکاشف بود.

شیخ جعفر مهاجر العاملی در ادامه در مورد تفاسیر ائمه اطهار (ع) افزود: امامان معصوم (ع) هنگامی که به تفسیر قرآن پرداختند، برای این که نسل‌های آینده در استنباط از آموزه‌های این کتاب الهی آزاد باشند و بتوانند در جامعه معاصر خود قرآن را با توجه به شرایط موجود تطبیق دهند، به هیچ وجه معانی و مفاهیم قرآنی را در بسته‌هایی نهایی قرار ندادند.

سبک علامه مغنیه در تفسیر الکاشف، اقتناعی است وی درباره سبکی که علامه در تفسیر الکاشف به کار برده است، گفت: این سبک، اقتناعی نامیده می‌شود و علامه مغنیه تلاش می‌کند تا خواننده را قانع سازد که آیات قرآن را بر احوال و اوضاع جامعه خود تطبیق دهد تا قرآن کریم مانند چراغ روشن‌کننده راه وی باشد و در نتیجه این کتاب آسمانی در مسائل روز جامعه معاصر برای هر فرد مسلمانی هدایتگر باشد.

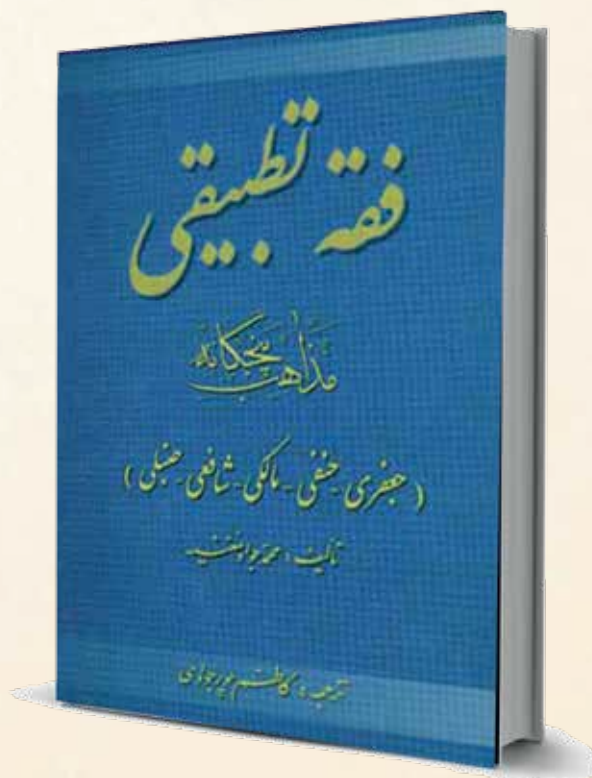
این پژوهشگر علوم قرآنی و اسلامی در ادامه تصریح کرد: کاربردی کردن مفاهیم قرآن و مطابقت آن با واقعیت‌های روز جامعه از نظر علامه مغنیه به معنای یافتن مصادیق آیات قرآن در جامعه معاصر و جریان یافتن فیض قرآنی به همان شکلی که شب و روز در جریان همیشگی و دائمی هستند، است و این همان تفسیر جری یا تفسیر تطبیقی قرآن کریم است که علامه محمدجواد مغنیه در دوران معاصر آن را به اوج

عظمت و زیبایی خود رساند.

وی تأکید کرد: تفسیر تطبیقی قرآن، بهترین روش ممکن است و در بسیاری از تفاسیر شاهدیم که مفسر در اثنای تفسیر از معنا و مفهوم اصلی قرآن دور شده و وارد عالم دیگری می‌شود و در واقع این‌گونه تفاسیر به میدانی برای بیان دیدگاه ویژه مفسر تبدیل می‌شود. معمولاً در این تفاسیر رابطه معکوس است و به جای این که متن مقدس و بی‌نقص قرآن کریم، هدایت‌کننده و مرشد مفسر باشد، نص قرآن تحت سلطه شیوه تفکر و تحلیل مفسر درمی‌آید.

جعفر مهاجر العاملی، پژوهشگر و تاریخ‌نگار علوم اسلامی لبنان، در پایان این گفت‌وگو درباره ویژگی‌های علامه مغنیه و تفسیر الکاشف خاطر نشان کرد: مرحوم مغنیه در تفسیر تطبیقی آیات قرآن واقعاً نابغه بودند. ایشان در تفسیر الکاشف به سخت‌ترین مشکلات فکری، کلامی، فقهی و قرآنی پرداخته و آن‌ها را به سبکی ساده و به‌گونه‌ای که برای تمامی خوانندگان قابل فهم باشد، نوشتند؛ لذا می‌بینیم که یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های تفسیر الکاشف ساده بودن آن برای هر خواننده‌ای است.

دکتر شیخ جعفر المهاجر العاملی از نویسندگان و محققان پرکار شیعی در لبنان است که دارای تحقیقات و تألیفات زیادی در حوزه علوم اسلامی و قرآنی است؛ کتاب «جبل عامل بین الشهدین» تأملی درباره تاریخ تشیع در جبل عامل) اثر وی به دلیل بکر بودن شیوه و روش وی در پرداخت این موضوع، از سوی دبیرخانه کتاب سال جمهوری اسلامی ایران نیز به عنوان اثر برگزیده انتخاب شد و اخیراً دائرةالمعارف «اعلام الشیعه» که از تألیفات جدید وی است، با همکاری مرکز پژوهشگاه حوزه علمیه قم در لبنان منتشر شده است.





آیت‌الله آصفی:

علامه مغنیه در تفسیر «الکاشف» به نقد گرایش‌های تفسیری می‌پردازد

علامه شیخ محمدجواد مغنیه در تفسیر گران‌سنگ «الکاشف»، با زبانی شیوا و ساده و با تکیه بر استدلال‌های علمی به نقد و تحلیل گرایش‌های تفسیری زمان خود می‌پردازد.

معانی آیات از طریق آن آسان باشد، نوشته و بر این باور است که قرآن کریم کتابی است که موضوعات را به بیانی ساده توضیح داده و زبان تفسیر قرآن کریم نیز باید آسان و سلیس باشد. نماینده مقام معظم رهبری در حوزه علمیه نجف خاطر نشان کرد: تفسیر الکاشف علامه مغنیه، از نظر سبک نوشتاری و بیان مطالب همچون تفسیر «مجمع البیان فی تفسیر القرآن» علامه شیخ طبرسی است که این تفسیر، نیز تفسیری آسان و علمی و با زبانی ساده و سلیس نوشته شده است.

آیت‌الله شیخ محمد مهدی آصفی در ادامه این گفت‌وگو اظهار داشت: الکاشف تفسیری است که با بهره‌گیری از شیوه اختصار و ساده‌نویسی، نسل جدید را مخاطب قرار می‌دهد و این تفسیر تنها نخبگان، روشنفکران، اندیشمندان را مخاطب قرار نمی‌دهد،

آیت‌الله شیخ محمد مهدی آصفی، نماینده مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی) در حوزه علمیه نجف و از اساتید این حوزه، با بیان این مطلب گفت: مرحوم مغنیه در تفسیر الکاشف، به نقد و بررسی گرایش‌های تفسیری موجود در زمان خود پرداخته و روش و گرایش‌هایی را که مفسران در تفسیر آیات قرآن به کار می‌گرفتند، مورد بررسی و تحلیل قرار داد و این گرایش‌های تفسیری را با شیوه و استدلال‌های علمی نقد و تحلیل کرده است. وی افزود: تفسیر الکاشف علامه مغنیه، به دلیل سادگی و آسان‌سازی مطالب و موضوعات قرآنی متمایز است و عموم مردم آن را می‌فهمند.

آیت‌الله شیخ محمد مهدی آصفی تصریح کرد: علامه مغنیه، تفسیر الکاشف را با هدف آسان‌سازی زبان تفسیر، یعنی زبانی که فهم

کسانی است که می‌خواهند قرآن کریم را تلاوت کنند و بفهمند و اطلاعات و معلومات قرآنی خود را افزایش دهند؛ تفسیری بسیار مفید و ارزشمند است.

آیت‌الله شیخ محمد مهدی آصفی در سال ۱۳۵۸ هـ.ق در یک خانواده روحانی در نجف اشرف متولد شد. پدر ایشان، مرحوم آیت‌الله شیخ «علی محمد آصفی بروجردی» (ره)، از علما و فقهای نجف بود و مادر ایشان دختر فقیه بزرگوار مرحوم آیت‌الله شیخ محمدتقی بروجردی است.

از مهم‌ترین آثار آیت‌الله شیخ محمد مهدی آصفی می‌توان به کتب زیر اشاره کرد: نظریه الإمام الخميني (ره) فی دور الزمان والمكان فی الإجتهااد، أثر العلوم التجريبيه فی الإيمان بالله، ملكية الأرض فی الفقه الإسلامی، المدخل إلى دراسة نص الغدير، الدعاء عند أهل البيت (ع)، تاریخ الفقه الإسلامی، الجسور الثلاثة، آية التطهير و ولاية الأمر.

بلکه عموم مردم با خواندن تفسیر علامه مغنیه، مفاهیم و معانی آیات قرآن کریم را درک می‌کنند و نوشتن تفسیر قرآن با این ویژگی و اسلوب، سبک و کاری بسیار سخت و دشوار است و تنها کسانی که به این شیوه تألیف کرده‌اند، آن را درک می‌کنند.

وی یادآور شد: علامه مغنیه در تفسیر الکاشف، به موضوعات و محورهای قرآنی زیادی می‌پردازد، به گونه‌ای که این محورها را با بهره‌گیری از زبانی ساده و روان توضیح می‌دهد و همچنین، بسیاری از فقها، علما و مفسران بر این باورند که علامه مغنیه مسائل و موضوعات قرآنی را به شیوه بسیار ساده و آسان توضیح و شرح می‌دهد.

نماینده مقام معظم رهبری در حوزه علمیه نجف اشرف در پایان، به تفسیر «المبین» علامه مغنیه اشاره کرد و گفت: مرحوم مغنیه، علاوه بر تفسیر الکاشف که از تفاسیر بسیار خوب معاصر به شمار می‌آید، تفسیر ارزشمندی دیگری به نام المبین دارد که این تفسیر بسیار خلاصه و در یک جلد نوشته شده و برای



رویکرد هدایت جویانه به قرآن در تفسیر «الکاشف»



علامه شیخ محمد جواد مغنیه در تفسیر «الکاشف» رویکردی هدایت جویانه و پرسشگرانه به قرآن کریم داشته و افزون بر آنچه در تفاسیر کهن از شرح واژه‌ها و ترکیب‌ها آمده، وی در پی بهره‌جویی از پیام‌های قرآن برای حل مشکلات سیاسی و اجتماعی است.

دیگر آیات گفت: ایشان با روش تفسیر قرآن به قرآن، آیات را تفسیر کرد و در پاره‌ای از موارد نیز به خوشه‌چینی از خرمن پرفیض نبوی(ص) پرداخت و در تفسیر خود به روایات اهل بیت(ع) نیز استناد می‌کرد.

رئیس بنیاد قرآن و مدیرعامل مؤسسه علمی - فرهنگی علامه عسکری درباره تفاوت روش علامه مغنیه در تفسیر «الکاشف» و «المبین» با سایر مفسران گفت: ایشان بنابر مقتضیات روز جامعه و مطالبات و خواسته‌های نسل جوان به تفسیر قرآن کریم پرداخت و تلاش کرد که مطالب و مباحث کاربردی برای زندگی مردم را از قرآن کریم استخراج کند.

حجت‌الاسلام حسین زاده در پایان گفت: علامه مغنیه تفسیرنویسی را هنری می‌داند که در شرایط زمانی و مکانی خاصی شکل می‌گیرد و بر این باور است که تفسیر قرآن کریم و نوع درک از مفاهیم و آیات قرآن باید متناسب با شرایط و مقتضیات روز جامعه باشد.

حجت‌الاسلام والمسلمین سید مهدی حسین زاده، رئیس بنیاد قرآن و مدیرعامل مؤسسه علمی - فرهنگی علامه عسکری، با اعلام این مطلب گفت: علامه مغنیه در تفسیر الکاشف ابتدا واژه‌های مشکل آیات را معنا کرده و اعراب و نکات ادبی آن را توضیح داده و سپس به تبیین معنای آیات و پیام آنان پرداخته است.

وی افزود: علامه مغنیه به بُعد کلامی و فلسفی در تفسیر الکاشف توجه ویژه‌ای دارد و بر اساس اعتقادات راسخ خود به مسائل کلامی و احساس مسئولیت در این زمینه، به بررسی مسائل توحید، اثبات خداوند، صفات حق تعالی و اثبات نبوت می‌پردازد.

سید مهدی حسین زاده تصریح کرد: مرحوم مغنیه در تفسیر خود با کمک گرفتن از آیات و دیگر احادیث و روایات متقن اهل بیت(ع) درصد ارائه راه‌حلهایی برای مسائل و مشکلات روز جامعه بود و بحث‌های موضوعی پیرامون آیات مطرح می‌کند. وی درباره بهره‌گیری علامه مغنیه از آیات قرآن کریم برای تفسیر



مدرس جامعه‌المصطفی (ص) العالمیه:

تفسیر «الکاشف» علامه مغنیه در عین جامعیت، موجز است

علامه شیخ محمدجواد مغنیه در تفسیر «الکاشف» شیوه‌ای ایجازگونه و به‌دور از اطناب دارد که این ایجاز به معنی خللی وارد نمی‌کند؛ به تعبیر دیگر، در تفسیر وی مفاهیم آیات در عین جامعیت، بسیار خلاصه بیان می‌شود.

نوآوری و خلاقیت ایشان را به خوبی نشان می‌دهد و این تفسیر از آن جهت بسیار باارزش است که مسائلی را پاسخ می‌دهد که در کمتر منبعی می‌توان پاسخی برای آن یافت. عضو هیئت علمی جامعه‌المصطفی (ص) العالمیه در توضیح بیشتر این مطلب تأکید کرد: بسیاری از مشکلات و ابهامات تفسیری طلبه‌های حوزه‌های علمیه در الکاشف پاسخ داده شده است و چنانچه این تفسیر به درستی و با دقت به زبان‌های مختلف ترجمه شود، خدمت بسیار خوب و حسنه‌ای به قرآن کریم و آموزه‌های

حجت‌الاسلام والمسلمین مهدی رستم‌نژاد، قرآن‌پژوه، مدرس و عضو هیئت علمی جامعه‌المصطفی (ص) العالمیه، ضمن بیان این مطلب گفت: الکاشف یکی از موجزترین و در عین حال بهترین تفاسیر قرآن کریم در جهان اسلام است؛ البته نه ایجازی که محل معنا و مقصود باشد؛ بلکه وی عصاره هر مبحثی را در الکاشف بیان کرده تا برای خواننده ملال‌آور نبوده و به راحتی قابل فهم باشد. وی افزود: علامه مغنیه در الکاشف در برخی موارد، به عرصه‌هایی ورود یافته که تقریباً هیچ مفسری وارد نشده است که این امر،

شریعت اسلامی خواهد بود.

مدرس جامعه‌المصطفی (ص) العالمیه در ادامه به تبیین روش تفسیری الکاشف پرداخت و گفت: علامه مغنیه در این تفسیر از انواع روش‌های تفسیری استفاده کرده که از آن جمله، تفسیر قرآن به قرآن است و علامه در این روش از آیات قرآنی که معانی روشن و واضحی دارند، در فهم آیاتی که معانی آن‌ها مبهم و خیلی مشخص نیست، بهره می‌برد و در مقدمه الکاشف نیز به این مسئله اشاره شده است.

حجت‌الاسلام رستم‌نژاد ادامه داد: علامه مغنیه بیان داشته است «اگر چنانچه آیه‌ای مجمل و آیه‌ای مفصل‌تر بود، هر دو را کنار هم آوردم تا آیات را تفسیر کنم؛ چرا که قرآن کریم از یک منشأ سرچشمه گرفته است»، این جمله نشان می‌دهد که علامه مغنیه از بخشی از قرآن برای توضیح بخشی دیگر بهره‌مند می‌شود که در واقع همان تفسیر قرآن به قرآن است؛ البته نه به صورت مفصل، بلکه موجز و خلاصه. وی در عین حال در تفسیر قرآن، از روایات و احادیث نیز بهره برده است.

عضو گروه تدوین «التفسیر الأثری الجامع» با بیان این که ورود علامه مغنیه به مباحث کلامی در الکاشف جزئی است، یادآور شد: علامه مغنیه معتقد است تحقق خیر، کرامت و سعادت انسان از اهداف قرآن کریم است، بنابراین باید برای تحقق این اهداف تلاش کرد و کمتر به مسائل حاشیه‌ای همچون بلاغت و فصاحت قرآن پرداخت و این اهداف باید پررنگ‌تر نشان داده شود.

وحدت و تقریب مذاهب اسلامی؛ از مسائل محوری در الکاشف عضو هیئت علمی جامعه‌المصطفی (ص) العالمیه با اشاره به جایگاه وحدت در تفسیر الکاشف تصریح کرد: تفاسیر در واقع بیان محتوای قرآن هستند و قرآن خودش محور وحدت جوامع اسلامی است و یکی از محوری‌ترین مسائلی که در کلام وحی بر آن تأکید شده، اتحاد و همبستگی و دوری از اختلافات، فتنه و تفرقه است، بنابراین با توجه به این که قرآن کریم کتابی است که تأکید آن بر وحدت و انسجام مسلمانان است؛ پس چگونه می‌شود که انتظار داشت تفاسیر خلاف آن باشند؛ در تفسیر الکاشف نیز با توجه به این دیدگاه، مسئله وحدت و تقریب مذاهب اسلامی مورد توجه قرار گرفته است.

وی خاطر نشان کرد: علامه مغنیه علاوه بر الکاشف، کتابی با عنوان «الفقه علی المذاهب الخمسة» دارد که در آن به بیان دیدگاه‌های تقریب‌گرایانه خود پرداخته است و مباحث آن براساس مذاهب چهارگانه اهل سنت و مذهب اهل بیت (ع) نگاشته شده و رویکرد این کتاب تا حد زیادی در الکاشف نمایان و یکی از مهم‌ترین شاخصه‌های این تفسیر است.

حجت‌الاسلام رستم‌نژاد در ادامه، مسئله وحدت را در تفسیر المیزان علامه طباطبایی با الکاشف مقایسه کرد و گفت: هرچند المیزان مباحث تقریبی دارد، اما نگاه جامع به مسئله وحدت ندارد؛ در حالی که الکاشف نگاهی جامع به وحدت داشته و چنین مشخصه‌ای کمتر در المیزان به چشم می‌خورد.

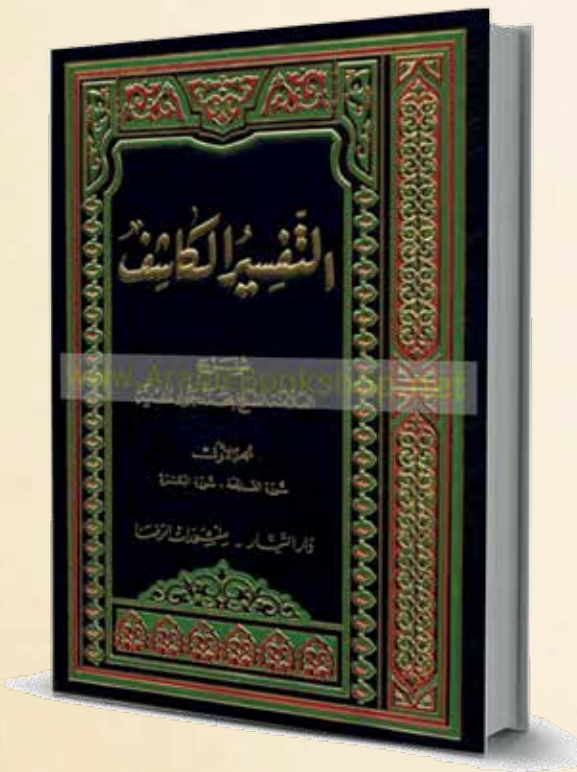
عضو هیئت علمی جامعه‌المصطفی (ص) العالمیه با تأکید بر این که مرحوم مغنیه آیات احکام را با استفاده از دیدگاه‌های

مذاهب چهارگانه تبیین می‌کند، بیان کرد: جملاتی همچون «قالت المذاهب الاربعه» در کنار «قالت الامامیه» در الکاشف نشان می‌دهد وی در سراسر این تفسیر گران سنگ به تقریب بین مذاهب توجه و بر اتحاد اسلامی تأکید دارد.

این قرآن‌پژوه ادامه داد: علامه مغنیه حتی اختلاف نظرهای مذاهب اسلامی را جداگانه مطرح می‌کند و اقدام ایشان در آوردن دیدگاه‌های مذاهب چهارگانه در کنار مذهب اهل بیت (ع) در الکاشف، گامی در جهت درک بیشتر فقه اهل بیت (ع) است؛ چرا که طرح نظریه رقیب، حتی در جوابیه علمی، کمک به فهم دقیق نظریه اصلی و حقیقت یک موضوع خواهد کرد.

وی نوگرایی در اجتهاد را از اندیشه‌های علامه مغنیه در الکاشف برشمرد و گفت: منظور از این اندیشه این نیست که لباس جدید بر اندام فقه بپوشانیم و تابع خواهش‌ها و نیازهای زمان باشیم؛ بلکه مراد این است که ما بتوانیم مسائل جدیدی را که اکنون وجود دارد و در زمان اهل بیت (ع) نبوده است، با اصول و معیارهای فقهی که در اختیار داریم، استنباط کرده و برای رسیدن به پاسخ جدید که بیانگر پویایی فقه است، تلاش کنیم نه این که ما حکم و مسئله را تغییر دهیم؛ به ویژه که این مسائل در قرآن و روایات اهل بیت (ع) آمده باشد.

عضو هیئت علمی جامعه‌المصطفی (ص) العالمیه در پایان یادآور شد: هرچند علامه مغنیه دیدگاه‌های مذاهب چهارگانه را در الکاشف به کار برده و نگاه تقریبی به مذاهب مختلف داشته، اما ایشان به شدت ولایی است و در سراسر این تفسیر به بیان فضائل اهل بیت (ع) می‌پردازد و مباحث را به نوعی با اهل بیت (ع) ارتباط می‌دهد.





علی محمودی:

«الکاشف» تفسیری ادبی و اجتماعی و بر حسب ترتیب نزول سوره‌ها است

تفسیر «الکاشف» اثر ارزشمند و ماندگار علامه شیخ محمدجواد مغنیه را می‌توان جزء تفاسیر ادبی - اجتماعی و موضوعی دانست که بر حسب ترتیب نزول سوره‌های قرآن کریم به نگارش درآمده است.

و قابل حمل نوشت و بعدها به کتاب‌های ارزشمند و مهم دیگری مانند «الفقه علی المذاهب الخمسة»، «الشیعة و الحاکمون»، «معالم الفلّسفه الاسلامیة» و «الشیعة و التشیع» را تألیف کرد و سپس تفسیر الکاشف را در ۷ جلد نگاشت. حجت الاسلام والمسلمین محمودی اظهار کرد: علامه مغنیه در الکاشف با نگرش و شیوه‌ای خاص به تفسیر قرآن کریم پرداخته‌اند. به اعتقاد ایشان قرآن برای هدایت بشر و اصلاح امت نازل شده و لذا اگر به آن عمل شود، این کتاب الهی می‌تواند امنیت و عدالت را برای تمام زمان‌ها و مکان‌ها برقرار سازد.

حجت‌الاسلام والمسلمین علی محمودی، پژوهشگر و صاحب‌نظر در زمینه علوم و تفاسیر قرآنی با اعلام این مطلب گفت: تفسیر الکاشف مرحوم مغنیه به این خاطر موضوعی است که علامه چند آیه را که از لحاظ معنایی با هم مرتبط هستند، در کنار هم قرار می‌دهد تا معنا را به صورت کامل به مخاطب انتقال دهد. وی در ادامه، علامه مغنیه را از علمای برجسته شیعه امامیه، فقیه، مفسر و پژوهشگر خستگی‌ناپذیر جهان تشیع دانست و گفت: علامه محمدجواد مغنیه آثار بسیار ارزشمندی از خود بر جای گذاشت و کتاب‌های مهمی تألیف کرد. ایشان در ابتدا کتابچه‌هایی جیبی

حجت‌الاسلام محمودی در ادامه به بررسی شیوه‌ها و روش‌های مختلف تفسیر قرآن کریم که در میان مفسران قرآن کریم رایج است، پرداخت و گفت: تفسیر نقلی، یکی از شیوه‌های تفسیری است که از گذشته توسط مفسران و قرآن‌پژوهان استفاده شده است. در این شیوه، تفسیر قرآن با کمک روایات و احادیث صورت می‌گیرد که از جمله آن می‌توان به تفسیر «جامع البیان» از طبری و تفسیر «مجمع البیان» از مرحوم طبرسی که به شیوه نقلی نوشته شده‌اند، اشاره کرد و حدوداً ۳۰ تفسیر وجود دارند که به این شیوه تألیف شده‌اند.

وی در ادامه به شیوه نگارش تفسیر اجتهادی قرآن کریم اشاره کرد و گفت: تفسیر اجتهادی تقریباً در ۱۰ تفسیر به کار رفته و با دو گرایش وجود دارد، یکی با گرایش ادبی، مانند، «تفسیر کشف»، تألیف «زمخشری» که از پیروان مکتب خلفا است و دیگری «تفسیر جوامع الجامع» نوشته مرحوم طبرسی که بیشتر مطالب آن از کشف اخذ شده است. گرایش فقهی، نیز نوع دوم تفسیر اجتهادی است که آیات الاحکام را بیشتر مورد توجه قرار می‌دهد؛ مانند «احکام القرآن» که به شافعی منسوب است و همچنین «زبدۃ البیان فی احکام القرآن»، اثر مرحوم مقدس اردبیلی که با تکیه بر این شیوه نوشته شده است.

این قرآن‌پژوه برجسته کشورمان در ادامه به نوع سوم از تفسیر با عنوان تفسیر عرفانی اشاره کرد و گفت: مفسر در این نوع تفسیر با تکیه بر یک دیدگاه عرفانی، قرآن را تفسیر می‌کند که تفسیر مرحوم «حیی‌الدین ابن عربی» و تفسیر «کشف الاسرار و عدۃ الابرار» با شرح میبیدی از خواجه عبدالله انصاری که در ۱۰ جلد نوشته شده است از این نوع تفاسیر هستند.

وی اضافه کرد: تفسیر نوع چهارم، تفسیر به سبک علمی است مثل «کشف الأسرار النورانیة القرآنیة» اثر مرحوم دکتر «محمد احمد اسکندرانی» از رجال قرن ۱۳ هجری قمری که در سه جلد است و اولین تفسیر در نوع خود بود. تفسیر به شیوه ادبی - اجتماعی نوع دیگر تفسیر است که تفاسیر «المنار» تألیف «محمد رشید رضا» و تفسیر «المیزان» از «علامه طباطبایی» و همچنین تفسیر الکاشف نوشته علامه محمدجواد مغنیه در آن جای می‌گیرند.

حجت‌الاسلام محمودی در ادامه تصریح کرد: انواع دیگری از تفاسیر وجود دارند که شیوه سیاسی انحرافی را به کار می‌گرفتند؛ در این تفاسیر، افکار غلط فردی یا حزبی تحمیل می‌شده و پیروان این شیوه برای سوءاستفاده از اعتقادات مردم به قرآن به تفسیر چهار سوره از قرآن کریم به این شیوه پرداخته‌اند.

این پژوهشگر قرآنی در ادامه این گفت‌وگو به نوع دیگر تفسیر که به شیوه عقلی - افراطی است، اشاره کرد و گفت: در این تفسیر به روایات، احادیث و حتی شیوه تفسیر قرآن با کمک آیات دیگر توجهی نمی‌شود، مانند تفسیر «القرآن هو الهدی و الفرقان» به همت «سید احمد خان هندی» که در آن ۱۶ سوره اول تفسیر شده‌اند و «سید محمد خان داعی گیلانی» آن را به فارسی ترجمه و چاپ کرده است. نوع هفتم، تفسیر قرآن بر حسب ترتیب نزول سوره‌های قرآن کریم است که اولین کسی که این‌گونه تفسیر را نوشت «سید عبدالقادر ملا خویش آل قاضی» از اهالی سوریه و

منتسب به سلسله ذریه طاهره امام موسی بن جعفر(ع) است که در سال ۱۳۵۵ هجری قمری بود. این تفسیر بر حسب ترتیب نزول و اسباب نزول نوشته شده و شبیه تفسیر الکاشف علامه مغنیه است. وی در این تفسیر معتقد است که قرآن به زمان و مکان خاصی تعلق ندارد و می‌توان آن را با توجه به شرایط زمان و مکان، تفسیر کرد و به مردم ارائه داد. «محمد عزت دروزه»، متفکر فلسطینی معاصر نیز تفسیری را به نام «الحديث فی التفسیر» نوشت که به همین شیوه است. مرحوم مهندس بازرگان نیز از همین منظر به تفسیر قرآن پرداخته است.

وی در بخش دیگری از این گفت‌وگو اظهار کرد: نوع هشتم، تفسیر موضوعی قرآن است که تفسیر الکاشف را نیز شامل می‌شود. همچنین «تفسیر المدرسه القرآنیة»، تألیف آیت‌الله العظمی شهید سید محمدباقر صدر نیز در این نوع طبقه‌بندی می‌شود.

حجت‌الاسلام محمودی در پایان گفت: براساس طبقه‌بندی که در بالا ذکر کردیم، تفسیر الکاشف علامه مغنیه تفسیری ادبی - اجتماعی و تفسیری بر اساس ترتیب سوره‌های قرآن کریم و تفسیری موضوعی است. تفسیر الکاشف به این خاطر موضوعی است که علامه چند آیه را که از لحاظ معنایی با هم مرتبط هستند، در کنار هم قرار می‌دهد تا به مخاطب معنا را به صورت کامل انتقال دهد.

توجه علامه مغنیه به تأثیرگذاری عنصر زمان و مکان در فرآیند تفسیر قرآن

حجت‌الاسلام والمسلمین علی محمودی در ادامه اظهار داشت: علامه شیخ «محمدجواد مغنیه» در تفسیر «الکاشف» بر این باور بود که عنصر زمان و مکان در درک مفاهیم و تفسیر آیات قرآن بسیار تأثیرگذار است و بر همین اساس، قرآن را مناسب برای همه زمان‌ها و مکان‌ها می‌دانست و زمانی که جوانان، هدف فرهنگ بیگانه و هجوم استکبار جهانی قرار گرفته بودند، به نگارش تفسیر به زبان جوانان مبادرت کرد.

وی گفت: مرحوم مغنیه در تفسیر الکاشف همچنین، بسیاری از روایاتی را که سند آن‌ها موثق نیست، با هدف مراعات اختصار و دوری از زیاده‌گویی، به کار نبرده است و در حقیقت، الکاشف، تفسیری به زبان روز، جوان‌پسند و پاسخگوی بسیاری از مسائل و شبهات معاصر است که در ذهن جوانان وجود داشت و همچنین خلاصه و موجز است، به طوری که علامه مغنیه در آن از ذکر نکات غیرضروری پرهیز کرده بود.

حجت‌الاسلام محمودی تصریح کرد: در تفاسیر قدیم قرآن کریم به ترکیب‌های فصیح مانند معانی بیان و بدیع توجه بیشتری می‌شد، که به نظر علامه مغنیه در آن زمان که قدما قرآن را این‌گونه تفسیر می‌کرده‌اند، شرایط کاملاً با شرایط امروزی متفاوت بوده است. لذا امروزه نمی‌توان به همان شیوه‌های قدیمی به تفسیر قرآن کریم پرداخت و آن مرحوم با به‌کارگیری زبان معاصر، تفسیر الکاشف را به زبان روز و مناسب برای نسل جوان نوشت.

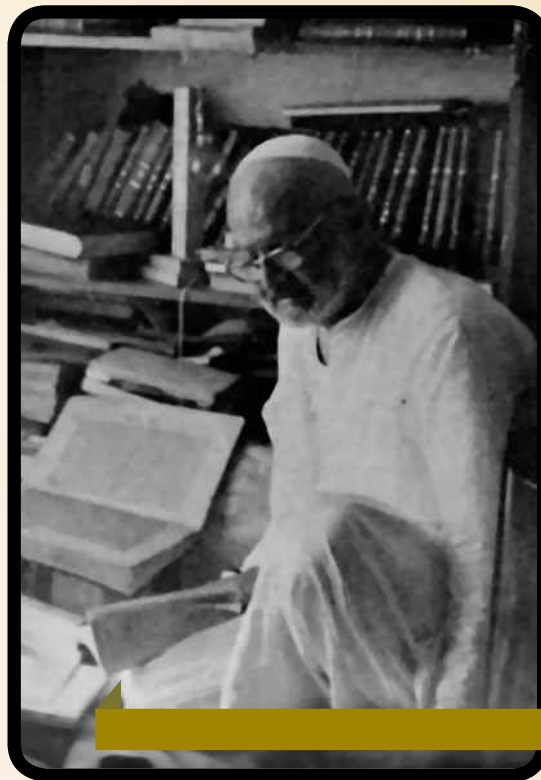
وی اضافه کرد: مرحوم مغنیه پیوسته تأکید داشت هر روز که به قرائت قرآن می‌پردازم، برداشت متفاوتی از آن می‌کنم. علامه معتقد بود که زمان و مکان در این برداشت دخالت دارند؛ به همین

همان سنت‌ها و مستحبات هستند که به نظر گذشتگان به این روایات با تسامح باید نگریست و دقت زیادی در به کارگیری آنها لازم نیست.

حجت‌الاسلام والمسلمین محمودی تصریح کرد: علامه مغنیه این روایات را به کار گرفته و در آنها دقت کرده‌است و از بین آنها، روایات و احادیثی را که از لحاظ سند درست و موثق هستند، به کار گرفته و استفاده نموده‌اند؛ با توجه به این که قرآنی که امروز در دست ما است به ترتیب نزول آیات قرآنی مرتب نشده است، مفسرین قدیم غالباً سعی می‌کردند تا آیات یا سوره‌ها را به هم ربط داده، معمولاً آیاتی را که در سوره‌های مختلف، با یک موضوع واحد آمده‌اند، به هم ربط می‌دادند. در قرآن آیاتی وجود دارند که برخی از آنها در مکه و تعدادی در مدینه نازل شده‌اند و همین‌طور بالعکس.

وی گفت: علامه مغنیه برای حل این موضوع، قرآن را همان‌گونه که هست، تفسیر کرده و هر جا که با تفسیر خود آیه، کل حکم قابل استنباط و برای مخاطب قابل فهم بود به تفسیر این آیه بسنده می‌کرد، در غیر این صورت علامه چندین آیه را در کنار هم قرار داده و از جمع این آیات، احکام و مفاهیمی را برداشت کرده و به مخاطب تقدیم می‌نمود.

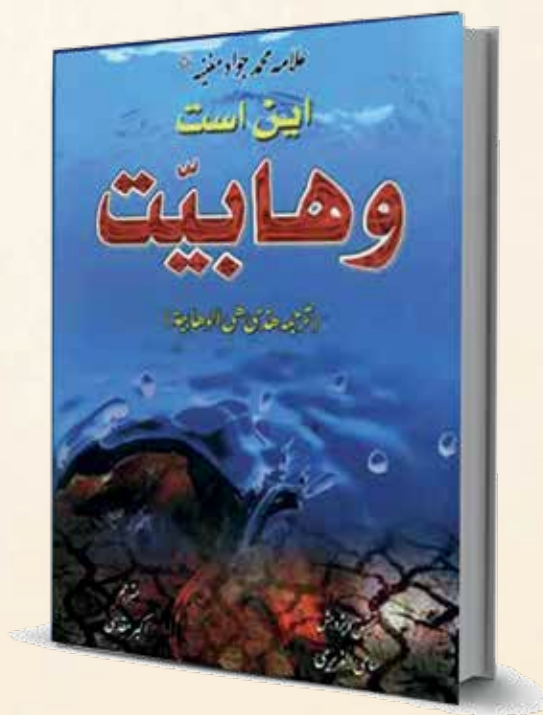
وی در پایان خاطرنشان کرد: یکی از امتیازات تفسیر «الکاشف» این است که علامه مغنیه تلاش کرده تا از ذکر اسرائیلیات (روایات و احادیثی که اساساً با عقل انسان و قرآن سازگاری ندارند) پرهیز کند، چراکه آنها را خرافه و اسطوره می‌داند و در تفسیر قرآن آنها را به کار نمی‌برد؛ چراکه این روایات و احادیث را خرافه و اسطوره دانسته و در نتیجه آنها را در تفسیر خویش کنار گذاشته است.



خاطر قرآن را مناسب برای همه زمان‌ها و همه مکان‌ها می‌دانست؛ همچنین، مرحوم مغنیه زمانی که جوانان هدف فرهنگ بیگانه و مورد هجوم استکبار جهانی قرار گرفته بودند، معتقد بود که باید برای جوانان به زبان خودشان قرآن را تفسیر کند و مراعات این نکته در تفسیر الکاشف از امتیازات آن به شمار می‌آید.

وی خاطرنشان کرد: بسیاری از مفسران قدیمی به لغت و ظاهر واژگان اهمیت می‌دادند و به عنوان مثال در بیان اسرار و این که چرا این کلمه به این شکل آمده؟ و اصلاً چرا این واژه استفاده شده؟ و معنای آن چیست؟ و غیره پرداخته‌اند؛ اما از آنجایی که هر تفسیری صیغه‌ای دارد، علامه مغنیه در تفسیر الکاشف در پی آن بود که در خواننده این قناعت را به وجود بیاورد که دین با همه اصول و فروع خود و سایر آموزه‌های آن برای انسان، خیر، سعادت و کرامت به همراه می‌آورد و هر کسی که از صراط قرآنی منحرف شود، از هدف اصلی و صراط مستقیم خود منحرف شده است. علامه مغنیه با این دید وارد تفسیر قرآن شدند.

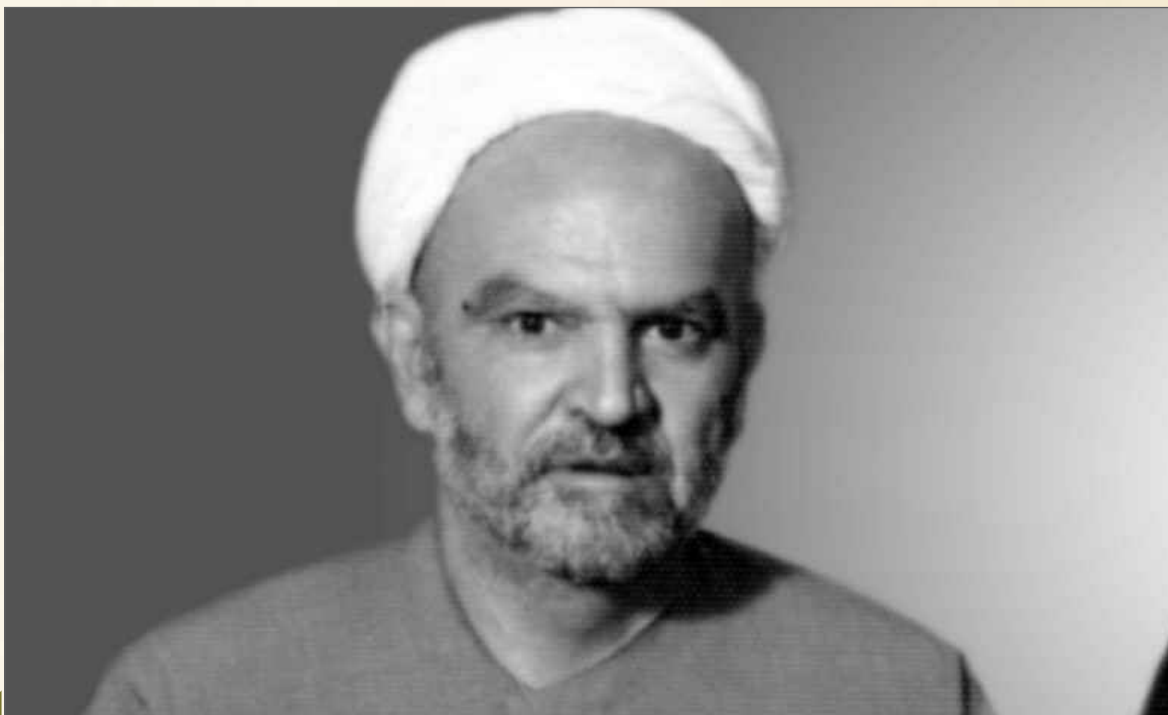
این پژوهشگر قرآنی اظهار کرد: یکی دیگر از تفاوت‌های تفسیر الکاشف با تفاسیر قدیم این است که معمولاً گذشتگان بیشتر به سراغ اسناد معتبر و روایاتی که در باب واجب و حرام است، رفته‌اند و در پی اثبات وجوب و ذکر منابع وجوب واجب بوده‌اند. گذشتگان معمولاً در مراجعه به روایات، مسائل اجتماعی را در نظر نمی‌گرفتند و با رعایت تسامح از این روایات استفاده می‌کردند که شیخ انصاری این شیوه را «تسامح در أدله سنن» می‌نامید، سنن



فصل سوم:
مغنیه؛ پیشگام عرصه تغییر، اصلاح و
وحدت در جهان اسلام

علامه مغنیه؛ پیشگام عرصه تغییر، اصلاح و وحدت در جهان اسلام

علامه شیخ محمدجواد مغنیه از پیشگامان عرصه تقریب مذاهب اسلامی و اتحاد و انسجام میان امت اسلامی بود و این عالم بزرگوار جهان تشیع، اندیشه‌های ارزشمندی برای تغییر و اصلاح ساختارهای حوزه علمیه در کشورهای اسلامی داشت.



جبل عامل در شهر بیروت برگزار شد. این همایش با هدف زنده نگاه داشتن میراث این علمای بزرگ، مجاهد و فیلسوف که خواهان ایجاد اتحاد و همدلی میان مسلمانان بودند، در سطح بین‌المللی برگزار شد. علامه محمدجواد مغنیه و شیخ عبدالله العلالی به ارائه نظریات وحدت‌گرا در جهان اسلام معروف هستند. این بزرگان در اندیشه، فرهنگ، فلسفه و ادبیات متخصص بودند و از زاویه‌های مختلف نظر پژوهشگران مسلمان را به خود جلب کرده‌اند. از جمله محورهای موضوعات مهمی که در این همایش مطرح و مورد بحث و بررسی قرار گرفت، عبارتند از: «وحدت اسلامی و تقریب»، «اصلاح و نوگرایی»، «زبان و ادبیات»، «فقه»، «تاریخ» و «کتاب و

علامه مغنیه از مفسران مشهور شیعی در دوره معاصر است که علاوه بر نگارش دو تفسیر ارزشمند «الکاشف» و «المبین»، تألیفات گران‌سنگی در حوزه فقه و اصول و مسئله تقریب میان امت اسلام، اصلاح ساختار حوزه‌های علمیه و مبارزه با رژیم غاصب صهیونیست داشت. در این نوشتار تلاش می‌شود، گزارشی از همایش بین‌المللی بزرگداشت دو رهبر بزرگ تقریب مذاهب اسلامی «علامه محمدجواد مغنیه» و «شیخ عبدالله العلالی» که در روزهای ۴ و ۵ فروردین‌ماه سال ۱۳۸۸ هجری شمسی در بیروت، پایتخت لبنان برگزار شد، ارائه شود. این همایش به همت مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی و با همکاری رایزنی فرهنگی جمهوری اسلامی ایران در لبنان و همچنین، تجمع علمای مسلمان و مؤسسه پژوهشی امام صادق (ع) درباره میراث علمای

سنت نزد این دو عالم بزرگوار». در محور نخست این همایش، مباحث و موضوعاتی همچون مفهوم وحدت اسلامی از نظر اصالت و چالش‌های پیش رو، مبانی و اصول وحدت اسلامی در قرآن کریم و سنت پیامبر به‌عنوان عوامل موفقیت تقریب میان مذاهب اسلامی بررسی شد و در پژوهشی، مهم‌ترین موانع پیش روی وحدت اسلامی مورد تحلیل قرار گرفت.

وحدت اسلامی از نگاه حضرت امام خمینی(ره) و حضرت آیت‌الله‌العظمی خامنه‌ای، رهبر معظم انقلاب اسلامی، ویژگی و ارتباط دارالتقریب قاهره و مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی در ایران بود که در این بخش، اهداف مشترک این دو مؤسسه تقریبی که در راستای خدمت به جنبش تقریبی معاصر فعالیت می‌کنند، مورد بررسی قرار گرفت.

مفهوم تقریب از نگاه علامه مغنیه در مقایسه با دیدگاه و رویکرد «شیخ محمدبن مکی الجزینی» و «شیخ زین‌الدین الجبعی»، تأسیس دارالتقریب بین‌المذاهب توسط علمای شیعه و سنی در قاهره و تجربه علامه العلالی در مصر و الأزهر، مطالعه مکتب‌های تقریبی و شیوه‌های تفکر آنان مانند شیخ طوسی، سید جمال‌الدین اسدآبادی، سید قطب، شهید صدر اول، شهید صدر ثانی، آیت‌الله‌العظمی بروجردی و برخی مشایخ الأزهر از دیگر موضوعاتی بود که در محور نخست این همایش مورد بحث و بررسی قرار گرفت.

محور دوم این همایش، اصلاح و نوگرایی توسط علامه مغنیه و علامه العلالی بود که پژوهش درباره سیره علمی اصلاح‌گرایانه علامه مغنیه و شخصیت وی، بحث و گفت‌وگو درباره زندگینامه علمی اصلاح‌گرایانه علامه العلالی، پژوهشی مستند درباره داده‌های علمی این دو دانشمند بزرگ، اصلاح دینی از نگاه این دو بزرگوار، دین و نقش آن در تأسیس دولت معاصر، حکومت‌داری اسلامی و تضمین حقوق اسلامی فردی و اجتماعی، امت اسلام و مسئله فلسطین؛ چالش‌های احیا و آزادسازی، نقش و جایگاه زن در جامعه اسلامی معاصر و نوگرایی غرب از دیدگاه علامه مغنیه و علامه العلالی از مطالب مطرح‌شده در چارچوب محور دوم این همایش بود.

«زبان و ادبیات» محور سوم این همایش بود که در آن موضوعاتی همچون زبان و ادبیات در خط مشی‌های نوین و اصالت‌گرایی نزد علامه العلالی، نظریات این دو اندیشمند در حوزه اصطلاحات و مفاهیم و آراء آنان در حوزه زبان‌شناسی که در این بخش اندیشه‌های علامه مغنیه و علامه العلالی با علمای معاصر مقایسه شده است و بررسی لغت‌نامه بزرگ علامه العلالی موضوع پایانی محور سوم این همایش بود.

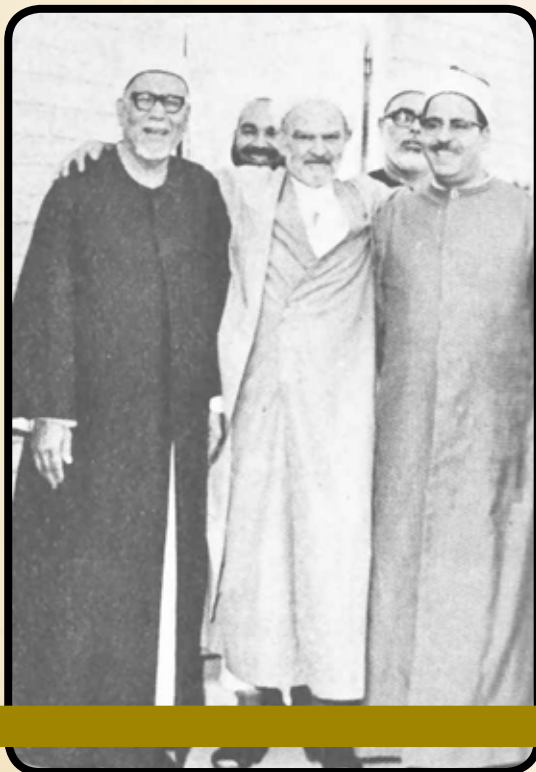
محور چهارم همایش بین‌المللی بزرگداشت علامه مغنیه و علامه العلالی، فقه بود که در آن فقه موضوعی و برخی مسائل و مشکلات اجتماعی مسلمانان در زمینه ازدواج، فقه مقایسه‌ای با هدف بررسی دو کتاب «فقه الامام جعفر الصادق(ع)» و «الفقه علی المذاهب الخمسة» علامه مغنیه و تبیین رشد و نمو و مراحل این فقه، علامه مغنیه و علامه العلالی نوگرایان عرصه فقه در سایه فهم متن، ایرادهای وارده بر مفهوم دولت و حکومت‌داری اسلام، ولایت فقیه از نظریه تا عمل و نقش زمان و مکان در اجتهاد نزد این دو عالم بزرگوار از دیگر مطالبی بود که در این همایش مطرح شد.

موضوع پنجم این همایش تاریخ بود که در آن اصالت‌گرایی و نوگرایی تاریخی نزد دو علامه بزرگوار، بررسی کتاب علامه العلالی در مورد «تاریخ امام حسین(ع)» برای فهم موضوعی تاریخ، تحلیل قضایای تاریخی توسط علامه العلالی، روش عقلی برای درک تاریخ نزد علامه مغنیه، خوانشی معاصر از تاریخ اسلام قدیم و مقایسه تاریخ عربی و اسلامی مورد بحث قرار گرفت.

ششمین و آخرین محور مورد بحث در این همایش، توجه این دو علامه بزرگوار به قرآن و سنت پیامبر بود که بحث ثوابت قرآن و سنت، احادیث مشترک و نقش آنان در وحدت و تقریب، سنت در پرتو پژوهش‌های کاربردی، حفظ قرآن کریم از تحریف و مفهوم ملیت و قومیت از دیدگاه اسلامی و مطابق با قرآن و سنت از جمله موضوعات آن بود.

در مراسم افتتاحیه این همایش که در سالن یونسکوی وزارت علوم لبنان با حضور شخصیت‌های سیاسی، لشکری، کشوری، علمای مسیحی و مسلمان لبنان و شخصیت‌های فرهنگی از کشورهای سوریه، فلسطین، اردن، عراق، عربستان سعودی، کویت و ایران حضور داشتند، «آیت‌الله محمدعلی تسخیری»، دبیرکل سابق مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی و «نبیه بری»، رئیس مجلس شورای لبنان، سخنرانی کردند.

شبکه‌های تلویزیونی «المنار» و «NBN» به صورت مستقیم برگزاری ۲ روز همایش را در لبنان به تصویر کشیدند و پوشش خبری روزنامه‌های معتبر لبنان (السفیر، النهار و الدیار...) نشانگر اقبال عمومی از موضوعیت همایش در این لبنان بود.





محقق شیعی عربستان:

نظریات فقهی علامه مغنیه در تفسیر «الکاشف» مبتنی بر واقع‌گرایی است

قواعد فقهی، آراء، نظریات مختلف و مباحث کلامی در تفسیر «الکاشف» اثر مرحوم علامه شیخ محمدجواد مغنیه بسیار پررنگ و آراء فقهی وی در این تفسیر، مبتنی بر واقع‌گرایی است.

بیانی شفاف، واضح و مبتنی بر واقعیت‌گرایی، توانست تفسیری جوان‌پسند ارائه دهد.

علامه شیخ حسین المصطفی تصریح کرد: نخستین ویژگی که بر کتاب‌ها و تألیفات علامه مغنیه غلبه دارد، موضوعات تخصصی و عمومی است و علامه مغنیه هدف از نگارش آثار ارزشمند خود به‌ویژه تفسیر «الکاشف» و «المبین» را مخاطب قرار دادن نسل جوان می‌داند و تنها در بخش‌های اندکی از تحقیقات و پژوهش‌های خود، اندیشمندان و پژوهشگران را مخاطب قرار داده است؛ به همین خاطر، زبان نوشتاری وی ساده و شفاف و به‌دور از پیچیدگی است.

علامه شیخ حسین المصطفی، دانش‌آموخته حوزه علمیه قم، استاد حوزه علمیه قطیف و از نویسندگان و محققان شیعی عربستان با اعلام این مطلب گفت: از آنجا که من از کتاب‌ها و تألیفات شیخ محمدجواد مغنیه، الهام گرفته و از معارف و علوم سرشار ایشان بهره برده‌ام، برای بررسی اندیشه‌های فرهنگی و فکری ایشان لازم است، ابتدا بارزترین ویژگی‌های این مفسر برجسته شیعی و روش علمی وی را بیان کنم.

استاد حوزه علمیه قطیف افزود: علامه مغنیه از معدود مفسرانی بود که گفتمانی پویا و جوان‌پسند را در روش تفسیری خود به کار برد و در تفسیر الکاشف با بهره‌گیری از زبان و واژگان ساده و اتخاذ

وی خاطرنشان کرد: بدون شک، علامه شیخ محمدجواد مغنیه نقش سازنده و روشنگرانهای در جامعه داشت و از پیشگامان جنبش اصلاح دینی در جهان اسلام بود، هرچند در آثار و تألیفاتی که در سال‌های گذشته درباره این مفسر جلیل‌القدر نوشته شده، جانب انصاف رعایت نشده است.

این اندیشمند شیعی عربستان تصریح کرد: ملاحظه می‌کنیم که علامه مغنیه در تمامی کتاب‌ها و تألیفات خود، جنبش‌های بیداری، اصلاح‌گرایانه و روشنفکری در زمینه‌های مختلف فرهنگی و تفسیری را با رویکردی عقلانی بررسی می‌کند و ایشان در اواخر عمر خود به نگارش آثار قرآنی روی آورد و با نوشتن تفسیر «الکاشف» و تفسیر «المبین»، اواخر زندگی خود را به بررسی موضوعات قرآنی اختصاص داد.

شیخ حسین المصطفی درباره روش تفسیری علامه مغنیه گفت: در بررسی روش هر تفسیر، بدون شک خواهیم یافت که مفسر برای این کار ابزارهای علمی دارد که این ابزارهای علمی، عناصر روش تفسیری برای مفسر را نشان می‌دهد و هنگامی که به بررسی عناصر روش تفسیر علامه مغنیه می‌پردازیم به اهمیت واقعیت‌گرایی در منظومه فکری و روش تفسیری ایشان پی می‌بریم، به طوری که وی مباحث و آرای فقهی را با رویکرد واقعی بررسی می‌کند.

این محقق عربستانی گفت: فرایند اندیشه شیخ محمدجواد مغنیه مبتنی بر واقعیت بوده و به این دلیل است که مسائل واقعی و روز جامعه در تفسیر الکاشف بارز و نمایان است و شیخ مغنیه به‌عنوان یک فقیه و مفسر با تکیه بر متن قرآن کریم استدلال‌هایی ارائه می‌دهد و با تبیین تجربه تفسیری خود، به واقعیت جامعه خدمت می‌کند که شاید این حدیث امام صادق (ع) «العالم بزمانه لاتهجم علیه اللوابس» (کسی که زمان خود را بشناسد، آماج اشتباهات قرار نمی‌گیرد) (بحار الانوار، ج ۶۸، ص ۳۰۷) مبین همین مطلب است.

وی گفت: این واقع‌نگری علامه مغنیه نسبت به متن قرآن کریم در آن زمان و پرداختن به تفسیر قرآن کریم به وضوح و بدون شک با راه و روش علمی حوزه‌های علمیه در آن زمان مغایرت داشت، زیرا شرایط قبل از پیروزی انقلاب اسلامی ایران بدین گونه بود که فقیه تنها فقیه مت‌به‌ن قرآن کریم بود و اگر می‌خواست سوی واقعیت‌گرایی و تطبیق آموزه‌های قرآن با واقعیت‌های اجتماعی حرکت کند، باید خود را در چارچوب قید و بندهای حوزوی قرار می‌داد، به این خاطر ملاحظه می‌کنیم که فقیه در دهه‌های گذشته، موانعی را در راه پرداختن به واقعیت می‌دید و تنها به متن قرآن و علوم دینی می‌پرداخت و از واقعیت‌گرایی دوری می‌کرد.

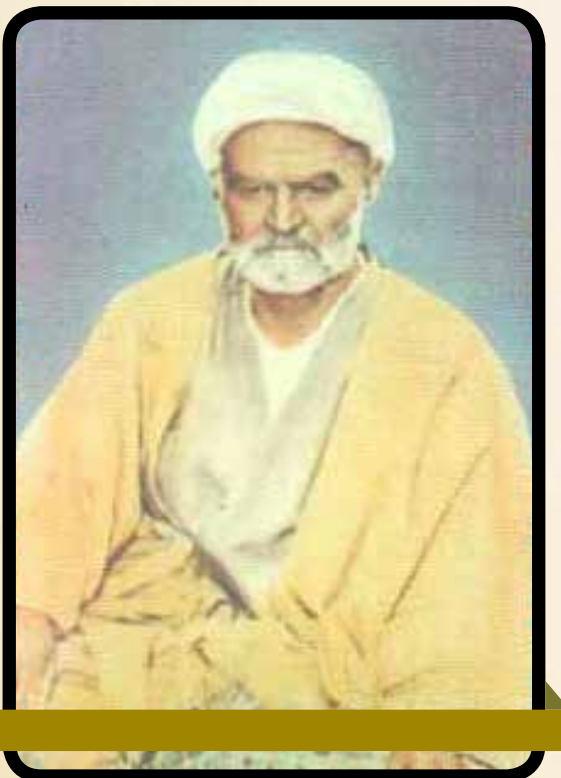
علامه شیخ حسین المصطفی در ادامه این گفت‌وگو، بیان واضح و شفاف را از دیگر ویژگی‌ها و امتیازات علامه مغنیه دانست که این شفافیت مبتنی بر دو عنصر آسان‌سازی و ساده‌سازی زبانی است، به طوری که در نوشته‌ها و تألیفات ایشان مشاهده می‌شود که آثار وی پیچیده نبوده و گفتمانی برای مخاطب قراردادن نخبگان نیست، بلکه نوشته‌های وی شفاف و واضح و در محافل علمی و حوزه علمیه آن زمان کم‌نظیر است؛ مرحوم مغنیه حتی در کتب علمی و تخصصی خود نیز در جهت استفاده از زبان ساده مبالغه کرده و می‌توان گفت پدیده‌ای همانند ایشان در حوزه‌ها و محافل

نویسندگان شیعی کم‌نظیر است. وی اظهار کرد: هرچند گروهی بر روش ساده و زبان نوشتاری علامه مغنیه خرده گرفتند و مدعی بودند که استعمال این زبان و واژگان ساده در برخی علوم به ویژه علوم حوزوی، علم اصول و فقه انسان را مضطرب می‌کند و علامه مغنیه در تفسیر الکاشف در فرآیند آسان‌سازی برخی افکار و دیدگاه‌ها مبالغه کرده است، به طوری که برخی مواقع از مثال‌های روزمره استفاده می‌کند که به روش روزنامه‌نگاری نزدیک‌تر است و علامه مغنیه به شیوه خود قرآن که آسان و قابل فهم برای همگان است، به بررسی موضوعات می‌پردازد.

این نویسنده و محقق شیعی گفت: من با توجه به اطلاعاتی که از این تفسیر دارم، آن را تفسیری دینی هدفمند برای جوانان می‌دانم، اما با این وجود نمی‌توان گفت که تفسیر الکاشف گامی پیشرفته، کامل و جامع بوده و دارای زمینه علمی است.

علامه مغنیه در تفسیر «الکاشف» بر آن است تا واقعیت‌های روز جامعه را بر اساس مفاهیم و آموزه‌های قرآن تحلیل و الگویی کامل و شیوه‌ای تربیتی را ارائه کند، به همین خاطر وی از روش سنتی تفسیری دوری کرده و این تفسیر بیشتر جنبه موعظه‌گری دارد.

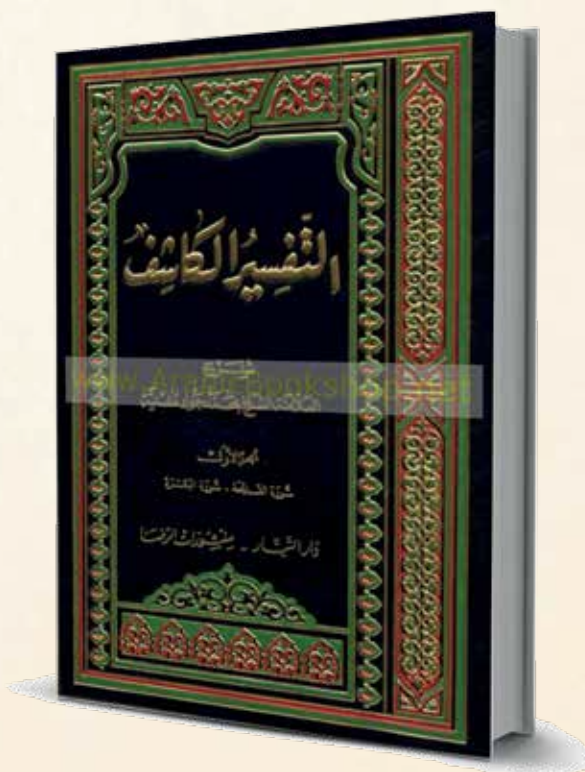
وی اظهار کرد: علامه مغنیه در روش تفسیری خود در الکاشف و المبین با به‌کارگیری شفافیت و صراحت، توانست سبک خود را نسبت به دیگر مفسران متفاوت‌تر کند و این شفافیت در الکاشف به حدی است که گویی خواننده با علامه مغنیه گفت‌وگو می‌کند، زیرا برخی مواقع مرحوم مغنیه در تشریح و بیان مسئله‌ای، تجربه‌های



این استاد حوزه علمیه قطیف در پایان گفت: تفسیر الکاشف علامه مغنیه مشتمل بر دیدگاه‌ها و اندیشه‌های مهمی است و ویژگی و ماهیت نقدی همچون سایر تألیفات و نوشته‌های علامه مغنیه، بر تفسیر وی نیز غلبه دارد. مهم‌ترین دغدغه علامه مغنیه این بود که آثار وی سازنده و روشنگرانه باشد و جنبه اصلاح‌گرایانه در تمامی نوشته‌ها و تألیفات ایشان حتی در کتاب‌های فقهی تخصصی نمایان است.

گفتنی است، علامه شیخ حسین المصطفی در سال ۱۹۶۲ میلادی در شهر قطیف عربستان متولد شد، وی در سال ۱۴۰۲ هجری قمری برای تحصیل در علوم حوزوی به شهر مقدس قم آمد و در سال ۱۴۰۷ هجری قمری برای ادامه تحصیلات به حوزه علمیه نجف رفت و همچنین، در سال ۱۴۱۶ هجری قمری بار دیگر برای تکمیل تحصیلات حوزوی خود به قم آمد و پس از آن در سال ۱۴۱۹ هجری قمری به قطیف برگشت و از آن زمان تاکنون در حوزه علمیه این شهر در سطوح عالی فقه و اصول و علم درایت (متون حدیث) به تدریس مشغول است.

وی در مدت اشتغال به تحصیل در شهر قم، «مرکز دارالمصطفی للتراث» را با هدف بررسی میراث علما و محققان شیعی در منطقه قطیف و احساء عربستان تأسیس کرد و پژوهش‌ها و تحقیقات ارزشمندی با این موضوع تدوین شد، وی هم‌اکنون استاد سطوح عالی حوزه علمیه قطیف عربستان است و در همایش‌های داخلی و خارجی زیادی شرکت کرده است.



شخصی خود را نیز بیان می‌کند و این فرصت را به خواننده می‌دهد که با افکار و اندیشه‌های وی آشنا شود.

وی افزود: این زبان شفاف و ساده علامه مغنیه سبب می‌شود که فاصله میان اندیشه‌های نویسنده و رویکرد و برداشت مخاطب و خواننده کمتر شود، به طوری که خواننده را قادر می‌سازد به شکل مستقیم با نوشته‌های ایشان در ارتباط باشد.

علامه شیخ حسین المصطفی تصریح کرد: ملاحظه می‌کنیم که نسل جوان در ۲۵ یا ۳۰ سال گذشته، به‌ویژه جوانان کشورهای حوزه خلیج فارس، به نوشته‌های علامه مغنیه بسیار علاقه‌مند بودند و نزدیکی اندیشه‌ها و افکار نویسنده به جوانان و جوان بودن تفسیر را به وضوح در الکاشف و المبین می‌توان دید.

وی خاطر نشان کرد: علامه مغنیه در بیان تفسیر الکاشف، گویی که به صورت تدریجی حرکت می‌کند و چگونگی شکل‌گیری یک تفکر را برای خواننده شرح می‌دهد، بنابراین وی در رساندن دیدگاه‌ها و اندیشه‌های خود به خوانندگان به روش ساده‌نویسی تکیه کرده و در حقیقت، مرحوم مغنیه عالم به علم تفسیر قرآن کریم بود و این ویژگی را در دیگر تفاسیر حتی مفسران بعد از علامه مغنیه مشاهده نمی‌کنیم.

علامه شیخ حسین علی المصطفی در پاسخ به این که چرا علامه مغنیه در روش تفسیری خود توجه چندانی به جنبه‌های بلاغت و فصاحت نداشته است؟، گفت: همانطور که قبلاً ذکر کردم، یکی از ویژگی‌های روش تفسیری علامه مغنیه، مبالغه در فرآیند آسان‌سازی برخی افکار و دیدگاه‌ها است، به طوری که تفسیر ارزشمند ایشان از برخی موضوعات مهم به‌دور است. علامه مغنیه در تفسیر الکاشف و المبین از قواعد صرفی و نحوی و جنبه‌های بلاغی دوری کرده است و به این موضوع اشاره دارد که به‌کارگیری این موضوعات، مانع شکل‌گیری گفتمانی به‌روز و مطابق با مقتضیات معاصر می‌شود و همین سبک نوشتاری وی در تفسیر الکاشف، آن را تفسیری دینی هدفمند برای جوانان کرده است که آنان را مستقیماً خطاب قرار می‌دهد، اما با این وجود نمی‌توان گفت که تفسیر الکاشف گامی پیشرفته و کامل در زمینه تفسیر است.

این محقق قرآنی شیعی در بخش دیگری از این گفت‌وگو درباره به‌کارگیری اصطلاحات علمی در تفسیر الکاشف علامه مغنیه اظهار کرد: علامه مغنیه نمی‌خواهد مطلب و موضوعات روز جامعه را بیش از آنچه گنجایش دارد، بر متن تحمیل کند و در حقیقت تفسیر الکاشف علامه مغنیه بیشتر جنبه موعظه‌گری دارد و ایشان خواهان ارائه زندگی کامل و شیوه تربیتی با استخراج این مفاهیم از آیات و تحلیل واقعیت‌های روز جامعه براساس مفاهیم آموزه‌های قرآن است و به همین خاطر علامه مغنیه از روش سنتی تفسیری دوری کرده است.

وی در ادامه این گفت‌وگو اظهار کرد: ویژگی و صبغه نقدی در نوشته‌های شیخ علامه مغنیه غلبه دارد و نوشته‌ها و تألیفات ایشان حتی در تفسیر الکاشف دارای صبغه نقدی است و در زمینه تحلیل و بررسی مسائل مختلف دینی، اجتماعی و موضوعات مذهبی، صبغه و ماهیت نقدی را حفظ می‌کند.



علامه شیخ علی حسن خازم:

عنصر «اقناع» رنگ غالب در تفسیر «الکاشف» علامه مغنیه است

با توجه به این که علامه شیخ «محمدجواد مغنیه» در تفسیر «الکاشف» تلاش کرده است به نیازهای نسل جدید پاسخ دهد و آنان را قانع سازد که هدف دین با تمام اصول و فروغش، سعادت و کرامت انسان است، می توان گفت که عنصر «اقناع» رنگی غالب در این تفسیر است.

بود که خوانندگان را به مباحث شیعی و حوزوی محدود نکند و آن‌ها را با جنبه‌های مختلف علمی و علوم و معارف سایر ادیان آشنا کند. شیخ علی حسن خازم تصریح کرد: علامه مغنیه علاوه بر دقت علمی و ذاتی که داشت، به‌طور حتم از تجربه کوتاه خود در آموزش دانشگاهی نیز استفاده کرد و اصول فقه را در گروه فلسفه دانشگاه لبنان که هم‌زمان با نگارش تفسیر الکاشف بود، تدریس کرد، و همچنین گستردگی اطلاعات و دانش ایشان سبب شد که مشکلات و موانعی را که سبب دور شدن جوانان از دین بود، به خوبی درک کند و در صدر رفع این موانع برآید که در نوشته‌ها و آثار انقلابی ایشان که نماد روح حقیقی علامه مغنیه است، منعکس شده است.

عضو مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی در ادامه گفت: علامه مغنیه از طریق گفتمان علمی و نوشته‌های خود، به مبارزه با ظلم و ستم فئودالیسم و استبداد سیاسی پرداخت و همچنین، حمایت از انقلاب اسلامی ایران و قبول سخنرانی در مراسم چهلم شهادت سیدمصطفی خمینی (ره) از مسائلی است که روح انقلابی ایشان را نشان می‌دهد؛ این در حالی است که بسیاری از علما و شخصیت‌های دینی به علت محافظه‌کاری از سخنرانی کردن در مراسم چهلم شهادت سیدمصطفی خمینی (ره) خودداری کردند. علامه علی حسن خازم در پاسخ به این که آیا علامه مغنیه در تفسیر الکاشف توانسته است به نیازها و خواسته‌های جوانان نسل جدید پاسخ دهد؟ گفت: در حقیقت، علامه مغنیه به خوبی توانست با وجود تمامی مشکلاتی که در آن زمان وجود داشت، به خواسته‌های جوانان معاصر خود پاسخ دهد و این به معنای این نیست که تفسیر ایشان از نظر علمی تهی است، بلکه همان‌طور که ایشان گفته است تفسیر، فن و هنری است

علامه شیخ علی حسن خازم در سال ۱۹۵۶ در لبنان متولد شد و هم‌اکنون مدرس، پژوهشگر و استاد درس خارج فقه و اصول حوزه علمیه در لبنان است و عضویت سابق در انجمن علمای جبل عامل لبنان، عضو مؤسس در مجمع علمای مسلمان لبنان، عضویت در مجلس اعلای اسلامی شیعی لبنان، عضویت در انجمن «علماء بلاد الشام»، عضویت در مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی و عضویت در شورای بین‌المللی زبان عربی لبنان از جمله فعالیت‌های دینی و فرهنگی وی به شمار می‌آید.

علامه خازم درباره رنگ اقناعی تفسیر الکاشف علامه مغنیه و همچنین توانایی ایشان در پاسخگویی به خواسته‌های نسل جوان ضمن بیان مطلب فوق افزود: علامه مغنیه روش تفسیری خود در الکاشف را روش اقناعی و پاسخ به خواسته‌ها و نیازهای نسل جوان قرار داد و ایشان محور دین را اهتمام به بشر و نیازها و احتیاجات روحی، روانی و مادی انسان و نیز از بین بردن مشکلاتی که بشر را از سعادت دور می‌کنند، دانسته است. وی افزود: در هر تفسیری رنگ و شیوه خاصی غلبه دارد و عنصر «اقناع» در تفسیر الکاشف غالب است؛ مرحوم مغنیه در این تفسیر تلاش دارد که جوانان را با این مسئله اقناع کند که هدف دین با تمامی اصول و فروغ آن، سعادت و کرامت انسان است و منحرف شدن از این هدف را به مثابه انحراف از حقایق دین و مسیر محکم زندگی می‌داند و برای رسیدن به این هدف، تمامی تلاش خود را برای نوشتن تفسیری به شیوه ساده و واضح انجام داد.

این پژوهشگر لبنانی در ادامه خاطر نشان کرد: در حقیقت، تلاش شیخ مغنیه در تمامی نوشته‌ها و آثارش و در تمامی زمینه‌های علمی، رساندن و فهماندن مطلب به صورت دقیق به خواننده است. وی پیوسته در تلاش

که باید در نگارش آن شرایط محیطی و مقتضیات زمان را در نظر گرفت. عضو تجمع علمای مسلمان لبنان در ادامه گفت: علامه مغنیه، در تفسیر و نوشته‌های خود بیشتر جوانان را مورد خطاب قرار داده است و علت انحراف برخی جوانان را نتیجه اوضاع فاسدی می‌داند که این جوانان در آن رشد کرده‌اند. مرحوم مغنیه با ارزیابی اوضاع و شرایط، درک صحیحی از جوانان پیدا کرد که سبب نزدیکی به قشر جوان جامعه شد و به همین خاطر، آثار و نوشته‌های ایشان با استقبال نسل جوان مواجه شده است. این استاد فقه و اصول حوزه علمیه در بخش دیگری از این گفت‌وگو افزود: مرحوم مغنیه نگاه کردن به نسل جدید با بُعدی جدا از جامعه و محیط را کاملاً خطا می‌داند و بدین خاطر ملاحظه می‌کنیم که ایشان هرگز به تنهایی به بررسی پدیده انحراف از ارزش‌های دینی و چگونگی اصلاح آن نپرداخته است و آن را مسئولیتی مشترک که بیش از یک فرد متخصص باید به آن پردازد، دانسته است.

علامه شیخ علی خازم در ادامه بر این باور است که مرحوم مغنیه محور دین را اهتمام به بشر و توجه به نیازها و احتیاجات روحی، روانی و مادی او و نیز از بین بردن مشکلاتی که بشر را از سعادت دور می‌کنند، دانسته و نیز معتقد است که انسان‌ها با پیروی از آموزه‌های قرآنی و تدبیر در معانی آیات، می‌توانند به زندگی سعادت‌مند که عدالت، صلح و دوستی بر آن حاکم است، دست پیدا کنند؛ همان‌طور که خداوند متعال در آیه ۲۴ سوره انفال می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اسْتَجِيبُوا لِلَّهِ وَلِلرَّسُولِ إِذَا دَعَاكُمْ لِمَا يُحْيِيكُمْ وَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ يَحُولُ بَيْنَ الْمَرْءِ وَقَلْبِهِ وَأَنَّهُ إِلَيْهِ تُحْشَرُونَ» (ای کسانی که ایمان آورده‌اید چون خدا و پیامبر (ص) شما را به چیزی فراخواندند که به شما حیات می‌بخشد آنان را اجابت کنید و بدانید که خدا میان آدمی و دلش حایل می‌گردد و هم در نزد او محشور خواهید شد).

وی اظهار کرد: علامه مغنیه مسئولیت مفسر را در پیوند دین با زندگانی بشر و ایجاد راه‌حل برای مشکلات آن‌ها و اقناع خواننده به ارزش‌های دینی بسیار مهم می‌داند و بر این باور است که مفسران نباید به مشکلات و پیچیدگی‌های زبانی و نحوی گرفتار شوند، به‌طوری که فهم قرآن کریم را برای کسانی که خواهان درک مفاهیم آیات قرآن هستند، مشکل گردانند. علامه شیخ محمدجواد مغنیه با هدف خدمت به زندگی بشر به بررسی مسائل فقهی در تفسیر «الکاشف» می‌پردازد و در این راستا، با بررسی و مقایسه آرای فقهی، تنها به ذکر نظریات کاربردی بسنده می‌کند.

این نویسنده و پژوهشگر شیعی لبنان درباره جایگاه اصول و آرای فقهی در تفسیر الکاشف علامه مغنیه گفت: مرحوم مغنیه در تفسیر الکاشف، فقه را با دید خدمت به زندگی بشر به کار می‌برد و در این روش به بررسی آرای مقایسه‌ای فقه‌داران مسائل فقهی می‌پردازد و وجوه مختلف این مسئله را از دیدگاه قرآن کریم، روایات و سنت نبوی (ص) بررسی می‌کند. وی گفت: مرحوم مغنیه همچنین، اجماع فقها را بر ظواهر آیات ترجیح می‌دهد؛ همان‌طور که روش تفسیری ایشان در تفسیر آیه ۲۸۲ و ۲۸۳ سوره بقره به روش فلسفه فقه است، هرچند ایشان به این مسئله تصریح نکرده و زیاد به آن نپرداخته است و نیز در تفسیر آیات احکام به مقداری که هدف ایشان را در تفسیر کمک می‌نماید، بسنده کرده و بحث در باب این موضوعات را به کتب فقهی خود ارجاع می‌دهد.

وی افزود: علامه شیخ محمدجواد مغنیه داشتن اندیشه آگاه و تفکر روشن‌گرانه و مدبرانه در آیات قرآن کریم توسط مفسر را ابزاری اساسی و مهم برای نوآوری و ارائه اندیشه‌های جدید در زمینه تفسیر آیات قرآن کریم می‌داند و همچنین، بر اهمیت درک و فهم خاص خود مفسر از آیات

تأکید دارد.

شیخ علی حسن خازم در ادامه تصریح کرد: علامه مغنیه بر این باور است که مفسر برای فهم بهتر آیات قرآن باید از دانش و علوم مختلف و نیز تقوای دینی بهره‌گیرد و این شیوه را نوعی نزدیک شدن به درک و فهم متن قرآن کریم به شیوه عرفا می‌داند.

این نویسنده و قرآن‌پژوه لبنانی خاطر نشان کرد: علامه مغنیه در به‌کارگیری روش ترتیبی در تفسیر قرآن کریم، بر مسئله توقیفی بودن ترتیب آیات و سوره‌های قرآن کریم استناد می‌کند و ایشان معتقد است که ترتیب نزول سوره‌ها، هدفی را در خود دارد، هرچند که علامه به آن تصریح نکرده و همچون سایر مفسران، خواننده را به مسئله ارتباط آیات با همدیگر و مناسبت میان آیات مشغول نکرده است، به همین خاطر ایشان معتقد بود قرآن به‌طور یکجا بر پیامبر (ص) نازل نشده است.

این استاد درس خارج فقه و اصول حوزه علمیه در لبنان به سخنی از علامه مغنیه در این زمینه اشاره می‌کند که علامه مغنیه در تفسیر الکاشف از «شیخ محمد عبده»، صاحب تفسیر «المنار» نقل می‌کند که «قرآن کتاب فنی نیست که هر هدف و مقصد آن، باب خاص خود را داشته باشد، بلکه قرآن، کتاب هدایت و موعظه است و به جنبه‌های مختلف زندگی انسان می‌پردازد تا خوانندگان و شنوندگان از یک‌نواخت بودن آن خسته نشوند».

عضو مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی گفت: علامه مغنیه در بررسی آیات به روش تفسیر ترتیبی تنها به بررسی آیات قرآن کریم به صورت جزء جزء نپرداخت، بلکه ایشان به شیوه موضوعی نیز آیات قرآن کریم را تفسیر کرده است، اما تفسیر موضوعی را آن‌چنان که خواننده می‌پندارد، هدف اصلی خود در تفسیر قرآن کریم قرار نداده است.

چنانچه علامه مغنیه معتقد است: «استفاده از شیوه ترتیبی در تفسیر قرآن کریم به معنای این نیست که من از جنبه‌های مهم و مفیدی که مفسران بزرگ به آن پرداخته‌اند، غافل مانده‌ام، بلکه من آن‌ها را به‌طور خلاصه و به‌صورت واضح بیان کرده‌ام و علاوه بر آن نظر شخصی خود را نیز ارائه دادم، به‌ویژه در زمینه مسائل فلسفی مانند جبر و اختیار، هدایت و گمراهی و امامت و عصمت انبیاء به تبیین آراء و اندیشه‌های خود پرداخته‌ام».

شیخ علی خازم در ادامه این گفت‌وگو خاطر نشان کرد: علامه مغنیه در تفسیر «المبین» نیز از روایات برای اهداف مختلف بهره می‌گیرد؛ وی با هدف تعیین اسباب نزول، تفسیر آیات و تبیین مبهمات قرآن از روایات بهره برده است و همچنین از ذکر بسیاری از روایات اسباب نزول به دلیل عدم بررسی دقیق علما در اسناد و منابع، خودداری کرده است.

وی در پایان گفت: علامه مغنیه بر التزام خود در به‌کارگیری حدیث صحیح در تفسیر آیات قرآن و مقدم دانستن آن بر فهم و استنباط مفسر تأکید کرده، زیرا به نظر ایشان سنت، ترجمان آیات کتاب الهی است.

از جمله آثار و تألیفات شیخ علی حسن خازم می‌توان به کتب «مؤتمر علماء الاسلام: إيقاد القدس و نصره الشعب الفلسطيني، تکلیف شرعی و واجب جهادی»، «فتاوی علماء الإسلام فی مسائل جهادیة و حکم العملیات الاستشهادیة»، «مدخل الی علم الفقه عند المسلمین الشیعة»، «تجمع العلماء المسلمین فی لبنان؛ تجربه و نموذج»، «تحقیق رساله فی قواعد العقائد، الخواجه نصیر الدین الطوسی»، «الکلام و العرفان؛ الشهد مرتضی مطهری»، «أربعون حدیثاً فی الأخوة بین المؤمنین»، «السنه و الشیعه مسلمون» و «سبع رسائل فی الإرث بین السنه و الشیعه» اشاره کرد.

امام جمعه ناصریه عراق:

علامه مغنیه در تجدد فکری از اندیشه‌های نوگرایانه آیت‌الله بروجردی بهره برد

علامه شیخ محمدجواد مغنیه در بسیاری از مسائل و موضوعات از جمله تجدد فکری و تحقق وحدت اسلامی از اندیشه‌های نوگرایانه آیت‌الله بروجردی و شهید صدر بهره برد و ایشان پیوسته نوگرایی در افکار و تجدد در عرصه‌های مختلف فکری و فقهی را می‌ستود.



را برای دیدار میان الباقوری با علمای شیعه با هدف تحقق وحدت میان علمای مسلمان و آغاز نهضت جدیدی برای توسعه همکاری و تحکیم اتحاد و همبستگی مسلمانان مهیا کرد. الناصری تصریح کرد: در کنار این تلاش‌های مستمر، علامه مغنیه کتاب «المختصر النافع» را تألیف کرد و آن را به مدیر وقت دانشگاه الأزهر داد تا بر آن مقدمه‌ای بنویسد. الباقوری بر این کتاب ارزشمند مقدمه‌ای نوشت و تمامی مراکز علمی و فرهنگی جهان اسلام را ملزم کرد تا اندیشه اهل بیت(ع) را در کنار دیگر مذاهب اسلامی تدریس کنند و این تنها یکی از فعالیت‌های بسیار مهم علامه مغنیه

آیت‌الله شیخ محمد باقر الناصری، از علمای بزرگ جنوب عراق و امام جمعه شهر ناصریه این کشور، با اشاره به این که علامه شیخ محمدجواد مغنیه در جهت تحقق وحدت اسلامی گام‌های مؤثری برداشت، گفت: مرحوم مغنیه همواره با علمای اهل تسنن دوست و در ارتباط مستمر با آن‌ها بود. وی افزود: هنگامی که آیت‌الله‌العظمی بروجردی از «احمد حسن الباقوری»، مدیر وقت دانشگاه الأزهر، برای سفر به شهر مقدس قم دعوت کرد، علامه مغنیه به مدت دو ماه همراه الباقوری بود و وی را در تمامی نشست‌ها همراهی کرد. مرحوم مغنیه در قم زمینه‌ای

در زمینه تحقق وحدت اسلامی و دفاع از مذهب تشیع بود. امام جمعه شهر ناصریه عراق در ادامه تأکید کرد: تلاش‌های علامه در جهت تحقق وحدت اسلامی ثمرات بسیار داشت که از جمله آن می‌توان به انتشار یک دایرةالمعارف اسلامی در مصر اشاره کرد که این دایرةالمعارف حاوی موضوعاتی در مورد اهل بیت(ع) است. وی خاطر نشان کرد: علامه مغنیه همچنین، پرچمدار وحدت اسلامی و از مهم‌ترین دعوت‌کنندگان به آن به شمار می‌آید؛ ایشان پس از رایزنی‌های بسیار با شیخ وقت الأزهر توانست رویکرد و خط مشی واحدی را میان علمای اهل تسنن و علمای شیعه برقرار سازد که تبعیت از این خط مشی واحد، برای سه دهه ادامه داشت. الناصری یادآور شد: در اواسط قرن ۲۰ میلادی، جنبش‌هایی برای تحکیم و تحقق وحدت در کشورهای اسلامی به وجود آمد که علامه محمدجواد مغنیه یکی از رهبران و سران جنبش وحدت‌خواهی لبنان بود؛ در پی شکل‌گیری این جنبش‌ها، امت اسلام در سرتاسر جهان احساس نزدیکی کردند و شکل‌گیری و

علما با تکیه بر باورها و ارزش‌های دین مبین اسلام، مسلمانان را با راه‌های تحکیم و تقویت وحدت اسلامی آگاه و عقاید انحرافی جنبش‌های افراطی و انحرافی همچون وهابیت را برای مسلمانان تبیین کردند و به هیچ وجه حاضر نبودند تا اختلافات کوچک را بر وحدت اسلامی ترجیح دهند.

وی در ادامه گفت: علامه مغنیه در مورد مکتب اهل بیت(ع) به‌صورت هدفمند و بسیار واضح و شفاف قلم‌فرسایی کرد و در مورد علما نیز چنین بود، مرحوم مغنیه هنگامی که روایت‌های اهل بیت(ع) یا نظرات علما را مطرح می‌کرد با کمال دقت، امانتداری و بر اساس نظم موضوعی، نظرات مذاهب دیگر را در کنار آن‌ها مطرح می‌کرد؛ علامه این خط مشی خود را همواره و به بهترین وجه پی‌گیری کرد؛ همچنین، علامه مغنیه در مورد مکتب اهل بیت(ع)، اندیشه‌های عمیقی داشت و در این راستا کتاب‌های مهمی را به رشته تحریر درآورد.

این شاگرد آیت‌الله‌العظمی شهید صدر در مورد تجددخواهی و رویکردهای نوگرایانه علامه مغنیه گفت: علامه شیخ محمدجواد مغنیه در بسیاری از مسائل و موضوعات از جمله تجدد فکری و تحقق وحدت اسلامی از اندیشه‌های نوگرایانه آیات عظام بروجردی و سیدمحمدباقر صدر بهره برد و ایشان پیوسته نوگرایی در افکار و خط مشی‌ها و تجدد در عرصه‌های مختلف فکری و فقهی را می‌ستود.

آیت‌الله شیخ محمد باقر الناصری در پایان خاطر نشان کرد: امیدوارم در آینده کسانی که خواهان انجام تحقیق و پژوهش در مورد علامه مغنیه هستند، بیشتر تجددخواهی ایشان را در نظر گیرند و زمینه شباهت‌های اندیشه علامه مغنیه و شهید صدر را بیشتر مدنظر داشته باشند. می‌توان با جرئت گفت که با بهره‌گیری از اندیشه و افکار علامه مغنیه می‌توان میان بیروت، قاهره، قم و نجف پل‌های ارتباطی ساخت و این حوزه‌های مهم دینی و فرهنگی را به هم متصل کرد.

آیت‌الله شیخ محمدباقر الناصری در سال ۱۹۳۱ میلادی در شهر ناصریه عراق متولد شد؛ وی از شاگردان برجسته آیت‌الله‌العظمی شهید سید محمدباقر صدر بود و هم‌اکنون خطیب و امام جمعه شهر «ناصریه» عراق است، وی در فرآیند اصلاحاتی که شهید صدر در ساختار حوزه علمیه پیشنهاد داد، حضور فعالی داشت و از اندیشه‌های شهید صدر تأثیر بسیاری گرفت و تا به امروز می‌توان وی را حامل دغدغه‌های شهید صدر در بسیاری از جهت‌های حوزه علمیه دانست.

وی در سال ۱۹۷۹ میلادی پس از شهادت آیت‌الله‌العظمی شهید سید محمدباقر صدر به علت فشار حکومت بعث از عراق خارج شد و تا سال ۲۰۰۳ میلادی در لندن و سوریه زندگی کرد، «مختصر مجمع البیان فی تفسیر القرآن»، «دراسات فی التاریخ الإسلامی» (مطالعاتی در تاریخ اسلام)، «الإمام علی(ع) و نظام الحکم فی الإسلام» (امام علی(ع) و حکومت در اسلام)، «التفسیر المقارن»، «التفسیر الموضوعی للقرآن» و «صور دامیة من تاریخ الشیعة والتشیع» (تصاویری خونین از تاریخ شیعه و تشیع) از جمله تألیفات وی به شمار می‌آید.



تأسیس این جنبش‌ها به خوبی نشان داد که آنچه تفرقه میان مسلمانان محسوب می‌شود، در قبال تلاش علمای بزرگی چون علامه مغنیه برای تقریب مذاهب اسلامی و وحدت مسلمانان بسیار ناچیز و بی‌ارزش است. استاد حوزه علمیه شهر ناصریه عراق در ادامه اضافه کرد: در زمان حیات علامه مغنیه، وحدت اسلامی در اوج خود به سر می‌برد و



مترجم تفسیر «الکاشف» به فارسی:

رد عقاید خرافی و استناد به پایه‌های علمی، وجه تشابه «الکاشف» و «المیزان» است

تفسیر «الکاشف» علامه شیخ محمدجواد مغنیه و تفسیر «المیزان» علامه طباطبائی دو اثر ارزشمندی هستند که عقاید خرافی را رد و بر پایه‌های علمی، آیات قرآن را تفسیر می‌کنند و در هر دو، قرآن نه به‌عنوان کتابی صرفاً دینی، بلکه به‌عنوان یک قانون اجتماعی معرفی می‌شود.

دارد؛ زیرا تفسیری چندبعدی است که هم درباره صرف و نحو و اعراب کلمات بحث کرده و هم جمله‌های مشکل قرآن را تجزیه و ترکیب و واژه‌ها را معنا می‌کند و از نظر تفسیری هم کتابی ارزشمند است.

موسی دانش ادامه داد: آنچه در الکاشف برای من جالب توجه بوده، جنبه‌های اجتماعی و سیاسی این تفسیر است که در میان تفاسیر شیعه کمتر دیده می‌شود. هر یک از تفاسیر قرآن به یک موضوع خاص توجه کرده و هیچ تفسیری مانند الکاشف موضوعات سیاسی

حجت‌الاسلام والمسلمین موسی دانش، مترجم تفسیر «الکاشف» علامه مغنیه به زبان فارسی و از محققان و قرآن‌پژوهان مرکز پژوهش‌های آستان قدس رضوی در مشهد مقدس ضمن بیان این مطلب گفت: در تفاسیر الکاشف و المیزان، قرآن کریم قانونی اجتماعی معرفی شده است که تنها مسائل عبادی و احکام شرعی را بیان نکرده و مسائل اجتماعی روز را نیز مورد توجه قرار داده است. وی در ادامه افزود: تفسیر الکاشف جنبه‌های قابل توجه زیادی

و اجتماعی همچون صهیونیسم جهانی، جوانان کشورهای اسلامی و مشکلات آنان و مسائل مربوط به کشورهای اسلامی به عنوان مباحث روز را مورد توجه قرار نداده است.

اهتمام به موسیقی درونی قرآن؛ شاخصه مهم الکاشف

وی همچنین تصریح کرد: شاخصه دیگر الکاشف، پرداختن به موسیقی درونی و ذاتی قرآن بوده که علامه مغنیه آن را مطرح می‌کند و معتقد است قرآن کریم دارای موسیقی ذاتی است، یعنی زمانی که انسان صدای دلنشین تلاوت قرآن را می‌شنود، حتی اگر مفهوم قرآن را درک نکند و با این کتاب مقدس آشنایی نداشته باشد، مجذوب کلام وحی می‌شود.

مترجم تفسیر الکاشف به فارسی در توضیح بیشتر این مطلب گفت: «نجیب محمود زکی»، از ادبای مشهور مصر، از جمله کسانی بوده که مجذوب موسیقی درونی قرآن می‌شود، وی که گرایشی کمونیستی داشت و پس از مطالعه قرآن مجذوب کلام وحی شد، می‌گوید: «من با قرآن آشنایی نداشتم؛ اما زمانی که صوت قرآن را شنیدم، چنان مجذوب شدم که به مطالعه قرآن روی آوردم و پس از مطالعه نظرم نسبت به کتاب مقدس مسلمانان تغییر کرد». حجت‌الاسلام دانش یادآور شد: به نظر من الکاشف، بهترین تفسیر برای آشنایی با قرآن کریم است؛ زیرا تفسیری چندبعدی است که به صرف و نحو، مسائل سیاسی، اجتماعی و تاریخی توجه می‌کند و شبهات قرآنی در این کتاب هنرمندانه پاسخ داده شده که حتی می‌توان این شبهات را به صورت کتابی مستقل تألیف کرد.

علامه مغنیه در الکاشف آزاداندیش است

این محقق و قرآن‌پژوه کشورمان در ادامه این گفت‌وگو، علامه مغنیه را در الکاشف انسانی آزاداندیش دانست و گفت: علامه مغنیه نظریه‌های تفسیری را که در تفاسیر مختلف معمول بوده و است، رد کرده و دیدگاه جدیدی مطرح می‌کند، بنابراین فردی آزاداندیش است؛ زیرا وی با سفر به کشورهای متعدد و دیدار با شخصیت‌های مختلف با فرهنگ و دیدگاه آنان آشنا شده و مطالعات این مفسر قرآن تنها به منابع اسلامی و دینی محدود نمی‌شود؛ بلکه در حوزه مطبوعات عربی و غیرعربی مطالعاتی داشته و مسلط به جریان‌های علمی در گوشه و کنار کشورهای اسلامی و جهان بوده است.

حجت‌الاسلام موسی دانش، ترجمه الکاشف به دیگر زبان‌های زنده دنیا را نیاز جامعه قرآنی امروز برشمرد و تأکید کرد: در اینترنت مقالات و پژوهش‌های زیادی درباره این تفسیر قابل دسترسی است و حتی سایت اینترنتی مرکز تعلیمات اسلامی واشنگتن این تفسیر را به زبان فارسی در دسترس کاربران قرار داد و یکی از نمایندگان جمهوری اسلامی ایران در یکی از کشورهای آفریقایی تدریس الکاشف به زبان انگلیسی را در این کشور پیشنهاد داده که بیانگر اهمیت این تفسیر و زبان قابل فهم آن برای هر قشر و گروهی است.

مترجم الکاشف به زبان فارسی، در پاسخ به پرسشی مبنی بر میزان توجه به عنصر وحدت در الکاشف خاطر نشان کرد: علامه مغنیه طرفدار کامل وحدت است و بعد سیاسی این تفسیر بر بهره‌مندی از اتحاد اسلامی علیه رژیم صهیونیستی و استعمار جهانی تأکید دارد و جالب‌تر این که تفکر علامه مغنیه نزدیک به اندیشه امام خمینی (ره)، بنیانگذار کبیر انقلاب اسلامی ایران است و در الکاشف به نوعی سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در راستای مبارزه با

استعمار و حمایت از مستضعفان را بیان کرده است.

ترجمه الکاشف به فارسی پنج سال طول کشید

موسی دانش در بخش دیگری از سخنان خود با بیان این که ترجمه الکاشف به زبان فارسی پنج سال به طول انجامید، روند آشنایی با این تفسیر و ترجمه آن به فارسی را این گونه بیان کرد: زمانی که در نجف اشرف بودم، با تفسیر الکاشف علامه مغنیه آشنایی داشتم و زمانی که مسئول دفتر تبلیغات اسلامی مشهد مقدس به من پیشنهاد داد الکاشف را به فارسی ترجمه کنم، من نیز پذیرفتم؛ گرچه افراد دیگری نیز بودند که نمونه ترجمه‌هایی برای ترجمه الکاشف ارائه داده بودند؛ اما نمونه ترجمه من پذیرفته شد و ترجمه این اثر را آغاز کردم.

وی درباره فعالیت‌های خود در زمینه ترجمه آثار عربی به زبان فارسی گفت: در سال ۱۳۶۷ همکاری با بنیاد پژوهش‌های اسلامی استان قدس رضوی را به عنوان مترجم و ویراستار آغاز کردم و پیش از الکاشف اثری قرآنی با عنوان «پژوهشی در جلوه‌های هنری داستان‌های قرآن» تألیف «محمود البستانی»، پژوهشگر عراقی، را در دو جلد ترجمه کردم که در سال ۶۷ به‌عنوان کتاب سال معرفی شد.

وی ادامه داد: انگیزه و دلیل مهمی که باعث شد من برای ترجمه الکاشف مصمم شوم، ترجمه کتاب پژوهشی - قرآنی محمود البستانی بود که توانستم در ترجمه الکاشف از واژه‌های هنری این کتاب که اعجاز‌های داستان‌نویسی در قرآن را بیان کرده بود، بهره‌مند شوم.

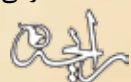
حجت‌الاسلام والمسلمین دانش در ادامه درباره سختی‌ها و مشکلات خود در ترجمه الکاشف گفت: زمانی که کار ترجمه الکاشف را آغاز کردم، در زندگی شخصی مشکلاتی داشتم که به قرآن پناه بردم و توانستم این مشکلات را تحمل کنم و زمانی که ترجمه تفسیر الکاشف به اتمام رسید، علامه مغنیه را در خواب دیدم، من تا آن زمان ایشان را ندیده بودم، نزدیک رفتم و سلام کردم؛ وی جزوه‌ای به من داد و گفت من از ترجمه الکاشف راضی هستم.

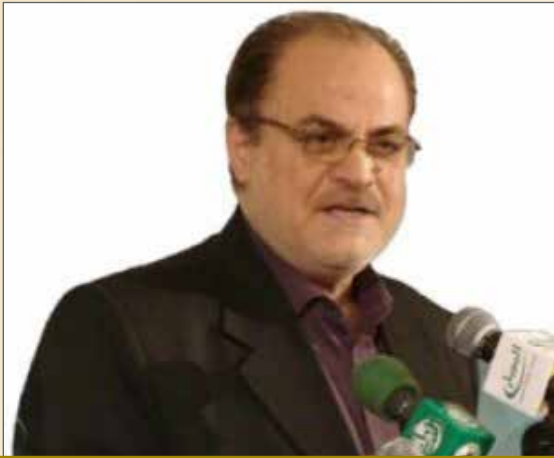
استقبال از ترجمه الکاشف بیش از انتظار بود

وی با اشاره به استقبال از ترجمه فارسی تفسیر الکاشف ادامه داد: بازتاب این اثر و استقبال از آن پس از انتشار، بیش از انتظار بود و طی سال‌های گذشته به‌عنوان کتاب سال و کتاب شایسته تقدیر جمهوری اسلامی ایران معرفی شده است.

مترجم تفسیر الکاشف در پایان از خادمان قرآن و مسئولان و نهادهای مسئول خواست که آثاری همچون تفسیر الکاشف را برای تمامی اقشار جامعه به‌ویژه جوانان بیش از پیش معرفی کنند.

گفتنی است، حجت‌الاسلام والمسلمین موسی دانش متولد نجف اشرف و دارای مدرک کارشناسی ارشد زبان و ادبیات عرب از دانشگاه رضوی مشهد مقدس است و تاکنون آثار متعددی را از عربی به فارسی ترجمه کرده که «امام حسین (ع) و پگاه پیروزی» (دو جلد) اثر شیخ «نعمه سماوی»، «جامعه انسانی از نگاه قرآن کریم»، تألیف آیت‌الله‌العظمی شهید محمدباقر حکیم و «جهاد امام سجاد(ع)» نوشته سیدمحمدرضا جلالی از جمله این آثار است.





قرآن پژوه عراقی:

انگیزه علامه مغنیه از نگارش تفسیر «الکاشف» دفاع از هویت اسلامی بود

علامه مغنیه در عصری که جهان اسلام از سوی غرب مورد هجوم قرار گرفته بود و مسلمانان در حالتی از حیرت و تردید به سر می بردند، با هدف پاسخ به شبهات مطرح شده در آن زمان و دفاع از هویت اسلامی تفسیر الکاشف را تألیف کرد.

و عموم مسلمانان از موضوعات این تفسیر بود تا بتواند با تکیه بر مفاهیم و آموزه‌های قرآنی به مسائل بحث برانگیز معاصر پاسخ گوید. لذا تفسیر آسان الکاشف که می توان آن را تفسیر اجتماعی دانست، ضمن ایجاز و اختصار برای رویارویی با مسائل و مشکلات روز بسیار مناسب بود. الأوسی در مورد به کارگیری آیات قرآنی، روایات و احادیث پیامبر (ص) و اهل بیت (ع) در تفسیر الکاشف گفت: علامه مغنیه به مکتبی بزرگ و صاحب نام که دارای راه و روش مشخص در تفسیر است، تعلق داشت. ایشان به مکتب اهل بیت (ع) وابسته بود و به همین خاطر، ادوات و ابزارهای مرحوم مغنیه برای تفسیر علاوه بر خود قرآن، استفاده از احادیث پیامبر (ص) و ائمه اطهار (ع) بود.

به گفته این قرآن پژوه عراقی، در مکتب اهل بیت (ع) که بسیاری از بزرگان در تفسیر قرآن کریم بر اساس روش این مکتب عمل کرده بودند، اعتقاد بر این است که آنچه از پیامبر (ص) یا ائمه اطهار (ع) روایت شده است، منشأ وحیانی داشته و از جانب خداوند است، لذا این احادیث و روایات چون از زبان معصوم و نشئت گرفته از وحی است، همان سندیت و اعتبار آیات قرآنی را دارند و می توان در تفسیر قرآن از آن‌ها کمک گرفت. مدیر بخش عربی مرکز اسلامی لندن در پایان خاطر نشان کرد: قبول این منطق باعث شد تا علامه مغنیه از روایات و احادیث پیامبر (ص) و ائمه (ع) استفاده کند، زیرا به نظر ما شیعیان، قرآن کریم نیاز به معلمی دارد که آن را توضیح و شرح دهد و پیامبر (ص) و اهل بیت (ع) بهترین شارحان و مفسران قرآن کریم هستند و مرحوم مغنیه در تمام بخش‌های تفسیر خود از این چارچوب خارج نمی شود.

علی رمضان الأوسی، مدیر بخش عربی مرکز اسلامی لندن، از اعضای مرکزی مجلس اعلاى اسلامی عراق، استاد پیشین دانشگاه امام صادق (ع) و مدیر مرکز پژوهش‌های جنوب عراق و نگارنده کتاب «البلاغی مفسراً» است؛ وی لیسانس خود را در ادبیات عرب و علوم قرآن از دانشگاه بغداد، فوق لیسانس خود را در رشته علوم اسلامی از دانشگاه قاهره و دکترای خود را در رشته علوم قرآن از دانشکده الهیات دانشگاه تهران دریافت کرده است.

علی رمضان الأوسی، قرآن پژوه عراقی و مدیر بخش زبان عربی مرکز اسلامی لندن، ضمن بیان این مطلب گفت: علامه شیخ محمدجواد مغنیه در دوران معاصر و بعد از نهضت مدرن که حاوی شکوفایی فرهنگی غربی بود، می زیست و مسائل و مشکلات مسلمانان در دوران خود از قبیل استعمار کشورهای اسلامی و به تاراج بردن میراث مسلمانان را به چشم می دید. وی افزود: در این دوران که مسلمانان در حالتی از ضعف و سستی در مقابل غرب به سر می بردند، علمای مسلمان ندای نهضت اسلامی در ابعاد مختلف را سردادند که بخشی از آن را در مصر و به دست سید جمال الدین اسدآبادی مشاهده کردیم و همچنین در حوزه علمیه نجف اشرف، بخشی از این نهضت اسلامی نیز توسط شخصیت‌هایی مانند محمدحسین کاشف الغطاء اتفاق افتاد.

این قرآن پژوه عراقی تصریح کرد: علامه مغنیه که زاده این عصر بود، بحران جامعه اسلامی را لمس می کرد. در این دوره، فرهنگ اسلامی از سوی فرهنگ غربی مورد هجوم قرار گرفته بود و در این زمان فرد مسلمان در حالی از حیرت، شک و تردید به سر می برد و مشکلات عدیده‌ای برای مطرح کردن مفاهیم اسلامی وجود داشت، از این رو علمای بزرگی همچون علامه شیخ محمدجواد مغنیه تصمیم گرفتند تا به ارائه دیدگاه‌های جدیدی در این زمینه بپردازند و از جمله چیزهایی که در آن دوران بر آن بسیار تأکید می شد، تفسیر قرآن کریم بود.

الأوسی در ادامه خاطر نشان کرد: در این دوره، جامعه به تفسیری نیاز داشت که با دوران معاصر مطابقت کند و مسائل و مشکلات مطرح را پاسخ دهد. در این تفسیر می بایست با ارائه پاسخ‌های به روز، بحران‌های فردی و اجتماعی موجود از بین بروند و علامه مغنیه با این دید و این انگیزه، تفسیر الکاشف را نوشت و این تفسیر در حقیقت، برای ایجاد اصلاحات و در جهت دفاع از امت و هویت اسلامی تألیف شد.

مدیر بخش عربی مرکز اسلامی لندن در ادامه گفت: بنابراین علامه مغنیه تفسیر الکاشف را بسیار مختصر نوشت تا از اضافه گویی در آن پرهیز شود و هدف علامه با توجه به اوضاع آن زمان، تأثیر پذیری جوانان، فرهیختگان

آیت‌الله الکوثرانی العاملی:

رابطه مستحکم با دانشگاه الأزهر بیانگر رویکرد تقریبی علامه مغنیه است

علامه شیخ محمدجواد مغنیه، صاحب دو تفسیر گران‌سنگ «الکاشف» و «المبین»، رابطه بسیار استواری با دانشگاه الأزهر مصر به‌عنوان بزرگترین مؤسسه دینی اهل تسنن جهان داشت و در تفسیر الکاشف، از بسیاری از احادیث و روایات مذاهب اسلامی استفاده کرد که این مسئله بیانگر رویکرد تقریبی علامه مغنیه است.



می‌شد و به بحث و تبادل نظر با آن‌ها می‌پرداخت. ایشان رابطه بسیار مستحکمی با دانشگاه الأزهر در مصر داشت و گاهی حتی با علمای وهابی که علیه تشیع تبلیغ می‌کردند و شبهه‌هایی را به اندیشه شیعیان وارد می‌کردند، می‌نشست و به بحث و گفت‌وگو می‌پرداخت، از این رو دعوت به وحدت اسلامی در سراسر اندیشه علامه محمدجواد مغنیه که در تفسیر الکاشف منعکس می‌شود، نمایان است. علامه برای تحقق وحدت اسلامی تلاش می‌کرد تا با تمام مذاهب اسلامی ارتباط برقرار کند. وی تصریح کرد: علامه مغنیه دیدار و نشست با علما و رهبران

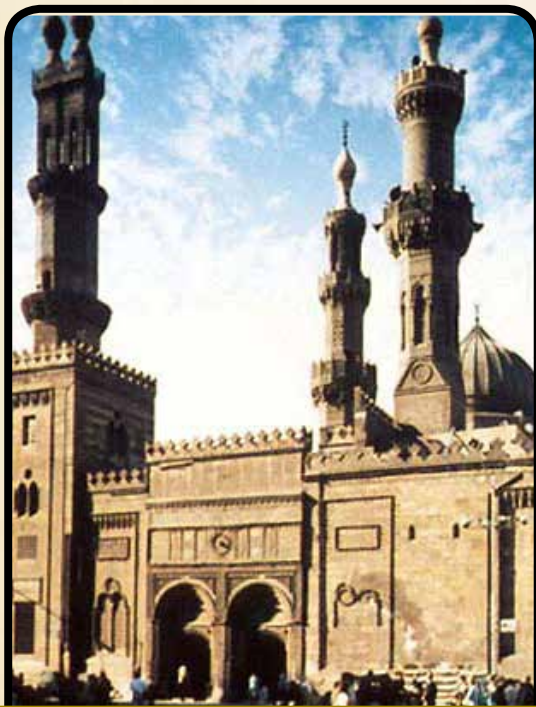
آیت‌الله شیخ علی الکوثرانی العاملی، از علمای مبارز، ادیب، اندیشمند و متفکر شیعه لبنانی و از مدرسان حوزه علمیه قم با بیان این مطلب گفت: علامه محمدجواد مغنیه شخصیت انعطاف‌پذیری داشت و تمام نظرات و آرای مخالف را با سعه صدر می‌شنید یا مطالعه می‌کرد. وی افزود: علامه مغنیه را می‌توان با توجه به ویژگی‌های ایشان از علمای میانه‌رو دانست، وی از بسیاری از احادیث اهل تسنن استفاده می‌کرد و در آثار خود آن‌ها را به کار می‌برد. آیت‌الله الکوثرانی تصریح کرد: علامه مغنیه با شخصیت‌های مطرح اهل تسنن ارتباط داشت و در نشست‌های مختلف آنان حاضر

اسلام به کار گرفت و اسلام همواره می‌تواند در هر زمان و مکانی پویایی خود را حفظ کند و خود را با شرایط جدید هماهنگ سازد؛ وی در دعوت به استفاده از فناوری پیش‌قدم بود و می‌توان او را به عنوان عالم بزرگی که این مسئله را به طور جدی برای اولین بار در تفسیر و توضیح آیات به کار گرفت، دانست.

الکورانی در پایان خاطرنشان کرد: علامه شیخ محمدجواد مغنیه همواره خواستار اصلاح حوزه علمیه بود و می‌خواست حوزه‌ها هماهنگ با تغییرات و تحولات روز پیش بروند و از آن‌ها آگاهی داشته باشند؛ لذا وی جدایی حوزه از دنیای خارج را نمی‌پذیرفت.

آیت‌الله شیخ علی الکورانی العاملی در سال ۱۹۴۴ میلادی در شهر جبل عامل (جنوب لبنان) متولد شد، وی به تشویق آیت‌الله سید عبدالحسین شرف‌الدین صاحب کتاب «المراجعات» دروس حوزوی را آغاز کرد.

آیت‌الله العاملی در سال ۱۹۵۸ میلادی به نجف اشرف هجرت کرد و دروس «مقدمات» و «سطح» را در محضر آیات عظام محمدتقی فقیه، سید علاء بحر العلوم، شیخ باقر ایروانی و سید محمدباقر حکیم تکمیل کرد و سپس در درس خارج آیت‌الله العظمی خوئی و آیت‌الله العظمی شهید سید محمدباقر صدر حاضر شد. وی با پیروزی انقلاب اسلامی در ایران به حوزه علمیه قم آمد و کار تألیف و تدریس را ادامه داد و با حمایت آیت‌الله العظمی گلپایگانی «مرکز المعجم الفقهی» و با حمایت آیت‌الله العظمی سیدعلی سیستانی «مرکز المصطفی للدراسات الدینیة» را در زمینه عقاید اسلامی بنا کرد.



گروه‌های اسلامی مختلف را مغایر با آموزه‌های تشیع نمی‌دانست و این شیوه را برای تحقق وحدت اسلامی و نزدیک ساختن دیدگاه‌های متفاوت به یکدیگر لازم می‌دانست.

این استاد حوزه علمیه تأکید کرد: علامه مغنیه در عین حال که با همه گرایش‌ها به بحث و گفت‌وگو می‌پرداخت، اما از تفکر شیعی خود کناره‌گیری نمی‌کرد و همیشه حامی اندیشه تشیع بود. وی همواره با صلابت در رد شبهه‌ها تلاش می‌کرد و همواره بر این امر تأکید می‌کرد که متهم کردن شیعیان و اندیشه آن‌ها با وحدت اسلامی منافات دارد.

این نویسنده و پژوهشگر لبنانی گفت: رفع شبهه‌های موجود در تفکرات فرقه‌های مختلف اسلامی درباره تشیع یکی از اهداف علامه از برگزاری نشست با فرقه‌های اسلامی بود. به نظر علامه دفاع از تشیع و رد شبهه‌های موجود درباره آن یکی از عوامل ایجاد وحدت میان مسلمانان است.

الکورانی درباره اهمیت و ارزش تفسیر الکاشف گفت: علامه مغنیه تفسیر الکاشف را در دوران پایانی زندگی خویش نوشت و این امر باعث شد تا تفسیر الکاشف از بار علمی بسیار والایی برخوردار شود؛ تفسیر الکاشف را می‌توان چکیده تجربیات و مطالعات علامه و عصاره اندیشه مبتکرانه وی دانست.

وی اضافه کرد: علامه مغنیه در ابتدا قصد داشت تا با توجه به درخواستی که از وی به عمل آمده بود، تفسیری از قرآن کریم را به طور خلاصه به رشته تألیف درآورد، اما کم‌کم که به نوشتن الکاشف مشغول شد، آن را فرصت مناسبی یافت تا آراء و نظرات خویش را به صورت مستند و در تفسیر آیات قرآن بنویسد.

مؤلف کتاب «تدوین القرآن» در ادامه خاطرنشان کرد: همچنین علامه مغنیه در تفسیر الکاشف، معانی و مفهوم آیات را با مسائل و بحث‌های دیگری مرتبط می‌ساخت و بدین ترتیب مسائل مهمی را به بحث می‌کشید. لذا علامه با توجه به علاقه‌ای که به اقتصاد و مباحث آن داشت، در تفسیر الکاشف مباحث اقتصادی را مطرح و آن را به بحث می‌گذاشت.

الکورانی در ادامه تصریح کرد: علامه دوره و زمان خود را با تمام مسائل و جزئیاتش دریافته بود و تغییرات آن دوره را به خوبی احساس و آن‌ها را در تألیفات خود منعکس می‌کرد؛ لذا در تفسیر الکاشف مسائل و مشکلات اجتماعی ویژه دوره معاصر را مطرح و برای آن‌ها راه‌حل قرآنی ارائه می‌داد.

علی الکورانی از علمای برجسته لبنان در مورد ویژگی‌های علامه مغنیه خاطرنشان کرد: ایشان از علمای سختکوش و با استعدادی بود که بسیار مطالعه می‌کرد و در مورد مسائل مختلف به تفکر می‌پرداخت. ادبیات ساده و ویژه علامه از ذهن پاک، روشن و بدون ابهام وی نشئت می‌گرفت. شخصیت علامه برای اطرافیان بسیار محبوب بود. وی بسیار ساده بود و به‌دور از هرگونه تجمل زندگی می‌کرد. به طور خلاصه می‌توان گفت که علامه تمام ویژگی‌های یک عالم بزرگ و روحانی را داشت. وی هدف دنیوی نداشت، دل او پاک و در آنچه می‌گفت، می‌نوشت و دعوت می‌کرد صادق بود و به آن ایمان قلبی داشت.

الکورانی درباره نظرات و آراء معاصر علامه گفت: مرحوم مغنیه معتقد بود که باید تکنولوژی معاصر را در خدمت به دین مبین



رئیس دانشکده علوم اسلامی کربلا:

علامه مغنیه انحصار حوزه علمیه به نجف را خطری برای تفکر شیعی می‌داند

علامه شیخ محمدجواد مغنیه از آن جهت که اگر حوزه علمیه نجف با هر خطری روبه‌رو شود، پیشرفت علمی و فرهنگی شیعی را کند و فرصت آن را در پیشبرد علمی کمتر خواهد کرد، انحصار حوزه علمیه به شهر نجف اشرف را تهدیدی برای تفکر شیعی می‌داند.

فعالیت‌ها و نوآوری‌هایی را که در اساس و جوهر متفق و در شکل، مختلف هستند، انجام داد که این اقدامات ستودنی و قابل احترام است. رئیس دانشکده علوم اسلامی کربلا در ادامه این گفت‌وگو خاطر نشان کرد: به نظر من تفکر اسلامی به دو محور اساسی تقسیم می‌شود؛ محور اول، اندیشه اعتقادی و مکتب کلامی و محور دوم، اندیشه حقوقی و مذاهب فقهی است و با بررسی دقیق ملاحظه می‌کنیم که موضوع اندیشه کلام اسلامی دارای بسیاری از مشترکات است و تفاوت‌ها و اختلافات موجود در میان فقها چیزی جز تفکیک تفاوت‌های موجود در قواعد و اصول اندیشه نیست و این موضوع، همان‌طور که در شیوه‌های استنباط فقهی موجود است، در شیوه‌های پیدایش کلام نیز آن را ملاحظه می‌کنیم.

عبدالمیر کاظم زاهد، رئیس دانشکده علوم اسلامی کربلا و دارای درجه دکتری فقه تطبیقی اسلامی و حقوق بین‌الملل ضمن بیان این مطلب گفت: علامه مغنیه بر این باور بود که محدود بودن حوزه علمیه در نجف، تفکر شیعی را تهدید می‌کرد؛ از آن جهت که اگر حوزه نجف با هر خطری روبه‌رو شود، در نتیجه پیشرفت علمی و فرهنگی شیعی را کند و فرصت آن را در پیشبرد علمی کمتر خواهد کرد. وی افزود: شیخ مغنیه با گسترش دادن حوزه‌ها، گامی نوین در جهت پیشبرد علوم دینی و حوزوی برداشت که هم اکنون در لبنان، بحرین، سوریه، پاکستان، ایران، ترکیه و حتی در کشورهای اروپایی و آمریکایی، نمونه‌هایی از آن را شاهد هستیم؛ بنابراین شیخ مغنیه مجموعه‌ای از

غربی‌ها نیز با توجه به تفاوت موجود در صدد ایجاد اختلاف و تفرقه در میان مذاهب اسلامی و پیروان فرقه‌های اسلامی بودند.

این قرآن‌پژوه عراقی در ادامه گفت: در این میان علامه مغنیه با تیزبینی و هوشیاری که داشت، به اندیشه پلید آن‌ها پی برد و توانست به خوبی نشان دهد که اختلاف‌های موجود، اختلاف‌های محض اعتقادی نیست؛ بلکه تنها اختلاف در شیوه فکری است که مربوط به بحث و بررسی‌های فقهی مفسران است، در نتیجه شیخ مغنیه فرایند این اختلافات را زیرمجموعه قاعده «نسبی بودن حقیقت» قرار داد تا مخالفان، شیعیان را متهم به پنهان داشتن حقایق یا دوری گزیدن از آن نکنند.

رئیس دانشکده علوم اسلامی کربلا تصریح کرد: از ویژگی‌های محیطی علامه مغنیه، تعدد و تنوع فرهنگی جامعه لبنان بود که این تنوعات فرهنگی عموماً در فضای گفتمان‌های متعدد شکل می‌گیرد و از آن جهت که دلالت قرآنی، دلالتی است متنوع و راه را برای تأویل باز گذاشته است، پس عقل مفسر و شرایط اجتماعی، فکری و سیاسی وی، اساس شناخت و معرفت را در اختیارش قرار می‌دهد.

وی افزود: علامه مغنیه در نظر داشت که تفسیری جامع و کامل از قرآن کریم، صرف‌نظر از عقاید و گرایش‌های فکری و شیوه‌های آن‌ها ارائه دهد؛ زیرا به نظر ایشان اختلافات موجود میان مفسران، نویسندگان و فقها، اختلاف‌های عمیق و ریشه‌ای نیست، بلکه تنها اختلاف در سبک نوشتاری تفسیر است.

رئیس دانشکده علوم اسلامی دانشگاه کربلا در ادامه گفت: گرایش میانه‌روی که فضایی مشترک و مورد اتفاق نظر مکتب‌های تفسیری اسلامی است، در آثار و نوشته‌های علامه مغنیه نمایان شده و ایشان را از سایرین متمایز ساخته است و همین سبک نوشتاری و نوع گرایشی که علامه مغنیه داشته، باعث شده است که تفسیر ایشان در میان بیشتر مسلمانان مورد پذیرش واقع شود.

وی در ادامه، درباره اندیشه‌های نوگرایانه علامه مغنیه در زمینه اجتهاد، ضرورت اصلاح حوزه‌های علمیه و به‌کارگیری شیوه‌های نوین در تبلیغ دین و دموکراسی اسلامی گفت: از عوامل اصلی این‌گونه اندیشه‌های نوگرایانه، ساختار معیشتی یک جامعه متنوع و ارتباط آن با فرهنگ‌های مختلف اروپایی است؛ همچون نقش مدارس «المنار» (مدارسی که توسط گروهی از انگلیسی‌ها در سال ۱۹۲۵ میلادی با هدف ارتقای زبان خارجی شهروندان مصری در قاهره و با نظارت و کنترل وزارت آموزش و پرورش تأسیس شد) که قصد اثبات وجود و هویت نداشت بلکه نوگرایی، پرورش تعالی فکری و معرفتی و نیز پیشرفت را چشم‌انداز فعالیت‌های خود قرار داده بود و این جهش مثبت نوگرایی که در مدرسه المنار ظهور پیدا کرد، به مکتب قرآنی آیت‌الله‌العظمی شهید سیدمحمدباقر صدر چنانچه در نشریه «الأضواء» که در اوایل دهه ۰۶ میلادی در شهر نجف منتشر می‌شد، نیز انتقال یافت و از آن جهت که شیخ مغنیه اطلاعات و شناخت معرفتی خود را از نجف کسب می‌کرد، در نتیجه هدف مدرسه المنار را اساس کار خود قرار داد و برای تکامل و پیشبرد این هدف و مورد قبول واقع شدن آن در بین مردم آن زمان، تلاش و کوشش بسیار کرد و اقدامات فراوانی انجام داد.

عبدالمیر کاظم زاهد اضافه کرد: این رویکرد شیخ مغنیه اقتضای کرد که ایشان علاوه بر تحصیلات دینی موجود، علم روز زبان خارجی، فقه، علوم اجتماعی و روانشناسی و همچنین بررسی سبک‌های دیگر در زمینه علم و اصول را به علوم حوزوی اضافه کند، به همین خاطر شیخ مغنیه گامی

اساسی و مؤثر در پیشبرد علوم دینی و حوزوی برداشته است. رئیس دانشکده علوم اسلامی کربلا در بخشی دیگر از این گفت‌وگو درباره بهره‌گیری از آراء و دیدگاه‌های علمای مذاهب دیگر در تفسیر «الکشاف» تصریح کرد: همانطور که می‌دانیم در کتاب «مجمع البیان فی تفسیر القرآن» شیخ طبرسی، دیدگاه‌های مختلفی از الجبائی، الباقلائی و نیز آرای اشاعره در آن آمده است و در کتاب «الإختلاف» شیخ طوسی نیز ایشان آراء و دیدگاه‌های بسیاری از مذاهب مختلف را ذکر کرده است و همچنین در تفسیر «التبیین فی تفسیر القرآن الکریم» شیخ طوسی نیز بسیاری از دیدگاه‌های ابی‌هلال عسکری، الباقلائی، الرمانی، الجرجانی، الجبائی و ابی‌هدیل العلاق و بسیاری از فقهای دیگر آمده است؛ این روش بهره‌گیری از دیدگاه‌های دیگر مذاهب در درجه نخست یک رویکرد اسلامی و در درجه دوم رویکردی عقلانی به‌شمار می‌آید، در نتیجه شاهد امتداد یافتن عقلانیت نقدی - که از شیخ طوسی آغاز شد و در کتاب «مجمع البیان» به وضوح دیده می‌شود - در آثار دو شهید لبنانی (شهید اول و شهید ثانی) و نهایتاً در نوشته‌های شیخ مغنیه هستیم؛ بنابراین به نظر می‌رسد این رویکرد، وسیله‌ای است که راه را برای متقاعد کردن برادران ما از مذاهب دیگر هموار و توجیه می‌کند که پیروان اهل بیت (ع) حداقل در جنبه شناختی و معرفتی هیچ تفاوتی با برادرانشان قائل نمی‌شوند و در بسیاری از موارد، دیدگاه‌ها و نظرات دیگران را بر آرای خود ترجیح می‌دهند.

عبدالمیر زاهد در پایان خاطر نشان کرد: در دایرة المعارف «السرائر» نوشته «ابن الإدریس الحلی» ملاحظه می‌کنیم ایشان در بسیاری از موارد، دیدگاه مذاهب دیگر را بر دیدگاه شیعی خود ترجیح می‌دهد و این نشان‌دهنده آن است که هدف اساسی علمای ما خود علم است، علمی با رویکرد عقلانی و برهانی که آن را از ائمه اهل بیت (علیهم السلام) کسب کرده‌اند؛ نه آن علمی که ایدئولوژی فرقه‌ای بر آن حکم می‌کند. گفتنی است، عبدالامیر کاظم زاهد در سال ۱۹۵۰ میلادی در نجف اشرف متولد شد، وی دارای مدرک دکتری فقه تطبیقی اسلامی و حقوق بین‌الملل و هم‌اکنون رئیس دانشکده علوم اسلامی دانشگاه کربلا است؛ وی همچنین، دبیر کل «بیت الحکمه» بغداد در سال ۲۰۰۶ میلادی، مدیر گروه مطالعات قرآنی دانشگاه کوفه در سال ۱۹۹۷ میلادی، ریاست دانشکده ادبیات دانشگاه کوفه در سال ۲۰۰۲ میلادی، مشاور علمی نخست‌وزیر عراق در سال ۲۰۰۵ میلادی را در افتخارات علمی خود دارد و عضویت در شورای مشورتی تعدادی از مجله‌های معتبر علمی عراق نیز از جمله فعالیت‌های وی به‌شمار می‌آید و دارای ۶۱ تألیف علمی در حوزه‌های مختلف علوم قرآنی، فقه و اصول، تفسیر و حقوق است.

روش تفسیری علامه مغنیه در «المبین» مشابه زمخشری در «الکشاف» است

عبدالمیر کاظم زاهد، رئیس دانشکده علوم اسلامی کربلا درباره علت اصلی که چرا تفسیر المبین را یکی از تفاسیر بدیع امامیه در قرن اخیر می‌نامند؟ گفت: علت اساسی این موضوع، غلبه جنبه‌های بلاغت و همچنین موضوع سیاق جمله‌ها و به‌کارگیری اصول کشف اسرار عبارات و آیات قرآنی و نیز بررسی و کشف اعجاز آیات در تفسیر المبین است.

زاهد در ادامه این مطلب تصریح کرد: عملکرد علامه مغنیه، در به‌کارگیری بلاغت و بررسی و کشف اعجاز آیات قرآن در تفسیر المبین در واقع مشابه تفسیر «الکشاف» علامه زمخشری است که ایشان نیز اهتمام خاص و بارزی به جنبه‌های بلاغت داشتند.

زاهد در بخشی دیگر به بررسی ویژگی‌های تفسیر «المبین» و مقایسه آن با تفسیر «الکاشف» پرداخت و گفت: دو تفسیر المبین و الکاشف علامه مغنیه از طیف وسیعی از موضوعات و مفاهیم مختلف بهره‌مند هستند و هر دو تفسیر با روش زبانی و معنایی و با تکیه بر روش معناشناسی (scitnames) و البته با دو شیوه متفاوت آغاز می‌شوند.

وی اضافه کرد: در تفسیر المبین، موضوع استفاده از کلمات، جملات کوتاه و نیز دلالت ساختار نسبت به تفسیر الکاشف بیشتر نمایان است، این در حالی است که در تفسیر الکاشف، تمرکز موضوعات و اطلاعات و دلالت‌های معنایی بیشتر است؛ به گونه‌ای که صبغه کاربردی، علمی و فرهنگی الکاشف بر وجه تخصصی و حرفه‌ای آن غلبه دارد.

این محقق و پژوهشگر عراقی با بیان این که مقایسه تفسیر الکاشف علامه مغنیه با تفسیر «المیزان» علامه طباطبایی مطلوب نیست، خاطر نشان کرد: تفسیر المیزان یکی از تفاسیر بزرگ و مهمی است که تمامی مسلمانان، صرف‌نظر از مذاهب، اعتقادات و گرایش‌های فکری که دارند به آن افتخار می‌کنند و این تفسیر در واقع عبارت است از ترکیب مکتب اشرافی، عرفانی، فلسفی، علمی، روایی و نقدی که به سبک عقلانی و تفکری و در سطح بسیار بالایی نوشته شده است.

وی در ادامه افزود: در مقایسه تفسیر الکاشف علامه مغنیه با تفسیر المیزان، باید گفت که تفسیر الکاشف، تفسیری است که بیشتر به طبقه متوسط و غیرنخبه جامعه اختصاص دارد؛ این در حالی است که تفسیر المیزان علاوه بر این که طبقه متوسط جامعه را مدنظر داشته، مورد توجه افراد نخبه و فرهیخته و صاحب‌نظر نیز هست.

عبدالامیر زاهد در ادامه این گفت‌وگو به صبغه آموزشی و هدایتی تفسیر الکاشف علامه مغنیه اشاره کرد و گفت: سبک نوشتاری، شیوه‌ای است که نوع شناخت و معرفت را مشخص می‌کند و سبک علامه مغنیه در الکاشف عبارت است از به‌کارگیری متن قرآن کریم برای شخصیت‌سازی، که به تبع آن، مستلزم پرورش خلیقات انسان است.

رئیس دانشکده علوم اسلامی دانشگاه کربلا در ادامه اظهار کرد: این شیوه را می‌توان در تفسیر «فی ظلال القرآن» نوشته «سید قطب»، و تفسیر «التحریر و التنویر» اثر «الطاهر بن عاشور» و قبل از ایشان در تفسیر «ابن عطیه» با عنوان «المحرور الوجیز فی تفسیر الکتاب العزیز» و دیگر تفاسیر یافت؛ در نتیجه می‌توان گفت که مجموعه‌ای از سبک‌ها و روش‌ها در

تفسیر قرآن کریم وجود دارد که از متن قرآن کریم در جهت پرورش شخصیت انسان چه در سطح فردی و چه در سطح اجتماعی، استفاده می‌شود و در این شیوه‌ها بر چارچوب‌های تربیتی و فلسفی و به‌ویژه در بنای فلسفه عملی یعنی فلسفه بنای شخصیت انسان تمرکز می‌شود.

این قرآن‌پژوه عراقی در پاسخ به این پرسش که «راسخون از دیدگاه علامه مغنیه چه کسانی هستند؟» گفت: در این که «راسخون فی العلم»، اهل بیت (علیهم السلام) هستند، هیچ اختلاف‌نظری نیست، اما اختلاف اساسی در این است که آیا کسانی که به روش اهل بیت (ع) در جهت کشف حقیقت قرآن کریم، در آیات و مفاهیم قرآن کریم تدبیر کرده‌اند، نیز جزء راسخون فی العلم هستند یا از پیروان راسخون فی العلم شمرده می‌شوند؟ علامه شیخ مغنیه با دقت‌نظر و اطلاعات جامع خود توانست با بیانی دقیق و علمی، فرضیه‌هایی با تکیه بر استدلال و برهان ارائه دهد و اعلام کرد که کسانی که از روش‌های صحیح و درست کشف حقیقت قرآن پیروی می‌کنند؛ از زمره تابعین «راسخون فی العلم» هستند که البته این راسخون فی العلم بودن تنها در وجه تابعین است، نه در وجه اصالت داشتن در این زمینه.

عبدالامیر کاظم زاهد در پایان این گفت‌وگو به دیدگاه علامه محمدجواد مغنیه درباره محکمت و متشابهات قرآن اشاره کرد و گفت: آیات محکم آیات مرجعی هستند برای تأویل‌های متعدد که ممکن است از فرایندهای زبانی، معنوی و سیاسی نشئت بگیرد؛ در حالی که آیات متشابه، آیاتی است که به عقل بشر اجازه اندیشیدن و تدبیر در معانی آن را می‌دهد.

گفتنی است، عبدالامیر کاظم زاهد در سال ۱۹۵۰ میلادی در نجف اشرف متولد شد، وی دارای مدرک دکتری فقه تطبیقی اسلامی و حقوق بین‌الملل و هم‌اکنون رئیس دانشکده علوم اسلامی دانشگاه کربلا است؛ وی همچنین، دبیرکل «بیت الحکمه» بغداد در سال ۲۰۰۶ میلادی، مدیر گروه مطالعات قرآنی دانشگاه کوفه در سال ۷۹۹۱ میلادی، ریاست دانشکده ادبیات دانشگاه کوفه در سال ۲۰۰۳ میلادی و مشاور علمی نخست‌وزیر عراق در سال ۲۰۰۵ میلادی را در افتخارات علمی خود دارد و عضویت در شورای مشورتی تعدادی از مجله‌های معتبر علمی عراق نیز از جمله فعالیت‌های وی به شمار می‌آید. دکتر زاهد دارای ۱۶ تألیف علمی در حوزه‌های مختلف علوم قرآنی، فقه و اصول، تفسیر و حقوق است.





عضو انجمن قرآن پژوهی حوزه علمیه قم:

علامه مغنیه در «الکاشف» مباحث جهادی را متوجه صهیونیسم می‌داند

علامه شیخ محمدجواد مغنیه در تفسیر الکاشف، ضمن پرداختن به موضوع جهاد در راه خدا و حرکت جهادی در کشورهای اسلامی، مباحث جهاد و قتال را متوجه صهیونیسم می‌داند و مقاومت در برابر رژیم صهیونیستی را جهاد در راه خدا تلقی می‌کند.

اجتماعی دارد که متناسب با نیازهای عصر و جامعه نویسنده، تألیف و در آن به شبهات مختلف پاسخ داده شده است. وی همچنین تصریح کرد: علامه مباحث فقهی و کلامی را بسیار زیبا مطرح می‌کند و کتابی با عنوان «الفقه علی المذاهب الخمسة» دارد که در آن اندیشه تقریبی و همتی والا برای تقریب بین مذاهب و عدم تفرقه بین مسلمانان را مطرح می‌کند؛ مسئله‌ای که حضرت امام خمینی(ره)، حضرت آیت‌الله خامنه‌ای(مدظله‌العالی) و دیگر اندیشمندان دلسوز اسلام بر آن اصرار دارند. علامه مغنیه در الکاشف عقاید شیعه را تثبیت کرده است

حسین علوی‌مهر، عضو انجمن قرآن پژوهی حوزه علمیه قم و عضو هیئت علمی جامعه المصطفی(ص) العالمیه، ضمن بیان این مطلب گفت: نکته قابل توجه در دو تفسیر الکاشف و المبین مرحوم مغنیه، توجه به حرکت جهادی و نقش صهیونیسم در تفرقه‌اندازی میان مسلمانان است؛ صهیونیسمی که عامل بزرگ تضعیف مسلمانان است و به فرموده امام خمینی(ره)، بنیانگذار کبیر انقلاب اسلامی ایران، غده‌ای سرطانی است. علوی‌مهر در ادامه افزود: تفسیر الکاشف که در هفت جلد نگارش شده و تفسیر «المبین» که مختصر و کوتاه است، از آثار ارزشمند علامه مغنیه به‌شمار می‌رود. الکاشف گرایشی

عضو انجمن قرآن پژوهی حوزه علمیه قم خاطر نشان کرد: علامه مغنیه در الکاشف دیدگاه شیعه درباره مباحث فقهی را به طور راسخ مطرح می‌کند و در کنار این اعتقاد بدون این که به دیگر مذاهب اتهام وارد کرده یا توهین کند، دیدگاه این مذاهب را مطرح می‌کند که نشان می‌دهد این تفسیر نقش تقریبی را به خوبی ایفا و عقاید شیعه را تثبیت کرده است.

علوی مهر ادامه داد: علامه مغنیه در تفسیر الکاشف عامل تضعیف مسلمانان را اختلاف فرقه‌ها و مذاهب اسلامی می‌داند، وی در کتاب «الفقه علی المذاهب الخمسه» نگاه تقریبی بین مذاهب را مطرح کرده و این نوع نگاه در الکاشف نمایان است.

حسین علوی مهر همچنین با بیان این که علامه مغنیه در الکاشف مباحث لغوی و ادبی را خلاصه مطرح می‌کند و این تفسیر از نوع نگارش و قلم بسیار زیبایی برخوردار است، تأکید کرد: تفسیر الکاشف قابل عرضه برای طبقه روشنفکر و اهل مطالعات قرآنی است و پایان‌نامه‌هایی در این رابطه نوشته شده که نمونه آن «روش‌شناسی تفسیر الکاشف» است.

علوی مهر نظر خود درباره استناد به احادیث و روایات برای تفسیر آیات در الکاشف که برخی آن را نپذیرفته و معتقد به تفسیر آیات با توجه به خود آیه و شواهد درونی آن هستند، این گونه توضیح داد: نمی‌توان قرآن را بدون توجه به روایات تفسیر کرد، یک مفسر باید با استناد به احادیث و روایات، معنای کامل و جامعی از آیات استخراج و استنباط کند، هر چند تفسیر قرآن

وی در ادامه، تلاش علامه مغنیه را برای اثبات امامت مورد توجه قرار داد و اظهار کرد: همان‌طور که گفته شد، علامه مغنیه عقاید شیعه را به‌عنوان اصل مطرح می‌کند؛ بنابراین در اثبات مسئله امامت نیز اصل و مبنا را اثبات عقاید شیعه در این باره می‌داند، سپس عقاید مذاهب دیگر مانند اهل سنت و معتزله را بیان می‌کند؛ بنابراین علامه مغنیه در نگاه به اهل سنت منفعلانه عمل نکرده است، بلکه اصل را اثبات عقاید شیعه می‌داند و در ادامه دیدگاه مذاهب دیگر را مطرح می‌کند.

عضو انجمن قرآن پژوهی حوزه علمیه قم درباره تفکر علامه مغنیه مبنی بر تجدیدنظر در مسائل فقهی براساس مصالح عام خاطر نشان کرد: این دیدگاه ارزنده و قابل طرح در محافل علمی است و حضرت امام خمینی(ره)، نیز تأکید داشتند زمان و مکان و نیازمندی‌های عصر ما، اقتضائاتی دارد که ایجاب می‌کند نسبت به مسائل فقهی و اصولی دقت بیشتری داشته باشیم و متناسب با زمان حرکت کنیم. علامه مغنیه نیز بر این اساس حرکت می‌کرد.

حسین علوی مهر در توضیح بیشتر این مطلب گفت: مصلحت عامه را در نظر گرفتن برای تجدیدنظر در مسائل فقهی با این نظر که مصلحت عامه را مبنای بزرگ فقهی بدانیم، متفاوت است و این دیدگاه یکی از مبانی فکری اهل سنت است که شیعه آن را قبول ندارد؛ اما اگر نیازهای عصر حاضر ایجاب کند، در مسائل فقهی باید تجدیدنظر و مصالح عمومی در فقه دخالت داده شود؛ البته نه به‌عنوان یک مبنای مستقل برای استنباط، بلکه یک مبنا در کنار مبانی دیگر همچون استفاده از عقل، کتاب و سنت که بسیاری از فقهای معاصر همچون امام خمینی(ره)، آیت‌العظمی شهید سید محمدباقر صدر، آیت‌الله شهید مرتضی مطهری و مقام معظم رهبری آن را قبول دارند. وی در پایان در پاسخ به این سؤال که آیا قبول دارید اعتقاد به عصمت از دیدگاه چینی‌ها، کمونیست‌ها و مسیحیان که علامه آن را در الکاشف مطرح کرده، برای مخاطب گفته شود، گفت: هر دین یا مذهبی به نحوی عصمت را قبول دارد، اما دیدگاه‌ها متفاوت است؛ مثلاً اهل تسنن معتقدند اگر خطایی میان رهبران دینی خود دیدند، خطا در اجتهاد صورت گرفته است؛ بنابراین خروج از عصمت نیست، علامه هم در الکاشف این مسئله را مطرح می‌کند تا نشان دهد محدوده عصمتی که شیعه قبول دارد، با نظر دیگر ادیان و مذاهب درباره عصمت متفاوت است.

گفتنی است، حسین علوی مهر تاکنون حدود ۲۰ مقاله در نشریات مختلف چاپ و در حوزه و دانشگاه تدریس کرده است، «روش‌ها و گرایش‌های تفسیری» و «تاریخ تفسیر و مفسران» از آثار چاپ‌شده این استاد دانشگاه است. وی «تفسیر روایی فریقین» با موضوع دیدگاه شیعه و اهل تسنن درباره تفسیر سوره «حمد» و «بقره» و کتاب «مسئله وحی» را نیز در دست چاپ دارد.



به قرآن نیز بسیار مهم است؛ اما نمی‌توان استناد به روایات را در تفسیر نادیده گرفت.

علامه مغنیه در نگاه به اهل سنت، منفعلانه عمل نکرده است

فصل چهارم:

اهتمام علامه مغنیه به ارائه تفسیری
متناسب با نیاز جامعه و نسل جوان



پژوهشگر عراقی عنوان کرد:

ارائه راه حلی قرآنی برای مسائل جامعه؛ دغدغه علامه مغنیه

علامه مغنیه در پی آن بود تا با بهره‌گیری از آموزه‌های قرآن، برای حل و فصل بزرگترین مسائل جوانان و جامعه سازوکار ارائه دهد تا با این کار علاوه بر آزاد کردن ذهن جوانان از مکتب‌های فکری منحرف، به تمام شبهات درباره اسلام و قرآن کریم پاسخ دهد.

در پی آن بود تا با بهره‌گیری از آموزه‌های قرآن، برای حل و فصل بزرگترین مسائل جوانان و جامعه سازوکار ارائه دهد تا با این کار علاوه بر آزاد ساختن ذهن جوانان از مکتب‌های فکری منحرف، به تمام شبهه‌هایی که به اسلام و قرآن کریم نیز وارد می‌شد، پاسخ دهد.

وی در مورد جایگاه و ویژگی‌های علامه مغنیه گفت: مرحوم مغنیه از اندیشمندان بزرگ شیعه بود که تأثیر بسزایی در جامعه خود ایفا کرد. وی در آثار خویش به مسائل مطرح در جامعه از دیدگاه قرآن کریم نگرست و تلاش کرد تا به شبهه‌های مطرح در مورد اسلام و تشیع پاسخ دهد و برای تحقق این هدف، به تألیف آثاری پرداخت که مهم‌ترین آن‌ها تفسیر الکاشف بود.

این پژوهشگر عراقی در ادامه تأکید کرد: شیوه علامه در تألیف نیز متفاوت بود و با روشی آسان و زبانی ساده، جذاب و به‌روز سعی کرد تا با مردم ارتباط بهتری برقرار سازد و بدین ترتیب در تفسیر خود محدوده زمان و مکان را درنوردید و تفسیری قابل استفاده برای تمام زمان‌ها و مکان‌ها ارائه داد.

الخاقانی همچنین با بیان این که تفسیر قرآن با قرآن در تفسیر الکاشف بسیار مشهود است، گفت: مرحوم مغنیه علاوه بر استفاده از آیات برای تفسیر آیات دیگر، با الهام از آموزه‌های مذهب تشیع، از احادیث اهل بیت(ع) نیز استفاده کرد.

وی در پایان خاطر نشان کرد: مرحوم مغنیه در تلاش بود که ابعاد مختلف اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و فکری جامعه را براساس مفاهیم و آموزه‌های قرآن تبیین کند و این امر نوعی نوگرایی در امر تفسیر به شمار می‌آید که مرحوم مغنیه از مهم‌ترین طرفداران آن بود.

یادآور می‌شود، «عبدالحسین سلمان طاهر الخاقانی» که مشهور به ابوحسان الخاقانی است از اندیشمندان و پژوهشگران برجسته عراقی به‌شمار می‌رود که هم‌اکنون معاون مسئول دفتر مجلس اعلاهی اسلامی عراق است و مقالات و پژوهش‌هایی در حوزه‌های مختلف علوم سیاسی و اجتماعی نگاشته است.

ابوحسان الخاقانی، اندیشمند و پژوهشگر عراقی و معاون مسئول دفتر سیاسی مجلس اعلاهی اسلامی عراق، با اعلام این مطلب گفت: علامه مغنیه دیدگاه ژرف و عمیقی نسبت به مسائل اجتماعی داشت و از مشکلات جامعه معاصر خود به خوبی آگاه بود. مرحوم مغنیه به خاطر این که مدتی به عنوان قاضی در جامعه لبنان فعالیت کرد، همواره با مسائل و مشکلات روزمره مردم سروکار داشت و به خوبی آن‌ها را لمس کرد و پیش از آن که بخواهد با نوشتن تفسیر «الکاشف» برای مسائل اجتماعی مردم راه‌حل ارائه دهد، به عنوان یک قاضی تلاش کرد تا این مسائل و مشکلات را حل و فصل کند.

وی افزود: در دوره‌ای که علامه مغنیه زندگی می‌کرد، مکتب‌های فکری جدیدی مانند لیبرالیسم، مارکسیسم و غیره وارد جامعه اسلامی شدند و ذهن جوانان را به خود مشغول ساختند. در این برهه زمانی علامه مغنیه با ژرف‌اندیشی خود نیاز جامعه و به‌ویژه جوانان به دین مبین اسلام و آموزه‌های آن‌را به‌خوبی دریافت و تلاش کرد تا این نیازمندی جوانان به آموزه‌های ارزشمند اسلام و انتظار آنان را برآورده سازد و شکافی را که میان جوانان و اسلام در آن زمان به وجود آمده بود، از میان بردارد.

الخاقانی با بیان این که مکتب‌های فکری مطرح در آن دوره در تلاش بودند که خود را جایگزینی برای دین مبین اسلام معرفی کنند، گفت: علامه مغنیه به طرح آموزه‌های قرآن کریم و دیدگاه‌های آن، تصور جدید و قابل قبولی از اسلام ارائه داد که هم به مسائل معاصر پاسخ دهد و هم مورد قبول جوانان واقع شود.

وی گفت: در آن دوران، اسلام در معرض اتهامات و تهاجم مکتب‌های فکری متفاوتی بود و از مهم‌ترین شبهه‌هایی که به اسلام وارد می‌شد، این بود که این دین آسمانی برای جوانان اهمیت چندانی قائل نشده است؛ در حالی که اسلام جوانان را بسیار گرامی می‌دارد و برای آن‌ها جایگاه بسیار والایی قائل است.

الخاقانی اضافه کرد: علامه با توجه به شخصیت مسئولیت‌پذیری که داشت،



بانوی قرآن پژوه عراقی:

نگرش علامه مغنیه به آموزه‌های قرآنی بر اساس چشم‌انداز توسعه پایدار بود

علامه شیخ محمدجواد مغنیه بر این باور بود که تمامی علوم، زمانی می‌تواند مفید واقع شود که بر اساس چشم‌انداز توسعه پایدار و خدمت به نسل‌های حاضر و آینده باشد و بر همین اساس، نگرش ایشان به آموزه‌های قرآن کریم در ال‌کاشف تحت قانون توسعه پایدار بود.

مختلف آن، نگاه کنند و این نوع نگرش تأکید نگارنده تفسیر ال‌کاشف را به مسئله تقریب و وحدت مذاهب اسلامی و تقریب ادیان آسمانی به‌طور عام نشان می‌دهد، زیرا بر اساس اعتقاد علامه مغنیه، همه ادیان و مذاهب، تحت عنوان «الوحي الرباني» وحدت پیدا کرده‌اند.

این بانوی عراقی متخصص در مطالعات قرآنی و پژوهش‌های نقدی در ادامه این گفت‌وگو به اندیشه‌های نوگرایانه علامه مغنیه در زمینه اجتهاد و ضرورت اصلاح حوزه‌های علمیه و به‌کارگیری شیوه‌های نوین در تبلیغ دین و دموکراسی اسلامی اشاره کرد و گفت: مرحوم مغنیه دارای روش خاصی بود که با آن متمایز شد، در این روش ایشان به بررسی تاریخ فقه اسلامی به‌طور بسیار دقیق و عمیق پرداخت که هدف وی از این تألیفات، ایجاد بینش آینده‌نگری و نوآوری برای دانشمندان و محققان زمان خود بود، زیرا همان‌طور که می‌دانیم همه چیز در حال پیشرفت است و به تبع آن تمامی علوم و به‌ویژه علم «بررسی تاریخ فقه اسلامی» نیز از این پیشرفت تأثیر می‌پذیرد.

وی در ادامه یادآور شد: مرحوم مغنیه بر این باور بود که اگر تاریخ فقه، دقیق و جامع و با افقی جدید بررسی شود، به نوبه خود بر مجتهد و فقیهی

ابتهام عبدالکریم علی حسین المدنی، رئیس دانشکده تربیت معلم کوفه و از بانوان قرآن‌پژوه عراقی، با بیان این مطلب گفت: علامه مغنیه، آینده‌نگری خاصی داشت که این اندیشه و تفکر ایشان با مطالعات و پژوهش‌های معاصر در زمینه توسعه پایدار جهان متناسب و هماهنگ بود.

وی افزود: مرحوم مغنیه تأکید داشت که علوم جدیدی که کشورها به آن اهتمام قابل توجهی دارند، زمانی مفید واقع می‌شود که تمامی این علوم بر اساس چشم‌انداز توسعه پایدار باشد، و مبنای این علوم مبتنی بر این باشد که تمامی نسل‌ها از آن بهره‌مند شوند و در حق نسل‌های آینده کوتاهی نشود. این نوع نگرش و دیدگاه نوگرایانه در تفکر و ذهن علامه مغنیه نیز وجود داشت و ایشان هنگامی که تفسیر ارزشمند «الکاشف» را نگاشت، به مفاهیم و آموزه‌های قرآن با نگاهی تحت قانون توسعه پایدار نظر داشت.

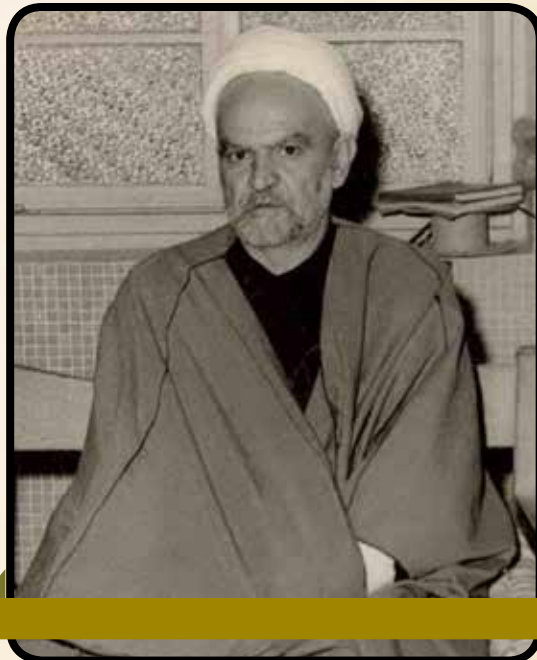
وی با اشاره به این‌که علامه مغنیه دارای آینده‌نگری خاصی بود، خاطر نشان کرد: مرحوم مغنیه بر این باور بود که همگان باید به دین اسلام به عنوان یک دین واحد، بدون در نظر گرفتن مذاهب و مکتب‌های

که خواهان نوشتن درباره موضوعات فقهی و یا صدور فتوا در این زمینه است، تأثیر خواهد گذاشت و این محقق در مقابل خود، روش و دیدگاه منسجم و نوگرایی‌های می‌بیند و از تاریخ فقه اسلامی برای تدوین فقهی جدید که متناسب با عصر و نوآوری‌های آن باشد، بهره می‌برد.

این بانوی فعال قرآنی عراق خاطر نشان کرد: اگر فقه ملتزم به یک روش و شیوه واحد باشد، سبب ایجاد نوعی جمود در آن می‌شود که مسلمانان را مجبور به یافتن پاسخ پرسش‌های خود خارج از چارچوب اسلام می‌کند و متأسفانه این موضوع در بسیاری از مذاهب اسلامی که مسئله اجتهاد را لغو و بر تاریخ و نقل تکیه کرده‌اند، رخ داده است و سبب نوعی سکون و عدم پیشرفت در اندیشه‌های فقهی شده است، زیرا این فقه مطابق با مقتضیات زمان نیست و این رویکرد سبب شد که مسلمانان برای حل مشکلات و نیازهای خود، به قوانین وضع شده رجوع کنند و این پدیده بسیار خطرناکی است که علامه مغنیه با دعوت به بررسی تاریخ فقه اسلامی و بهره‌مندی از آن، مسلمانان را نسبت به آن آگاه کرد.

رئیس دانشکده تربیت معلم کوفه، به موضوع بهره‌گیری مرحوم مغنیه از افکار مذاهب مختلف در تفسیر الکاشف اشاره کرد و گفت: علامه مغنیه دارای اندیشه‌هایی نو و پیشرفته‌ای بود که اگر دانشمندان و محققان کنونی آن‌ها را با دقت بررسی کنند، برای آن‌ها بسیار مفید است و تفسیر الکاشف علامه مغنیه نیز با وجود کثرت جوانب مثبت آن، از جوانب منفی نیز خالی نیست، اما به هر حال افکار و اندیشه‌های مطرح شده در این تفسیر بسیار مفید و ارزشمند است.

وی در بخش دیگری از این گفت‌وگو به موضوع وجه اشتراک دو تفسیر



الکاشف علامه مغنیه و المیزان علامه طباطبائی اشاره کرد و گفت: علامه طباطبائی در تفسیر خود به فلسفه قرآن کریم نظر داشت و تلاش کرد که در عمق قرآن کریم تفکر کند و اطلاعات علمی این کتاب الهی را کشف کند، بنابراین هنگامی که ایشان مطالب خود را ارائه می‌کند شاید برای شخص عادی که تخصصی در مطالعات قرآنی ندارد، قابل درک نباشد، اما

علامه مغنیه با وجود این که تفکر عمیقی در مفاهیم و موضوعات قرآنی داشت، مطالب خود را بسیار سلیس و روان بیان می‌کند، به طوری که فهم این اطلاعات برای قشرهای مختلف جامعه مورد قبول است. بنابراین باید بگوییم که علامه طباطبائی در تفسیر خود به فلسفه قرآن کریم نظر داشت، اما علامه مغنیه در فلسفه قرآن کریم تعمق و آن را به شیوه ساده و قابل فهم برای همگان بیان کرد.

این پژوهشگر عراقی در پاسخ به این پرسش که چرا تفسیر الکاشف علامه مغنیه را جزء تفاسیر اجتماعی با صبغه تربیتی و هدایتی از قرآن کریم می‌شمارند؟ گفت: همان‌طور که می‌دانیم تفاسیر قرآنی زیادی وجود دارند و با دقت کردن در آن‌ها درمی‌یابیم هر مفسری در نوشتن تفسیر خود هدفی را دنبال می‌کند و مطابق با هدف تعیین شده، شیوه تفسیری خود را انتخاب می‌کند؛ بنابراین هدف اساسی علامه مغنیه از نوشتن تفسیر الکاشف، اصلاح اجتماعی بود.

وی اضافه کرد: با توجه به این هدف، مرحوم مغنیه به بررسی ساختارها و ستون‌هایی که بافت اجتماعی جامعه را شکل می‌دهد، پرداخت و به همین خاطر ایشان به مسئله هدایت جامعه و برطرف کردن مشکلاتی که مردم از آن‌ها رنج می‌برند، نظر داشت و هنگامی که پژوهشگر به تفسیر علامه مغنیه بنگرد، می‌بیند که هدایت از مهم‌ترین اهداف ایشان بوده است، زیرا باور شیخ مغنیه این بود که اگر جامعه هدایت شود و راه درست و صحیح را پیدا کند، به‌طور حتم اصلاح اجتماعی محقق می‌شود.

رئیس دانشکده تربیت معلم کوفه در پایان این گفت‌وگو به موضوع اهتمام علامه مغنیه در تفسیر الکاشف به مسائل سیاسی و آیات قرآنی مرتبط با بنی اسرائیل اشاره کرد و گفت: توجه مرحوم مغنیه به این موضوعات منجر به تألیف کتابی با عنوان «اسرائیلیات» شد و در حقیقت، این اهتمام را می‌توان از دو جنبه بررسی کرد؛ جنبه نخست تأکید قرآن کریم بر مسئله بنی اسرائیل و بیان خطرات تفکر و اندیشه این قوم است که شیخ مغنیه به خوبی به این موضوع پی برد و آن را برای مسلمانان تبیین کرد و جنبه دوم را می‌توان تلاش نسل‌های بنی اسرائیل (یهودیان) برای نسبت‌دادن ایده‌های جعلی و مخرب به مفاهیم اسلامی و قرآن کریم دانست که مرحوم مغنیه تأکید داشت، اگر مسلمانان در این اندیشه‌ها تفکر کنند از راه درست و صحیح منحرف می‌شوند، به همین خاطر شیخ مغنیه جهت آشکار کردن حقیقت خطر این قوم، کتابی با عنوان اسرائیلیات را نوشت تا مردم مسلمان را از افکار خبیثانه بنی اسرائیل در گذشته و حال آگاه کند.

ابتهام عبدالکریم علی حسین المدنی، بانوی قرآن پژوه عراقی و رئیس دانشکده تربیت معلم کوفه، در سال ۱۹۵۸ میلادی در شهر «بعقوبه» عراق متولد شد، وی در سال ۲۰۰۱ میلادی موفق به اخذ درجه دکتری در رشته فلسفه زبان و ادبیات عرب شد و از سال ۲۰۰۹ میلادی تاکنون ریاست دانشکده تربیت معلم دانشگاه کوفه را بر عهده دارد.

«الجنة فی القرآن الکریم»، عنوان پایان‌نامه کارشناسی ارشد و «بنیة النص القرآنی - دراسة موازنة بین البنیة العقائدية واللغوية والفنية» عنوان رساله دکتری وی بوده است؛ «خطابیه النص القرآنی» و «تفسیر سورة القدر المنقول من کتاب کشف الأسرار المنسوب لابن عربیة»، «مقدمه لدراسات البنیة القرآنیة»، «البنیة الخطابیة الفنیة فی مقدمه سورة المائدة»، «الرؤیة الدلالية عند الشهدید الحکیم (قدس سره) و توظیفها فی تفسیر القرآن الکریم»، «أسالیب الجدل فی القرآن الکریم» از جمله تألیفات این محقق عراقی به شمار می‌آید.



ابراهیم یعقوبیان:

علامه مغنیه با بهره‌بری از «فقه مقارن» احکام قرآن را تفسیر می‌کند

علامه محمدجواد مغنیه در تفسیر ارزشمند «الکاشف» هر جا می‌خواهد مبحثی فقهی را ذکر کند، با بهره‌بری از «فقه مقارن»، آرای علمای اهل تسنن را در کنار دیدگاه علمای شیعه مطرح و احکام قرآن را تفسیر می‌کند.

دقیق در آن زمان، از دغدغه ایشان برای تحقق وحدت اسلامی و هشدار نسبت به شعله‌ور شدن آتش فتنه و تفرقه در جهان اسلام نشئت گرفت. این کارشناس ارشد علوم قرآن و حدیث با اشاره به این که علامه مغنیه در الکاشف، «جریان مباحله» و نیز «پیش‌گویی درباره شیوه حکومت یهودیان» را که در قرآن کریم ذکر شده است، اعجاز قرآن می‌داند، بیان کرد: این رویداد ربطی به اعجاز قرآن ندارد و مربوط به اعجاز پیامبر (ص) است، بنابراین جریان مباحله که در الکاشف به عنوان اعجاز قرآن یاد می‌شود، صحیح نیست و نمی‌توان آن را نوآوری مغنیه در این تفسیر به شمار آورد.

این محقق علوم اسلامی ویژگی‌های ادبی الکاشف و پرداختن به فصاحت و بلاغت قرآن در این تفسیر را این‌گونه تبیین کرد: مغنیه در مقدمه

حجت‌الاسلام والمسلمین ابراهیم یعقوبیان، کارشناس ارشد علوم قرآن و حدیث و محقق علوم اسلامی، ضمن بیان این مطلب گفت: علامه مغنیه تفسیر «الکاشف» را حدود سال ۱۹۶۷ میلادی که منطقه خاورمیانه شاهد جنگ اعراب و اسرائیل بود و خود لبنان نیز عرصه جنگ بود، تألیف کرد و این تفسیر از آخرین نگارش‌های علامه مغنیه بوده که در اواخر عمر وی به رشته تحریر درآمده است.

حجت‌الاسلام والمسلمین یعقوبیان در ادامه افزود: با توجه به هم‌زمان بودن تألیف تفسیر الکاشف با نژادپرستی‌های اسرائیل در خاورمیانه، مغنیه در این تفسیر از آیه ۶۳ تا ۶۶ سوره بقره در باره قوم یهود بحث می‌کند و هشدار می‌دهد که بنی اسرائیل و یهودیان تندرو، عاملان اساسی آشوب و هرج و مرج در جهان به‌ویژه در کشورهای عربی هستند و این نگاه

الکاشف آورده است «من به مباحث پیچیده ادبی که ربطی به پیام‌های قرآنی ندارد و همچنین موضوعاتی که صرفاً جنبه علمی دارد؛ اما کاربردی نیست، نمی‌پردازم»؛ بنابراین وی در هر بخش از تفسیر، ویژگی‌های ادبی را به صورت مفصل مطرح نکرده و تنها به تناسب موضوعات به این ویژگی‌ها می‌پردازد، زیرا وی پیام قرآن را بیش از هر چیز مهم می‌داند و با چنین رویکردی، لزومی نمی‌بیند شاخصه‌های ادبی و فصاحت و بلاغت آیات را تحلیل کند.

حجت‌الاسلام یعقوبیان در پاسخ به پرسشی درباره ترتیبی یا موضوعی بودن تفسیر الکاشف خاطر نشان کرد: تفسیر الکاشف، ترتیبی است، اما در دل این تفسیر به مناسبت‌های مختلف، تفسیر موضوعی هم گنجانده شده است؛ بنابراین نوعی ترکیب روش‌های تفسیری در الکاشف مشاهده می‌شود که نشان می‌دهد، استفاده از تفسیر موضوعی و ترتیبی در کنار یکدیگر، ممکن بوده و این روش‌ها قابل جمع هستند.

وی همچنین یادآور شد: علامه مغنیه مباحث مختلف را در الکاشف به صورت سؤال و جواب مطرح می‌کند و با طرح سؤال، ذهن را برای دریافت بهتر جواب آماده و مخاطب را در درک بهتر مبحث یاری می‌کند. همچنین هر جا می‌خواهد مبحثی فقهی را ذکر کند، با بهره‌بری از «فقه مقارن»، آرای علمای اهل تسنن را در کنار دیدگاه علمای شیعه مطرح و احکام قرآن را تفسیر می‌کند.

حجت‌الاسلام یعقوبیان تأکید کرد: علامه در بخشی از الکاشف معتقد است، حقیقت اسلام در یک کلمه به نام «استقامت» خلاصه می‌شود و در این مورد به آیه ۳۰ سوره فصلت «إِنَّ الدِّينَ قَالُوا رَبُّنَا اللَّهُ ثُمَّ اسْتَقَامُوا تَتَنَزَّلُ عَلَيْهِمُ الْمَلَائِكَةُ أَلَّا تَخَافُوا وَلَا تَحْزَنُوا وَأَبْشُرُوا بِالْجَنَّةِ الَّتِي كُنْتُمْ تُوعَدُونَ» (در حقیقت کسانی که گفتند پروردگار ما خداست سپس ایستادگی کردند فرشتگان بر آنان فرود می‌آیند [و می‌گویند] هان بیم مدارید و غمین مباشید و به بهشتی که وعده یافته بودید شاد باشید) استناد کرده و معتقد است: استقامت یعنی این‌که انسان پا از حدود الهی فراتر نگذاشته و به گمراهی گرایش پیدا نکند.

مغنیه معتقد است حقیقت اسلام در «استقامت» خلاصه می‌شود این پژوهشگر علوم قرآنی بیان کرد: مغنیه استقامت را همان صراط مستقیم می‌داند و در این مورد به آیه ۱۶ سوره اعراف «قَالَ فَبِمَا أَغْوَيْتَنِي لَأَقْعُدَنَّ لَهُمْ صِرَاطَكَ الْمُسْتَقِيمَ لَأَقْعُدَنَّ لَهُمْ صِرَاطَكَ الْمُسْتَقِيمَ لَأَقْعُدَنَّ لَهُمْ صِرَاطَكَ الْمُسْتَقِيمَ» (گفت پس به سبب آنکه مرا به بیراهه افکندی من هم برای [آفریتن] آنان حتماً بر سر راه راست تو خواهم نشست) استناد می‌کند.

استاد سابق حوزه علمیه مشهد خاطر نشان کرد: مغنیه در تفسیر خود به مسائل اجتماعی روز و نیز حوادثی که در جوامع عربی و اسلامی می‌گذرد، پرداخته است؛ بنابراین کسانی که در حوزه علوم قرآن فعال هستند، چنانچه الکاشف را مطالعه کنند، خواهند دید ریشه آسیب‌های جهان امروز در الکاشف تبیین شده است.

وی پرداختن به وحدت اسلامی و دعوت به صلح جهانی را از دغدغه‌های مهم مغنیه در الکاشف برشمرد و گفت: مغنیه در موارد متعددی بحث وحدت بین ادیان، هم‌زیستی مسالمت‌آمیز و برادری و اتحاد شیعه و سنی را مطرح می‌کند و معتقد است، تحقق اتحاد، نیازمند پذیرفتن اعتقادات و اصول واحدی است و تجربه نشان داده اگر انسان‌ها تنها به فکر منافع شخصی باشند، وحدت محقق نخواهد شد.

پرداختن به وحدت اسلامی و دعوت به صلح جهانی در الکاشف

حجت‌الاسلام ابراهیم یعقوبیان در توضیح بیشتر این مطلب گفت: مغنیه معتقد است امت اسلامی و مسلمانان از هر رنگ و نژادی را سه اصل مشترک ایمان به خدا، قرآن کریم و کعبه به هم پیوند می‌دهد و برای تحقق وحدت تمامی ادیان، باید حقوق متقابل را رعایت کرد، مسئله‌های که علمای دین مروج آن بوده و تأکید داشتند تفرقه هیبت و شوکت جامعه اسلامی را از بین خواهد برد.

این پژوهشگر قرآنی در بخش دیگری از سخنان خود تفسیر «المیزان» علامه طباطبایی را با الکاشف مقایسه کرد و گفت: المیزان جامع است و مسائل را با ابعاد فلسفی، کلامی و اجتماعی و با توجه به علوم حدیث، لغت و ادبیات بررسی کرده است؛ در حالی که الکاشف به این گستردگی و جامعیت نیست، الکاشف را نباید با المیزان مقایسه کرد، زیرا رویکرد این دو تفسیر متفاوت است.

این محقق علوم اسلامی در پایان با اشاره به پرداختن به سیره حضرت زهرا(س) در الکاشف، یادآور شد: مرحوم مغنیه معتقد است، فضیلت ویژه حضرت زهرا(س) پاره تن پیغمبر بودن است و برای برتری آن حضرت بر زنان جهان، کافی است یکی از ویژگی‌های رسول گرامی اسلام(ص) در وی باشد، اگر پیامبر(ص) برترین پیغمبر جهان است، زهرا(س) به عنوان پاره تن آن حضرت، برترین زن جهان خواهد بود.

گفتنی است، حجت‌الاسلام والمسلمین ابراهیم یعقوبیان دارای مدرک کارشناسی ارشد علوم قرآن و حدیث از دانشگاه قم است و به مدت ۱۰ سال در حوزه علمیه مشهد تدریس کرده است. وی آثار متعددی را به رشته تحریر درآورده که «لوامع البیان»، «سهو النبی»، «پاسخ به شبهات

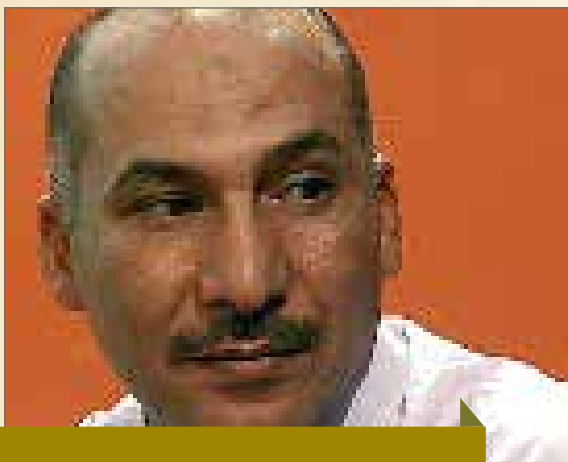


پیرامون نگاه اسلام به زن» و «مدرسه نامری» از جمله این آثار است، از این محقق علوم اسلامی تاکنون مقالات متنوعی در نشریات مختلف به چاپ رسیده است.

قرآن پژوه عراقی:

علامه مغنیه درک درست از مفاهیم قرآن را بدون عنصر زمان غیر ممکن می‌دانست

عنصر زمان در تفسیر «الکاشف» اثر علامه محمدجواد مغنیه نقش بسیار اساسی دارد و ایشان نیز درک درست و جدید از مفاهیم قرآن را بدون عنصر زمان غیر ممکن دانسته است، وی پیوسته در تلاش بود که قرآن را با توجه به امور روزمره و نه با توجه به جنبه تاریخی آن درک و تفسیر کند.



روایات از اهل بیت(ع) زیاد روی نکرده و تنها به استفاده از احادیث صحیح و درست بسنده کرده است و همچنین بر مفسرانی که در به کارگیری احادیث و روایات در زمینه احکام و سنت‌ها سهل‌انگاری می‌کنند، خرده می‌گیرد.

وی در ادامه به تبیین هدف علامه مغنیه در نگارش تفسیر الکاشف پرداخت و گفت: مخاطب قرار دادن خواننده و نسل جوان از ویژگی‌های این تفسیر است و علامه مغنیه در حقیقت برای خود تفسیر نمی‌نوشت، بلکه هدف اصلی وی مخاطب قرار دادن نسل جوان و خوانندگان است و این ویژگی و اخلاص در مفسران دیگر قرآن که هدفشان جز نشان دادن مهارت‌های ادبی و علمی خود نیست، کمتر دیده می‌شود؛ به همین خاطر علامه مغنیه در تفسیر قرآن از پرداختن به سخنان پیشینیان و بازخوانی خوانش‌های پیشین از قرآن و همچنین، تفسیر معنوی قرآن کریم خودداری می‌کند.

محمدرضا الشریفی خاطر نشان کرد: شیخ مغنیه بیگانگی جوانان مسلمان را در میان فرهنگ باشکوهی که تنها در میان کتاب‌ها یافت می‌شود و میان واقعیت ضعیفی که فرهنگ غرب بر آن سیطره پیدا کرده بود، به خوبی درک کرد، و این سخنان علامه مغنیه یادآور حدیث شریف پیامبر اکرم(ص) است که می‌فرماید «بدأ الإسلام غريباً، وسيعود غريباً كما بدأ، فطوبى للغرباء».

این فعال قرآنی عراق تأکید کرد: علامه شیخ محمدجواد مغنیه بر ضرورت درک نسل جوان به صورت عملی و بیان اندیشه اسلامی مطابق با مقتضیات معاصر و به دور از کلیشه‌های بودن، و نیز بر آزاد ساختن اسلام از قید و بندهای فرقه‌ای، مذهبی و نژادی تأکید داشته است و خود علامه مغنیه اولین کسی بود که دست به این کار زد و این شیوه به وضوح در نوشته‌ها و آثار ایشان دیده می‌شود و همچنین، ایشان بر اهمیت نقش اساسی مدارس و نهادهای مدنی مستقل از دولت در جهان اسلام در نشر اسلام پویا بسیار تأکید کرده است.

مدیر مرکز ملی علوم قرآن بغداد در پایان این گفت‌وگو اظهار کرد: هدف علامه مغنیه از تفسیر قرآن کریم جنبه آموزشی آن نبود، بلکه جنبه اصلاحی در تفسیر الکاشف بیشتر مدنظر علامه مغنیه بود و این همان چیزی است که باعث شد مرحوم مغنیه تمامی چیزهایی را که در فرآیند تفسیر قرآن کریم برای ایشان مشکل ایجاد می‌کند و وی را در نهضت اصلاح‌گرایانه خود باز می‌دارد، دوری کند.

یادآور می‌شود، محمدرضا الشریفی از فعالان مرکز ملی علوم قرآن بغداد وابسته به دیوان وقف شیعی عراق، سردبیر هفته‌نامه قرآنی «قطوف» و مجله «والقلم» است. مرکز ملی علوم قرآن بغداد تنها مرکز رسمی قرآنی عراق است که با نظارت دیوان وقف شیعی اداره می‌شود و در زمینه رشد استعدادها و قرآنی عراق و فراهم آوردن زمین‌های برای مشارکت قاریان عراقی در مسابقات بین‌المللی و ملی عراق فعالیت می‌کند، هفته‌نامه قرآنی قطوف با هدف نشر فرهنگ دینی و قرآنی توسط مرکز ملی علوم قرآن بغداد منتشر می‌شود که تاکنون ۳۰ شماره از این هفته‌نامه منتشر شده است.

محمدرضا الشریف، مدیر مرکز ملی علوم قرآن بغداد وابسته به دیوان وقف شیعی عراق و سردبیر هفته‌نامه قرآنی «قطوف» و مجله «والقلم» عراق، با اعلام این مطلب گفت: جدا کردن قرآن از مسئله و جنبه تاریخی آن اعتراض‌ها و تشنجاتی را به دنبال خواهد داشت، اما در عین حال این عمل نشانه‌ای از تجدید و نوآوری و رغبت در آزاد شدن از قید و بند زمانی، مذهبی و فرقه‌ای است که اندیشه مفسر روشنفکر را محدود می‌کند. علامه مغنیه تمایل به چنین جهتی داشته است و این جهش خلاق و مبتکرانه را از اندیشه اهل بیت(ع) به ارث برده است و در کلام امیرالمؤمنین امام علی(ع) هنگامی که می‌فرمایند: «أثيروا القرآن وقلوبه فإنه لاتنتهي عجائبه ولا تنقضي غرائبها ولا يخلق من كثرة الرد» به وضوح بیان شده است.

محمدرضا الشریف در ادامه اظهار کرد: از خصوصیات منحصر به فرد قرآن کریم این است که نه تنها مبین همه چیز است، بلکه روشن کننده و تبیین کننده خود نیز است و هیچ دلیل و تبیینی برای قرآن، بهتر از خود این کتاب الهی نیست. وی خاطر نشان کرد: وظیفه تفسیر قرآن به قرآن این نیست که تنها به فهم بهتر این کتاب الهی کمک کند، بلکه رکن و اساس حکم الهی و هدف اصلی آن را بیان و روشن می‌کند و مقام و موقعیت مفسر را در تبیین و روشن کردن آیات نشان می‌دهد؛ همچنین، تفسیر قرآن به قرآن یک مکتب اخلاقی و اصل اعتقادی است و مفسران پیشین براساس این شیوه و روش به تفسیر قرآن کریم پرداختند و اهل بیت(ع) نمونه‌های پویا و زنده‌ای از تفسیر قرآن به قرآن برای ما ارائه داده‌اند و در واقع مؤسسان این شیوه تفسیری هستند و برخی از علمای امت اسلام و مفسران از جمله علامه شیخ محمدجواد مغنیه نیز به این روش روی آورده‌اند.

الشریفی در ادامه افزود: علامه شیخ محمدجواد مغنیه بر این باور بود که پرداختن به ظواهر و ترکیبات لغوی، مفسر را از بیان مقصود اصلی دور می‌کند؛ وی اهمیت ظواهر لغوی و بلاغت قرآن کریم، بدیع، بیان، ترکیب‌های لغوی و قرائت‌های قرآن را در فهم درست متن قرآن نفی نکرده است، بلکه ایشان بر این باور بود که پرداختن به این ظواهر خدمتی به مقصود اصلی تفسیر نخواهد کرد. وی با اشاره به این که علامه مغنیه این ظواهر لغوی را در تفسیر «الکاشف» در اولویت قرار نداده است، گفت: مرحوم مغنیه در ابتدای نوشتن تفسیر خود، اهدافی را برای خود تعیین کرد که از جمله این اهداف، کشف و شناسایی هدف درونی و معنوی قرآن و نیز گسترش محدوده معانی و مباحث استفاده‌شده از آیات قرآن کریم است.

مدیر مرکز ملی علوم قرآن بغداد در بخش دیگری از این گفت‌وگو درباره بهره‌گیری از روایات و احادیث اهل بیت(ع) در فهم متن قرآن کریم در تفسیر الکاشف گفت: برخی از مفسران در استفاده از احادیث و روایات اهل بیت(ع) برای تبیین معانی و مفاهیم آیات قرآن کریم افراط می‌کنند و چیزی که علامه مغنیه را از دیگر مفسران متمایز ساخته، این است که ایشان در به کارگیری

استاد دانشگاه کوفه:

استاد مغنیه همواره بر هماهنگی فعالیت حوزه با مقتضیات روز تأکید می‌کرد



علامه شیخ محمدجواد مغنیه، صاحب دو تفسیر گران‌سنگ «الکاشف» و «المبین»، را باید از علما و مفسرانی دانست که همواره بر ضرورت اصلاح حوزه‌های علمیه و هماهنگ کردن فعالیت‌ها، درس و برنامه‌های حوزه‌ها با مقتضیات روز جامعه تأکید داشت.

تغییر و تحولات و نوگرایی در ساختار و ارائه درس هستند. وی افزود: بحث اصلاح در حوزه‌های علمیه و نوگرایی در ساختار حوزه‌ها، در بسیاری از آثار و مقالات مرحوم مغنیه نمایان است و علامه در یکی از مقالات خود خاطرنشان می‌کند که اگر از مراجع عظام بود، حتماً در حوزه‌های علمیه و دروسی که در آن‌ها ارائه می‌شد، اصلاحاتی را پیاده می‌کرد. ایشان می‌خواست تا فقه

حسن عیسی الحکیم، مورخ و پژوهشگر برجسته عراق، رئیس سابق دانشگاه کوفه و استاد فلسفه تاریخ، خاورشناسی و علم حدیث این دانشگاه، با اعلام این مطلب گفت: علامه شیخ محمدجواد مغنیه پیوسته در صدد هماهنگی حوزه با پیشرفت‌ها و مقتضیات عصر حاضر بود و این خواسته بسیار درستی بود؛ چراکه علامه احساس می‌کرد که حوزه‌های علمیه، نیازمند این

حال بررسی شخصیت و آثار ایشان هستیم و بسیاری از استادان، علاقه‌مند به پژوهش در مورد آثار و اندیشه دینی و قرآنی علامه مغنیه هستند و با پیشنهاد این اساتید، علامه مغنیه را به عنوان موضوع پایان‌نامه به دانشجویان دوره تحصیلات تکمیلی ارائه می‌دهیم.

رئیس مؤسسه دینی - فرهنگی «التراث النجفی» عراق در پایان این گفت‌وگو خاطرنشان کرد: به اعتقاد من تاکنون، تحقیقات تفصیلی که به‌طور جدی آثار و شخصیت علامه مغنیه و آراء و اندیشه‌های این مفسر بزرگ شیعی را در عرصه‌های مختلف مورد واکاوی قرار دهد، صورت نگرفته است.

حسن عیسی الحکیم متولد نجف اشرف و از مورخان برجسته عراق، رئیس مؤسسه دینی - فرهنگی «التراث النجفی» عراق، رئیس سابق دانشگاه کوفه، پژوهشگر و استاد دانشکده ادبیات و فقه این دانشگاه است. کتاب هشت جلدی «المفصل فی تاریخ النجف الأشرف» و «دور الشیخ البلاغی فی تنزیه القرآن الکریم من الشبهات» (نقش علامه بلاغی در رفع شبهات از قرآن کریم) از آثار مهم وی به شمار می‌آید؛ همچنین، تاکنون ۳۰ اثر چاپ کرده و بر تعداد زیادی از پایان‌نامه‌ها در مقطع کارشناسی ارشد و رساله‌های دکتری دانشجویان در دانشگاه کوفه نظارت داشته و در همایش‌های داخلی و خارجی شرکت کرده است. دکتر عیسی الحکیم به خاطر تخصصی که در تاریخ اسلام دارد، تاکنون مقالات و پژوهش‌های ارزشمندی در زمینه جانب تاریخی در قرآن کریم ارائه داده است.

شیعه امامی، با پیشرفت تمدن معاصر هماهنگ و رو به جلو باشد و بر اساس این تغییرات نیز انعطاف یابد.

عیسی الحکیم تصریح کرد: مرحوم مغنیه نمی‌خواست که حوزه علمیه در گوشه‌ای به دور از تحولات روز باشد. ایشان همواره به دنبال از بین بردن فاصله موجود بین حوزه و دنیای خارج از آن بود و این یکی از ویژگی‌ها و امتیازات تفکر علامه محمدجواد مغنیه است.

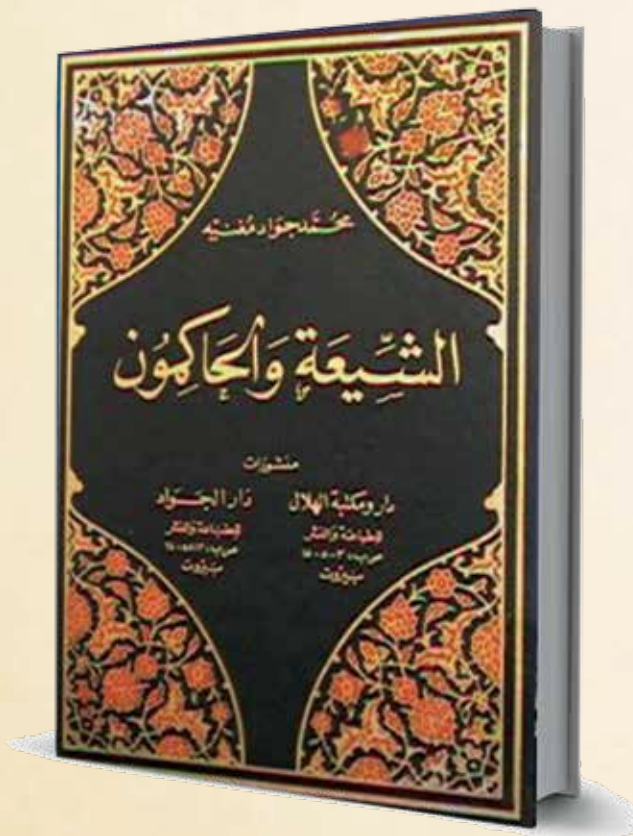
رئیس مؤسسه دینی - فرهنگی «التراث النجفی» عراق درباره دیدگاه علامه مغنیه در مورد وحدت و همدلی میان مسلمانان، گفت: علامه با پیروی از آموزه‌های مذهب تشیع همواره مسلمانان را به گفت‌وگو و اتحاد دعوت می‌کرد. ایشان اصول هم‌زیستی مسلمانان را از مذهب تشیع و رفتار اهل‌بیت (ع) الهام می‌گرفت؛ زیرا ائمه اطهار (ع) همواره با کمک به مردم و ترویج ارزش‌های بخشش و تسامح بین مسلمانان، پل‌های مستحکمی را برای ایجاد ارتباط میان مسلمانان فراهم می‌آوردند.

وی اضافه کرد: وحدت اسلامی مسئله مطلوب و هدف بزرگی بوده که علما از گذشته به دنبال تحقق آن بوده‌اند و در تاریخ اسلام همواره نقل می‌شده که مناظره‌هایی میان علما برای از بردن اختلافات بوده است، اما در زمینه دیدگاه علامه مغنیه در مورد وحدت اسلامی، مسئله اساسی این است که هدف ایشان از طرح مفهوم وحدت اسلامی، از بین بردن اختلافات موجود در میان مسلمانان بود و نه توافق کامل و یکی شدن آن‌ها، علامه همواره در پی تحقق وحدت کلمه مسلمانان و از بین بردن اختلافات موجود در میان آنان بود.

حسن عیسی الحکیم در ادامه این گفت‌وگو، تفسیر الکااشف را یکی از شاهکارهای علامه مغنیه دانست و تصریح کرد: الکااشف، تفسیری است که همه افراد اعم از علمای بزرگ و عوام می‌توانند آن را بخوانند و از آن بهره ببرند.

وی در ادامه خاطرنشان کرد: انتخاب احادیث صحیح اهل بیت (ع) که علامه همیشه به دنبال کشف و استناد به آن‌ها بود، نشئت‌گرفته از این اعتقاد نزد شیعیان است که احادیث اهل بیت (ع) منبع وحیانی دارند و مطمئن‌ترین منبع برای تفسیر قرآن هستند؛ معمولاً این اعتقاد دلیلی بر قدرت احادیث اهل بیت (ع) است. البته همه مفسران شیعه از احادیث اهل بیت (ع) در تفسیر قرآن کمک می‌گرفتند، اما به نظر من تفاوت علامه با دیگران در این است که وی احادیث را به دقت انتخاب و همواره در جهت کشف احادیث مستند و صحیح تلاش می‌کرد.

حسن عیسی الحکیم تأکید کرد: آنچه بهره‌گیری علامه مغنیه از روایات و احادیث برای تفسیر قرآن کریم را از سایر مفسران دیگر جدا می‌کند، این است که ایشان تلاش می‌کرد احادیث را بنویسد و سپس آن‌ها را مطالعه و پس از آن، احادیث درست را از بین آن‌ها انتخاب کند و این گویای عمق تفسیر ایشان است. این مورخ عراقی در پایان این گفت‌وگو خاطرنشان کرد: علامه شیخ محمدجواد مغنیه دارای ویژگی‌ها و دیدگاه‌هایی است که برای نسل جدید امروزی بسیار مفید است، اما متأسفانه تحقیقات مفصلی در مورد ایشان صورت نگرفته و ما در دانشگاه کوفه در



پژوهشگر کوبیتی عنوان کرد:

ارتباط آیات قرآن با واقعیات روز جامعه؛ امتیاز تفسیر «الکاشف»



علامه محمدجواد مغنیه تمامی مسائل اعتقادی، سیاسی و اجتماعی زمان خود را از نزدیک لمس و در تفسیر «الکاشف» تلاش کرد آیات قرآن را با واقعیات‌های روز جامعه ارتباط داده و با بهره‌گیری از آموزه‌های ناب قرآنی، راه‌حلی برای مشکلات اجتماعی ارائه دهد.

جوان و تحصیل‌کرده جامعه کنونی قابل استفاده و تأمل است. وی در مورد وسعت دید علامه و نظریات جامع وی گفت: علامه مغنیه در زمینه‌های اجتماعی، سیاسی، وحدت مسلمانان و... نظریه‌پردازی کرده است و می‌توان وی را مفسری متعلق به تمام مذاهب اسلامی دانست. تفسیر علامه را می‌توان هم‌سنگ با تفسیر علامه طبرسی (قرن ششم هجری) که در دانشگاه الازهر به عنوان تفسیری مورد اطمینان برای شیعه و اهل تسنن شناخته شد، تفسیری برای تمام مسلمانان در دوران معاصر معرفی کرد. العلی در مورد به‌کارگیری آموزه‌های اهل‌بیت(ع) در تفسیر الکاشف اظهار کرد: یکی از امتیازهای علامه نسبت به دیگران به کارگیری

حجت‌الاسلام والمسلمین علی العلی، نویسنده و پژوهشگر کوبیتی، مدیر منطقه‌ای دانشگاه «کلمنتس» انگلیس در منطقه خلیج فارس و عضو هیئت علمی آکادمی علوم انسانی قم، وابسته به جامعه المصطفی(ص) العالمیه با اعلام این مطلب گفت: تفسیر الکاشف علامه مغنیه در محتوای فکری و اعتقادی خود بر مکتب اهل‌بیت(ع) استوار است و از دیدگاه اهل‌بیت (ع) به جهان نگریسته و علامه در آن مسلمانان را با صیغه جمع مورد خطاب قرار می‌دهد، بنابراین شیعه و سنی و حتی کسانی که در حوزه اسلامی مطالعه می‌کنند، می‌توانند از مطالب آن استفاده کنند؛ این تفسیر که می‌توان آن را ساده، ژرف، واقع‌گرا و در عین حال قابل اعتماد دانست، برای نسل

این استاد حوزه علمیه خاطر نشان کرد: علامه مغنیه واقع‌گرایانه به امور می‌نگریست و نظر شرعی را با در نظر گرفتن واقعیت موجود ارائه می‌داد، بنابراین با در نظر گرفتن آراء و نظرات علامه مغنیه می‌توان گفت که قوانین شرعی دین مبین اسلام برای هر زمان و هر مکانی مناسب هستند.

العلی در مورد شرایط دوران زندگی علامه که باعث شد تا وی به این رویکرد واقع‌گرایانه بپردازد، گفت: اگر به زندگی علامه نگاهی داشته باشیم، خواهیم دید که وی در اوایل قرن ۲۰ میلادی زندگی می‌کرد و لذا تمامی مسائل و مشکلات اعتقادی، سیاسی، اجتماعی، روانی و... آن دوره را مشاهده و از نزدیک لمس کرد؛ بنابراین وی در این دوران تصمیم می‌گیرد تا بر مبنای مستحکم قرآن کریم، قوانینی را پایه‌گذاری و آن‌ها را برای حل مسائل دوران معاصر معرفی کند. وی تأکید کرد: علامه مغنیه در نظریات شرعی خود تابع واقعیت بود و در تمام نظریات و روش‌های خود از این نگاه واقع‌گرایانه پیروی می‌کرد. نکته قابل توجه و جوان‌پسند این‌که وی در تفسیر واقعیت اجتماعی، قرآن کریم را مبنای قرار داده بود و لذا می‌بینیم که وی آیات قرآنی را به واقعیات ربط می‌داد.

مدیر سابق دانشگاه جهانی آل‌البیت (ع) در قم در پایان گفت: علامه در کتاب‌های فقهی خود گفت‌وگوهایش با دیگر مذاهب را ذکر می‌کرد و واقعیات مذکور در قرآن در مورد وحدت مسلمانان، اهل بیت (ع) و... را استخراج و آن‌ها را برای تفسیر به کار می‌گرفت؛ بنابراین می‌توان تفسیر الکاشف را تفسیر نسل جوان دانست و آن را برای تمام زمان‌ها و مکان‌ها مناسب قلمداد کرد.



احادیث اهل بیت (ع) در تفسیر آیات قرآنی است. علامه وابستگی شدیدی به مدرسه اهل بیت (ع) داشت و این وابستگی و پیروی از خط‌مشی اهل بیت (ع) در تفسیر ایشان نمایان است. مثلاً وی در تفسیر سوره آل عمران، حضرت فاطمه زهرا (س) را در کنار حضرت مریم (س) قرار داده و موضع هر کدام را در به‌کارگیری اعتقادات اسلامی تبیین می‌کند و توضیح می‌دهد.

وی در ادامه افزود: علامه مغنیه، احادیث و افعال اهل بیت (ع) را به عنوان منابع تفسیر الکاشف به کار برده و این شیوه را به گونه‌ای به کار گرفت که مورد پسند شیعه و سنی و حتی تحصیل‌کردگان و دانشگاهیان واقع شد.

این استاد حوزه علمیه قم ضمن اشاره به استفاده علامه مغنیه از قرآن و احادیث اهل بیت (ع) در تفسیر الکاشف گفت: علامه در تفسیر قرآن، همیشه منابع اصلی و مرتبط با وحی را به کار می‌برد و هیچ‌وقت به گفته‌ها و نظریات مراجع استناد نمی‌کرد، ایشان در تفسیر آیات قرآن کریم به قرآن و احادیث اهل بیت (ع) استناد کرد و از طریق این دو منبع، واقعیت را مورد بررسی قرار می‌داد.

علی‌العلی خاطر نشان کرد: علامه محمدجواد مغنیه در مورد اعجاز قرآنی، دیدگاه بسیار متفاوتی نسبت به دیگران دارد، علامه در تفسیر الکاشف ثابت کرد که اعجاز قرآن در این است که می‌تواند مسائل و مشکلات معاصر را حل و فصل کند و برای حل و فصل آن‌ها قانون بگذارد و صلاحیت داشتن قرآن کریم برای تمام زمان‌ها و مکان‌ها را اعجاز واقعی آن دانست.

العلی در بخش دیگری از این گفت‌وگو تصریح کرد: آنچه تفسیر الکاشف و المبین علامه مغنیه، را از دیگر تفاسیر، متفاوت ساخته، شیوه تفسیری وی است و علامه نگاهی واقع‌گرایانه داشت و نوشته‌های ایشان نیز در امتداد این نگاه واقع‌گرایانه قرار می‌گیرد.

این نویسنده و پژوهشگر کویته، در پاسخ به این پرسش که چرا تفسیر الکاشف را تفسیر نسل جوان می‌دانند، گفت: تفسیر الکاشف در واقع تفسیری برای نسل جوان است؛ زیرا علامه در آن، زبان ویژه نخبگان و فرهیختگان را به کار نمی‌گیرد و نیز با زبان علمی که پیچیده و فهمیدن آن دشوار است، نیز صحبت نمی‌کند، وی همچنین زبان بسیار ساده را به کار نمی‌گیرد. علامه در این تفسیر، واقعیت را مخاطب خویش ساخته بود و کار خود را بررسی آن می‌دانست، لذا وی برای آن‌که گرایش واقع‌گرایانه خویش را حفظ کند، به زبان جوان‌پسند و پر از نشاط به نوشتن الکاشف پرداخته بود. علی‌العلی تصریح کرد: علامه مغنیه با به‌کارگیری دیدگاه ویژه خود، برای مسائل و مشکلات معاصر راه حل ارائه می‌داد و نگرشی خاص نسبت به مسائل و مشکلات اجتماعی، روانی، سیاسی، اعتقادی و... دوره معاصر داشت که پس از تأمل و تفکر در آن‌ها و با تکیه بر شریعت اسلامی و مبانی قرآنی، رهیافتی دینی ارائه می‌داد که متناسب با حل آن بود.

وی افزود: می‌توان گفت که از دیدگاه علامه مغنیه، راه‌حل تمام مسائل در دین موجود است و این شریعت اسلامی برای تمام زمان‌ها و مکان‌ها مناسب خواهد بود و می‌تواند راه‌حل ارائه دهد. بنابراین، اصل کلی قانون‌گذاری بر یک پایه محکم استوار بوده که همان قرآن است.



نویسنده و پژوهشگر عراقی:

استخراج نظریه اجتماعی قرآن از ویژگی‌های تفسیر «الکاشف» علامه مغنیه است

علامه شیخ محمدجواد مغنیه در تفسیر گران سنگ «الکاشف» تلاش کرده تا نظریه اجتماعی قرآن کریم را که در آیات متعدد به آن اشاره شده است، استخراج و این نظریه را به عنوان راه‌حلی برای مشکلات و مسائل روز جامعه مسلمانان معرفی کند.

دنبال شد. آن مرحوم شیوه تفسیری بسیار متفاوتی را به کار گرفت و به گونه‌ای مسائل را به پیش می‌کشد که مخاطبان به‌دور از هر نوع تعصب و جانبداری بتوانند در تفسیر او مطالعه و درباره آن تفکر کنند.

این اندیشمند عراقی در ادامه گفت: علامه مغنیه در تفسیر الکاشف با منطق و گفتمانی مطابق با مقتضیات معاصر، تمام گروه‌های اجتماعی همچون فرهیختگان، دانشگاهیان، روحانیان، جوانان و عموم مردم را مورد خطاب قرار می‌دهد و به گونه‌ای آسان و بی‌تکلف مطالب را انتقال داده تا تفسیر او برای همگان قابل استفاده و بررسی باشد.

به گفته این استاد حوزه و دانشگاه در نجف اشرف، این شیوه علامه در نوشتن تفسیر الکاشف، در قبول نظریات او از جانب گروه‌های مختلف اجتماعی بسیار مهم بود. علامه با به‌کارگیری شیوه ویژه‌ای در تفسیر برای مخاطبان ثابت کرد که سعادت دنیوی و راه‌حل تمام مسائل معاصر اجتماعی در قرآن نهفته است.

وی یادآور شد: علامه مغنیه در این روش از برخی آیات قرآن برای تفسیر آیات دیگر استفاده می‌کرد و همچنین احادیث و روایات به‌جا مانده از پیامبر (ص) و ائمه اطهار (ع) را نیز برای ارائه تفسیری آسان از قرآن به کار می‌گرفت.

حسن کریم ماجد الربیعی در پایان این گفت‌وگو خاطر نشان کرد: علامه شیخ محمدجواد مغنیه با داشتن دیدگاهی معاصر و به‌روز نسبت به قرآن کریم، به مسائل و مشکلات معاصر پاسخ می‌دهد و با تکیه بر قرآن کریم برای حل مسائل اجتماعی معاصر راه‌حل ارائه داده است.

حسن کریم ماجد الربیعی، استاد حوزه و دانشگاه در نجف اشرف و از نویسندگان کتاب‌های دانشگاهی در زمینه حقوق اسلامی در عراق است و در همایش‌ها و نشست‌های بین‌المللی زیادی از جمله کنفرانس بین‌المللی علامه بلاغی که در اسفندماه سال ۱۳۷۶ در شهر قم برگزار شد، حضور داشت و مقاله‌ای را با عنوان «المسیح و الأنابیل للشیخ محمد جواد البلاغی» ارائه داد.

حسن کریم ماجد الربیعی، استاد حوزه و دانشگاه در نجف اشرف و از نویسندگان کتاب‌های دانشگاهی در زمینه حقوق اسلامی در عراق با بیان این مطلب گفت: علامه مغنیه، نویسنده تفسیر الکاشف با برجسته‌کردن نظریه اجتماعی دین مبین اسلام که در قرآن کریم آمده است، تفسیر خود را در راستای حل و فصل مسائل اجتماعی و ارائه پاسخی برای مشکلات و مسائل اجتماعی نوشت.

وی افزود: قرآن کریم دارای نظریه‌های اجتماعی، سیاسی، آموزشی و اقتصادی است که علامه مغنیه تلاش کرد از طریق برجسته کردن این نظریه‌ها، توجه خوانندگان تفسیر الکاشف را به محتوای غنی قرآن کریم جلب کند که در تحقق این هدف بسیار موفق بود.

الربیعی تصریح کرد: آنچه تفسیر الکاشف را از دیگر تفاسیر قرآنی متفاوت می‌سازد، رویکرد واقع‌بینانه علامه مغنیه و تلاش ایشان در جهت حل و فصل مسائل اجتماعی معاصر و پاسخ به این مشکلات از طریق تکیه بر آموزه‌های قرآنی است.

این نویسنده و پژوهشگر عراقی تأکید کرد: علامه مغنیه ضمن آن که همانند مفسران گذشته، فصاحت و بلاغت در قرآن را مدنظر دارد، بر بُعد دیگری از قرآن کریم که همان تطبیق آیات بر زندگی اجتماعی افراد است، توجه می‌کند، زیرا تطبیق آیات قرآنی با واقعیت، همواره از مسائل مهم برای مفسران و علما بوده است که علامه مغنیه آن را در تفسیر الکاشف تحقق می‌بخشد.

وی اظهار کرد: علامه مغنیه در تمام تألیفات خود در موضعی نزدیک به واقعیت قرار دارد و مسائل اجتماعی موجود در جامعه معاصر را به پیش می‌کشد. وی در تمام تفسیر الکاشف از واقعیت جدا نشد و مسائل نظری و تفسیری را تنها با در نظر گرفتن کیفیت تطبیق و کاربردی کردن آن‌ها مورد بحث قرار داد.

الربیعی گفت: علامه مغنیه با اتخاذ روشی نو در تفسیر قرآن کریم، بر مفسران پس از خود تأثیر گذاشت؛ به همین خاطر می‌بینیم که پس از ایشان، طرح مسائل اجتماعی در تفسیر قرآن توسط برخی از مفسران